

سال دوم شماره ۱۱
اردیبهشت - خرداد ۱۳۶۲
مه ژوئن ۱۹۸۳



نشریه مجلس شورای اسلامی - سازمان چریکهای فدایی خلق - در خارج از کشور

نگذار مبارز

نگذار ویران کند

دانش را

داسگاه را

سلبت مقاومت

باروی ارتجاع را

فرو میریزد

www.iran-archive.com



در سنگر دانشگاه

اردیبهشت را
در سنگر مبارزه و آزادی
کاین سار نیز
همچون گذشته ها
از خون پاک باران
رنگین است
باید بپوشد شهیدان
در راه سرخشان
آغاز میکنم
با کوله بار دانش و آگاهی
با چهل پایگاه رخنه دشمن
در قلب توده ها
با حمله های تفرقه آمیز دشمنان
مانام کفرو دین
ما فقر، رنج و گرسنه استعمار
بسکرمیکسم
اردیبهشت را
در سنگر مقاومت و آگاهی
ما سنوای زلزل و سارزه
در طول سالهای سمر و غوغا
ما عس در سرا بر خلق
ما خشم در مقابل دشمن
آغاز میکنم
ما طره طره خون
بازدهنده هستی خود
بسکروا سنوار
و سی هراس از کوله و کشتار و سک و جوب
در سنگر مقاومت و خوشی
ما روز بپوشد رهائی
ما محو نشد از جها غوغا را
بسکرمیکسیم

۲ اردیبهشت ۱۳۵۹

تلفن های خبری

سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا

هوادار: «سازمان چریکهای فدائی خلق ایران»

در صفحه ۴۶

برای تماس با جهان با آدرس
زیر مکاتبه نمایید:

JAHAN جهان
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.

اردیبهشت

APRIL - MAY

تقویم تاریخ

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
				۱	۲	۳
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱

- ۱ اردیبهشت ۱۳۵۳ شهادت رفیق فدائی شیرین فضیلت کلام در زیر شکنجه عمال شاه
- ۲ اردیبهشت ۱۳۹۶ تشکیل حزب عدالت ایران
- ۳ اردیبهشت ۱۳۳۹ پایه گذاری "کنفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی" در خارج از کشور
- ۴ اردیبهشت ۱۳۵۹ یورش مسلحانه پاسداران و اوپا شان جمهوری اسلامی به دانشگاه ها و مدارس عالی
- ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ تولد ولادیمیر ایلچ اولیانف (لنین)
- ۶ اردیبهشت ۱۳۵۳ قتل عام ۱/۵ میلیون آرامنه توسط دولت ترکیه
- ۷ اردیبهشت ۱۳۵۳ شهادت رفیق فدائی مرضیه احمدی اسکولی
- ۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ حمله مزدوران شاه به کارگران جهان چیت و شهادت ۳ کارگر و زخمی شدن ۱۴ نفر دیگر
- ۹ اردیبهشت ۱۳۳۰ تشکیل دولت ملی دکتر محمد مصدق
- ۱۰ اردیبهشت (اول مه ۱۸۸۶) روز همبستگی جهانی کارگران
- ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ نخستین نمایش جمعی به مناسبت روز کارگر در ایران
- ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ شهادت دکتر ابوالحسن خاندلی (روز معلم)
- ۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۷ شهادت اسماعیل شریف زاده و یارانش در کردستان به دست عمال رژیم شاه
- ۱۴ اردیبهشت ۱۳۳۲ شهادت رفیق وارطان سالخاریان، عضو حزب توده
- ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۸ درگذشت محمد علی افراشته، شاعر مبارز
- ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۴ پایان جنگ جهانی دوم و شکست فاشیسم هیتلری
- ۱۷ اردیبهشت (۸ مه ۱۹۴۵) شهادت رفیق خسرو روزبه
- ۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۷ شهادت رفیق فدائی کاظم سعادت (همرزم رفیق فدائی سپهروز دهقانی)
- ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۴ شهادت رفیق فدائی علی اکبر (فریدون) جعفری، عضو مرکزیت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
- ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۵ شهادت رفیق فدائی هوشنگ اعظمی لرستانی، پزشک، نویسنده و شاعر
- ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۴ - شهادت رفیق فدائی عزت غروی (رفیق مادر)، مادر فدائیان شهید رفقا احمد و محمود خرم آبادی
- ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۰ لغو امتیاز تنباکو
- ۲۳ اردیبهشت (۱۹ مه ۱۸۹۰) تولد رهبر کبیر خلق ویتنام، هوشی مین
- ۲۴ اردیبهشت ۱۹۸۱ شهادت یاسی سندز، انقلابی ایرلندی
- ۲۵ اردیبهشت ۱۳۳۰ تشکیل "سازمان زنان ایران" (تشکیلات مترقی دمکراتیک زنان)

نماز میت بر جسد حزب توده

این حزب با اعمال و خیانت هائی
که صورت داده است، الان
بصورت لاشه گندیده ای است که
بایست دفن شود.

(از اعترافات به آذین یکی از سران
حزب توده در تلویزیون ارتجاع)
"بی گمان
نادان تر آن گمان
کافوشان نهاده به همپای کاروان !
از بیم ، شیخ دشمن را تیز میکنند ،
وین گونه ز آن پلیدان پرهیز میکنند .
آنان به تنگنای شب سرد گورشان ،
(گان را بدردهای خود آباد کرده اند)
بیهوده سوخته ، چشم امید آنان
با مرگ ساخته ،
سود خود و کسان دگر را
در کار باخته .
برباد میدهند
آنان زجا که باد در آید
همپای گاه و گاه نه همپا ،
فکر خودند آنان
تا کامشان ز کار برآید .
آنان به روی دوست نموده ،
بار موافقت و به تحقیق :
خصم منافقی که در این راه
زحمت بزمختی بفرزوده . "

نیمه

به شنبه شب دهم اردیبهشت ماه ، روز -
جهانی کارگر ، نورالدین کیا نوری و محمود
اعتمادزاده ، (به آذین) در صفحه تلویزیون
جمهوری اسلامی ظاهر شده و طی " مصاحبه ای
خود را " جاسوس " و حزبشان را " خائن "
اعلام نموده و تقاضای شدیدترین مجازاتها
را از جمهوری اسلامی نموده . این " مطاحبه "
و " مصاحبه های " سایر رهبران حزب در شبهای
بعد انعکاس وسیع داخلی و جهان یافت و
از طرف همه جریانهای داخلی و بین المللی
بقیه در صفحه ۴



دفتر مطبوعه جریان موافق - سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران در خارج از کشور

سال دوم - شماره ۱۱ اردیبهشت خرداد ۱۳۶۲

در آئی نشنارد

- ۵ در عملیات قهرمانانه پیشمرگان دهبادگان رژیم در کردستان در آتش سوخت
- ۶ زنده باد همبستگی کارگران سراسر ایران
- ۶ پیام همبستگی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به جبهه آزادیبخش
- ۶ فارابوند و مارتی
- ۶ ۲۴ آوریل - قتل عام آرامنه
- ۷ اخبار ایران
- ۸ گزارش طلیب سرخ جهانی در مورد اسرای جنگی ایران و عراق
- ۱۰ درخواست ریگان از خمینی
- ۱۲ اردیبهشت ، روز معلم را گرامی داریم
- ۱۲ یاد رفیق مرضیه احمدی اسکونی آموزگار فدائی و ...
- ۱۵ اسناد مربوط به یورش به دانشگاهها
- ۱۹ بدون تفسیر
- ۲۱ گرامی باد دفا طره فدائی شهید امیر پرویز بویان
- ۲۲ سالروز شهادت فدائی خلق رفیق سعید سلطانپور
- ۲۴ از خوانندگان
- ۲۵ اخبار جهان
- ۲۸ کاردار رژیم جمهوری اسلامی در هند دستگیر شد
- ۲۸ دولت های ایران و آمریکا یکدیگر را بیشتر درگ میکنند
- ۳۲ ۹ خرداد ۵۸ (چهارشنبه سیاه) : روز خونین در تاریخ خلق عرب خوزستان
- ۳۳ دیدگاهها : نقدی بر تئوری "سوسیال امپریالیسم "
- ۳۸ به مناسبت ۳۰ آوریل ، هشتمین سالگرد انقلاب شکوهمند ویتنام
- ۴۱ سالگرد تولد رفیق هوشی مین گرامی باد
- ۴۳ نقد کتاب : " بگذار سخن بگویم ! "
- ۴۷ شعر
- ۴۸ لیست کتابهای موجود برای فروش
- ۵۰ کدهای کمک های مالی ارسال شده به سازمان چریکهای فدائی خلق

اول اردیبهشت

۱۶ آذری دیگر

... بگذار بتازد
بگذار ویران کند
دانش را
دانشگاه را .
... شلیک مقاومت
باروی ارتجاع را
فرو میریزد . در صفحه ۱۳

★ گرامی باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی جهانی کارگران

نخستین روز ماه مه ، روز کارگر و عهد کارگران سراسر
جهان است . این روز محصول مبارزاتی بی امان کارگران
در نقاط مختلف گیتی بر علیه نظام طبقاتی سرمایه داری
و نیز نشان دهنده ی قدرت و عظمت نیروی توده سازی
است که وظیفه ی رهائی بشریت را از استثمار و جهالت
بقیه در صفحه ۱۱

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

”نماز میت“

بقیه از صفحه ۲

با اهمیت تلقی گردید. به نظر ما نیز این مسئله دارای اهمیت است. برای برخی این مسئله بیانگر پایان دموکراسی در ایران و رویکرد به دیکتاتوری ارتجاعی یا توسل به همه اهرمها منجمله شکنجه میباشند. پاره‌ای محافل بین‌المللی نیز آنرا نشانگر خط‌تشد کمونیستی، حاکمیت تلقی کردند، برخی دیگر آنرا موضعگیری آشکار حاکمیت در مقابل اتحاد شوروی و چراغ سبز و یا بهتر بگوئیم دراز کردن دست‌دوستی و هم‌پیمانی به سوی غرب خوانند و جماعتی دیگر آنرا عمدتاً ”بن‌بست“ غمینی؟! تلقی کردند و ...

ما در این مقاله تلاش میکنیم اهمیت عینی این مسئله را نشان دهیم و سپس تا حد ممکن چشم انداز و نتایج حاصله از آنرا ترسیم نمائیم.

پایان نهائی جدل دو تحلیل

از فردای حاکمیت جمهوری اسلامی، یکی از اساسی‌ترین و درعین حال حادث‌ترین مباحث نیروهای سیاسی در ایران عبارت بود از تحلیل از حاکمیت نوین و چشم انداز تحول آن. علیرغم تعدد این تحلیل‌ها، علیرغم ناهمگونی و تنوع این تحلیل‌ها از نظر مباحث، انسجام و غیره، به سرعت دو دسته تحلیل در مقابل یکدیگر صف‌آرایی می‌شود. اولی با این استدلال که این حاکمیت محصول مبارزات توده‌ها بر علیه شاه میباشد، در نتیجه دارای نوعی مشروعیت و پتانسیل انقلابی بوده و بشاچار در جهت تحقق خواسته‌های توده‌های قیام‌کننده گام بر خواهد داشت. بنابر این وظیفه نیروها را تقویت جمهوری اسلامی به سوی تشبیت و کمک بدان در جهت تحقق برنامه‌هایش میدانست که نهایتاً منجر به تأمین دموکراسی و تضمین استقلال در برابر امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا میگفت. دومی، علیرغم تنوع روایای نگرش به حاکمیت جدید، سمت و سوی آنرا به طرف دیکتاتوری و سلطه‌ارتجاع از یک طرف و سازش با امپریالیسم و یاسازی سرمایه‌داری وابسته از سوی دیگر ارزیابی میکرد. در نتیجه وظیفه خود را در مبارزه با جمهوری اسلامی در جهت سرنگونی قرار میداد.

مشخص‌ترین تحلیل را در گروه اول حزب توده و در گروه دوم بخش ”افلت“ فدائیان خلق که پس از گسست قطعی از ”اکثریت“ بحق خود را ”سازمان چریکهای فدائی خلق

ایران“ نامید، ارائه دادند.

رخداد کنونی، یعنی تهاجم همه جانبه حاکمیت به حزب توده، برای کند ذهن‌ترین عناصر نیز پایان نهائی این جدل بود و اثباتی بی‌چون و چرای تحلیل استراتژی دوم. در عین حال برای ما برخورد با حزب توده هرآینه در سطح تحلیل از حاکمیت باقی می‌ماند، تنها برخوردی غیررادیکال و سطحی می‌بود. پس میبایست برای برخوردی رادیکال دسته ریشه مسائل می‌پردیم و در آنجا بود که برخورد حزب توده به حاکمیت تنها نمودی از میثاق ایدئولوژیک بود که در حوزه سیاست جلوه‌گر میشد. بدین ترتیب رخداد کنونی، شکست عینی و آشکار دیگری بود برای تراهی رویزیونیستی راه رشد غیر سرمایه‌داری، گذار و همزیستی مسالمت‌آمیز و نفی ضرورت رهبری عملی طبقه کارگر در انقلاب و ... در ضمن طرح مجدد تئوریک ”عناصر نفوذی طرفدار آمریکا“ در درون رژیم از طرف کشورهای سوسیالیستی و یا بعضی احزاب کمونیستی رنگ باخته‌تر از آن است که تهاجم به برخورد تشویرک داشته باشد.

آغاز تزدیکی بی‌پرده جمهوری اسلامی به امپریالیسم

در این ارتباط ممکن است سؤال شود که چرا رژیم این جریان بی‌آزار و بی‌غاصبیت را که کاری جز توهم‌پراکنی به نفع رژیم و تکرار یک سری غزبات خود رژیم و حداقل توقع برای حفظ موجودیت حقیر خود را نداشته‌است تکریم میکند؟ برای اینکه به این سؤال پاسخ گوئیم باید اندکی از خود رژیم سخن بگوئیم. مدت‌هاست که در بطن رژیم تخاصم بر سر چگونگی حل بحران عمیق اقتصادی، سیاسی و ... جامعه در جریان است. این تضاد است که از بطن روابط سرمایه‌داری حاکم در ایران و به دنبال آن قیام بهمن ۵۷ و سرنگونی حکومت سلطنتی و رشد نسبی آگاهی توده‌ها و ماهیت واپسگرایی رژیم جمهوری اسلامی به وجود آمده است. تضادیکه نتوانست با طرد بنی‌صدر و بنی‌صدرها سبز حل شود. تضادیکه سرکوب غیرقابل وصف نیروهای انقلابی نیز آنرا از بین نبرد. تضادیکه به یک عبارت تنها با سرنگونی کل حاکمیت و جایگزینی آن با یک آلترناتیو انقلابی و با تعیین خط و مرز خود بطور آشکار با کلیه به اصطلاح آلترناتیوهای هم‌نوع و هم‌قماش ”جمهوری اسلامی“ (چه از نوع ”دمکراتیک“ و چه از نوع ”غیردمکرا -

تیک“ اش) حل خواهد شد.

واقعیت این است که رژیم برای ”تشبیت“ خود و به جریان انداختن حرکت سرمایه، می‌بایست مسیر ”سرکوب“، ”انجام درونی“ خود و ”فرم اقتصادی“ را نه جدا از هم، که در ارتباط لایتنک و همزمان با هم سپری کند. رژیم در عین متمرکز کردن نیروی خود برمدار فاکتور اول به شریب پیرامون مسئله و دم و سوم نیز تلاش‌های عینی را به عمل آورد. اما تمام طرح‌های او در رابطه با مسئله دوم کوتاه مدت و ناموفق بوده و در رابطه با مسئله سوم یعنی ”فرم اقتصادی“ از حد شمار خارج نشده است. طرح سرکوب نیروهای اپوزیسیون، چه انقلابی و چه ارتجاعی، طی اسنادی از طرف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در ”کار“ شماره ۱۱۲ افشا شد. رژیم از آن پس علیرغم بر ملا شدن دسیسه‌اش طبق همان طرح سرکوب هیستریک و سیستماتیک خود را آغاز و به مرحله اجرا درآورده است. سازمانهای سیاسی به دلایل مختلف از جمله عدم آمادگی برای مقابله با حملات رژیم، پس از پایان دوره کوتاه دمکراسی نیم بند حاصل از قیام، به درجات مختلف متحمل‌مدامات و ضربات کم و بیش جدی شدند. بنابر این رژیم در بخش اول قاده‌شد که به سازمانهای سیاسی (به جز کردستان) با درجات مختلف ضربه بزند. اگر به اسناد مربوط به ”طرح سرکوب“ احزاب و سازمانهای سیاسی مراجعه کنیم، نام حزب توده را در انتهای لیست خواهیم یافت. بنابر این از دید رژیم دستگیری و انحلال حزب توده در این مقطع به معنای پایان لزوم حضور این حزب در جامعه و فراهم شدن ضروریات و شرایط لازم برای سرکوب آن است و چنانکه مهدوی کنی در این زمینه گفت: ”میوه را به موقع بایدچید“

”او“ اول سراغ یهودی‌ها رفت

- من یهودی نبودم - اعتراضی نکردم

پس از آن به لهستانی‌ها حمله برد

- من لهستانی نبودم - اعتراضی نکردم

آنگاه به لیب‌ال‌ها فشار آورد

- من لیب‌ال‌ نبودم - اعتراضی نکردم

بعد ثوبت کمونیست‌ها رسید

- من کمونیست نبودم - بنا بر این اعتراضی نکردم

سرا انجام ”او“ سراغ من آمد

هرچه فریاد زد من کسی نمادیده بودی که اعتراضی کند!

پشت

اما این تنها بخشی از واقعیت است. ما

بقیه در صفحه ۲۹

در عملیات قهرمانانه پیشمرگان دو پادگان رژیم در کردستان در آتش سوخت

پیشمرگان کرد طی حملات روزهای ۱۷ و ۲۰ مه به نیروهای جمهوری اسلامی در کردستان، دو پایگاه نظامی رژیم در بناوه و راوان در منطقه سردشت را به تصرف درآوردند. در پی تصرف این دو پایگاه ۶۲ جاش به اسارت پیشمرگان درآمد، تمامی اسلحه، مهمات و تجهیزات پایگاههای مزبور توسط پیشمرگان محاصره گشت.

بنا بر اخبار رسیده از ایران، پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و حزب دمکرات کردستان یک ستون از نیروهای رژیم را در ۱۰ کیلومتری جاده مهاباد - ارومیه به تله انداخته، سپس از درگیریهای شدید موفق میشوند ۲۳ تن از مزدوران را بهلاکت رسانده و ۱۸ تن دیگر را به شدت زخمی نمایند. طی این درگیری یکی از پیشمرگان فدائی بنام اصغر شهید شده و دو پیشمرگه فدائی و یک پیشمرگه دمکرات نیز زخمی گردیدند.

روستای قم قلعه واقع در ۱۰ کیلومتری مهاباد مورد حملات جنون آمیز مزدوران جمهوری اسلامی قرار گرفت، لیکن بواسطه مقابله ندید پیشمرگان فدائی و دمکرات، ۲۴ تن از نیروهای دشمن بهلاکت رسیده و تعداد زیادی زخمی شدند. دشمن ناگزیر به عقب نشینی می گردد. طی این درگیری دو پیشمرگه شهید و یک تن زخمی میگردد.

۵۰ مزدور بهلاکت رسیدند!

در اواسط فروردین ماه نیروهای جمهوری اسلامی جهت تصرف روستای قرکند در حومه بوکان در ساعت ۳/۵ نیمه شب حمله خود را به این روستا آغاز نمودند. در اولین حمله پیشمرگان موفق شدند دشمن را وادار به عقب نشینی نمایند و در دومین حمله به روستا که مدت دو ساعت به طول انجامید، نیروهای رژیم با به جا گذاشتن ۲۰ کشته عقب نشینی نمودند. در حمله سوم که مزدوران گیاده موقت، پاسداران و ارتش را همراهی میکردند و بنسبیل توپخانه و خمپاره انداز پشتیبانی میشدند برای بار سوم شکست خوردند. در این درگیری پیشمرگان موفق به سرنگونی یک هلیکوپتر و منهدم نمودن یک بولدوزر و آمبولانس شدند. در این درگیری رژیم بیش از ۵۰ کشته به جای گذاشت.



ساعت ۵/۵ عصر روز سه شنبه ۱۷ مه پادگان و خانه جوانان که محل استقرار پاسداران رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی بود، به مدت ۴۵ دقیقه زیر آتش سلاحهای پیشمرگان حزب دمکرات قرار گرفت. در این درگیری علاوه بر تلفات سنگینی که به مزدوران رژیم وارد آمد، ۲۷ خودرو، یک تانک، یک دستگاه موشک انداز کاتیوشا و منبج سوخت و بسیاری دیگر از اشیاء پادگان در آتش سوخت. پس از این عملیات، پیشمرگان وارد شهر شده و تا ساعت ۱۱/۵ صبح چهارشنبه ۱۸ مه در داخل شهر باقی ماندند. پیشمرگان از نخستین لحظات ورود به شهر کنترل دقیق نقاط کلیدی شهر را بدست گرفتند. درگیری پیشمرگان با مزدوران رژیم مجموعاً ساعت بطول انجامید که در پی آن بخش اعظم دو پادگان دیگر، رژیم ویران شد و بیش از ۲۰ تن از نیروهای سرکوبگر رژیم بهلاکت رسیدند. بطوریکه غیابانهای شهر ملو از جنازه های مزدوران رژیم شده بود. محمد بروجرودی معاون قرارگاه حمزه در بیان کشته شدگان بود، نیروهای رژیم که با رای مقابل با پیشمرگان را در غوغا می دیدند، اقدام به خمپاره باران شهر نمودند که منجر به شهادت چهار تن از اهالی مدافع مهاباد، از جمله دو کودک ۴ ساله و زخمی شدن ۸ نفر گردید. همچنین به تعدادی از خانه های مسکونی خسارتی وارد آمد. بدنبال خمپاره باران شهر از سوی دشمن، پیشمرگان یک بار دیگر پادگان و خانه جوانان را به توپ بسته و موفق شدند توپخانه دشمن را منهدم سازند.

این عملیات موفقیت آمیز، آنچنان ضربه مهلکی بر رژیم در کردستان وارد آورد که موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی شیوناکزیر شد که در برنامه های رادیوئی یکشنبه ۲۲ و دو شنبه ۲۳ ماه مه به کشته شدن معاون قرارگاه حمزه و تعداد بیشماری اوباسداران و ارتشیان اقرار کند. طی این عملیات قهرمانانه ۵ تن از پیشمرگان زخمی و ۴ تن شهید گردیدند.

کوردستان

یولی داغدی یولی داشدی کوردستان
توپا، تفنگه، بولداغدی کوردستان
انقلابدا بوگون باغدی کوردستان
خلقلره بیر قارداغدی کوردستان
دوشمن بوگون بیر اوداغدی کوردستان
بالالار قانا چولا شدی کوردستان
قارنانیان، قلعتان هامی کوردستان
فاغیشلر اولیب بیر گور بوستان
اگر هامی میمیز بیرلشماخ کوردستان
تفنگ الیب بیر دیلشماخ کوردستان
آنام وطن آذربایجان، لرستان
ترکمنن هامی ایران، غوزستان
اگر نیماخ بیر بولدا غدان بیر دوستان
ایران اولی آزاد، باغ گلستان
بایراغیمیز چکشین، اوراغان، اولد و زدان
کلین تار بیلرید بیزدا، بیزداستان
(میرزا بفرسوس)

نشریه

ریگای گمل

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

شاخه کردستان

را بخوانید

۲۴ آوریل سالگرد قتل عام ارامنه

۲۴ آوریل (۵ اردیبهشت) معادف بود با سالگرد قتل عام یک میلیون و پانصد هزار نفر از ارامنه توسط دولت ترکیه. شصت و هشت سال پیش در سال ۱۹۱۵ حاکمیت جدید عثمانی که به دست "ترکهای جوان" برقرار میگردد برای سرکوب قطعی جنبشهای آزادی بخش ارامنه توطئه شوم نابودی آنها را طرح ریزی کرد. بورژوازی شوئیست ترکیه قصد داشت با قتل عام ارامنه، مسئله خلق ارمن را برای همیشه "حل" کند. آنان میخواهند که ثروتهای این خلق تحت تسلط را تصاحب کرده و تمام منطقه آناتولی را به یک منطقه ترک نشین تبدیل کنند.

در این روز دولت عثمانی مدتها تن از روشنفکران، شاعران، نویسندگان، هنرمندان، پزشکان و... ارمنی را دستگیر کرده و به انحاء مختلف از بین برد. به دنبال آن - کشتار دسته جمعی تودهها آغاز شد. مأمورین دولت عثمانی به بهانه کوچ مردم از مناطق جنگیبه نقاط امن، آنها را از روستاها و شهرهای مسکونیشان خارج نموده، در بین راه قتل عام کردند یا با ویران کردن روستاهای ارمنی نشین، بسیاری از ساکنین آنها را به قتل رساندند.

ما خاطره ۱/۵ میلیون شهید ارمنی و دلاوریهای این خلق قهرمان را گرامی داشته، ایمان داریم که کارگران، زحمت کشان و سایر اقشار خلق ارمن در مبارزه خود در کنار خلقهای ایران و ترکیه و... علیه امپریالیسم و پایگاه داخلی به مبارزه ادامه خواهند داد.

رفیق روزبه...
دفاعیات قاطعانه ی رفیق روزبه از مارکسیسم-لنینیسم یعنی علم رهایی طبقاتی کارگر چون شست پولادینی بر پیروزی دشمنان خلق فرو برد و ایستادگی و شهادت حماسه آفرین او، تسلیم طلبی، سازشکاری و خیانت رهبران فرصت طلب حزب توده را بیش از پیش در معرض هتایت تاریخ و سازندگان تاریخ قرار داد.

اگر امروز خیانتهای رهبران حزب توده در مسیر تاریخی خود در ایجاد ی نین و سطوخی تازه تکرار می گردد راه سرخ رفیق روزبه نیز بسطیعی نسلی از کونیتهای انقلابی یعنی رزمندگان فدایی بسوی آینده رهایی کارگران و زحمتکشان پیروده می شود.

راهش پیمان و ناش جاودان.



زنده باد همبستگی کارگران سراسر ایران اگر سازوان نیرو مند شما اراده کند تمام پروژهها از حرکت باز خواهد ایستاد

کارگران مبارز سراسر ایران!

۱۱ اردیبهشت روز اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران سراسر جهان، روز قدرت نمایی اردوی بهشتکار علیه سرمایه فرامیبرد. کارگران ایران اسال در شرایطی به استقبال این روز تاریخی میشتابند که نظام سرمایه داری حاکم بر ایران عظیم ترین صائب را برای کارگران و کلبه زحمتکشان بهار آورده است. فقر و فلاکت صوبی زندگی کارگران را به تنهایی سوق داده است. بیکاری به آنچنان ابعاد فاجعه آسایش رسیده است که میلیونهای از کارگران و زحمتکشان ایران با بیکاری و گرسنگی روبرو هستند. سطح زندگی کارگران بنحویت آوری تنزل نموده است در حالیکه دستمزده کارگران به حد اقل ممکن باقی مانده است. افزایش بیابانی قیمت ها سبب شده است که حتی نتوانند با محتاج روزمره خود را تهیه کنند. عدم اعتصاب بهایند و فقدان تامین اجتماعی بنحویت افزونی گسترش یافته است. در حالیکه سرمایه داران و ملاکین کمترین و اساسی ترین بخش وصال تولید، زمین، کارخانه و... را در اختیار دارند با استثمار هولناک کارگران مدام غنی تر شده اند. کارگران که ناگزیر از فروش نیروی کار خود هستند مدام فقیرتر شده اند. تضاد میان فقر و ثروت بنحویت با ریزی در همه جا چشم میخورد. این شرایط هولناک زندگی کارگران موجب عصبان و نارضایتی را بشدت در میان کارگران دامن زده است. موج اعتصاب تعد اد زیادی از کارخانهها و دیگر موسسات تولیدی را فراگرفته است. اعتصابات اخیر در تاسیسات نوب آهن ایران ناسیونال و رنوزامیاد و بسیاری از کارخانههای دیگر بیانگر تلاش کارگران برای رهایی از یوغ تحمل ناپذیر سرمایه است. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که پاسدار نظام سرمایه داری، مدافع مستمران و استثمارگران و محافظ منافع سرمایه داران ایران و امپریالیسم جهانی است، برای حفظ این نظام پوسیده در برابر یورش انقلابی کارگران، به سهمیت و دنده خوبی کم نظیری متوسل شده است. هزاران تن از روشنفکران انقلابی و نیز کارگران آگاه به منافع طبقاتی خود، این آگاهترین، پیشروترین و مصمم ترین بخش کارگران ایران، این قهرمانان دفاع از منافع توده های زحمتکش، این نماد یان نبرد کار علیه سرمایه و این پیشروین سوسیالیسم و آینده روشن و تابناک بشریت را بجرم دفاع از منافع و آرمانهای والای کارگران به جوشه اعدام سپرده و بایزندان افکند ما است. همگین تعد اد زیادی از کارگران مبارز صنعت نفت، تاسیسات و سب آهن، صنایع دفاع و جنرال موتورز ایران ناسیونال و بسیاری از کارخانههای دیگر با اقدام شده و با در بنقلیه تر صفحه ۲۰



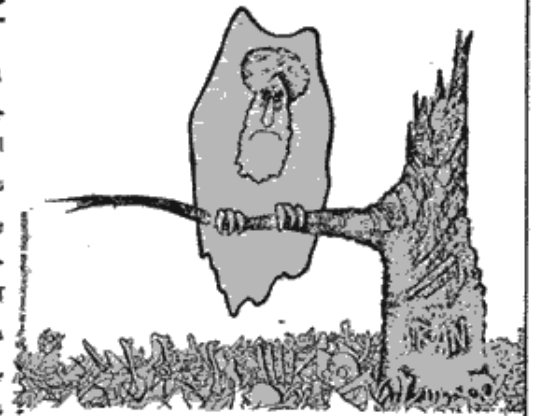
پیام همبستگی به جبهه آزادیبخش فارابوندمارتی

رفقای رزمندگان گرامیترین در روزها و صمیمانه ترین مراتب همبستگی ما را با خلق قهرمان السالوادور، با انقلاب پرشکوه و رهبری پر افتخار آن جبهه فارابوندمارتی (FMLN) بیدرید. شهادت رفیق طیدا آنا یا مونتنز (آنا ماریا) و به دنبال آن مرگ رفیق السالوادور کاپاتانو کاریو برای ما و همه انقلابیون دنیا بسیار تلخ و ناگوار بود. لیکن ما ایمان داریم که این خیانت شرم آور و از دست دادن رفقای چون کاریو و آنا ماریا نخواهد توانست غللی در عزم استوار شما در راه گسترش انقلاب و رهایی السالوادور ایجاد نماید.

ما به خوبی نسبت به شرایط دشوار مبارزات شما واقف بوده و از توطئه های رنگارنگ امپریالیسم جهانی بر علیه شما آگاهیم. امپریالیسم آمریکا از طرق مختلف می خواهد با استفاده از رژیم های وابسته اثر در منطقه نظیر هندوراس و بسج ضد انقلابیون و فشار آوردن بر نیروها و کشورهای شرقی خطه نظیر نیکاراگوئه اعزام نیروهای مسلح و صرف میلیون ها دلار پول و اسلحه خلق قهرمان السالوادور را به زانو درآورد. اما همچنانکه قهرمان امپریالیسم آمریکا راد آسپا به زانو درآورد، خلق قهرمان السالوادور نیز پشت این امپریالیزم چناینگار و مزدوران دغلیش را در آمریکا به خاک خواهد مالید و یک بار دیگر به خیانتیان نشان داده خواهد شد که پیروزی از آن خلق هاست.

رفقای سازمان ما نیز خلق سوادور، خیانت خود تجربه های سخت و لحظات بحرانی بسیاری را تجربه کرده است و در هر نقطه بحرانی با تکیه بر اصول و پرنسپ های انقلابی و با ایمان به نیروی خلق توانسته است بر خیانت ها و انواع

بنقلیه تر صفحه ۲۲



به حکم قرآن

هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی در سخنرانی خود راجع به جنگ و وضعیت جمهوری اسلامی در منطقه گفت: به حکم قرآن و به حکم وظیفه اساسی ناچاریم امنیت منطقه را تضمین نمائیم. رفسنجانی در نطق خود به خوبی موضع جمهوری اسلامی را در منطقه و تبدیل شدن این دولت را به ژاندارم منطقه و جانشین شاه معزوم عنوان نمود.

صف خیانت

رعاشی، فرمانده کل سپاه پاسداران جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ای اعلام داشت: بیش از هزارو پانصد نفر از اعضای بالا و کادر رهبری حزب توده تا بحال دستگیر شده‌اند و از زمان صدور حکم دادستانی کل انقلاب مبنی بر معرفی اعضای هوا و هواران این حزب متحله، صفهای طولانی از این افراد در جلوی مقرهای سپاه پاسداران جهت تسلیم خود به دولت موجود آمده است.

میوه قانون قصاص

به دنبال تصویب قانون قصاص که حدود ۲ سال پیش در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، هفته گذشته دو تن در اراک به جرم قتل به خانواده مقتول سپرده شدند، ماده ۱ فصل اول قانون قصاص میگوید: "قتل نفس اگر عمدی باشد، موجب قصاص است و اولیاء مقتول میتوانند قاتل را با رعایت شرایطی که خواهد آمد، به قتل برسانند." قابل توضیح است که شرایط فوق الذکر شامل اعدام قاتل با حربه‌ای تیز و برنده است. قانون قصاص از جمله قوانین بنیادین ارتجاعی جمهوری اسلامی است.

تا سیس وزارت سا و ما

رادیو جمهوری اسلامی اعلام نمود، دوشنبه

۹ می، شش ماده از طرح تاسیس وزارت اطلاعات

جمهوری اسلامی در شور دوم مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. ماده ۱ این طرح تصریح کرده است: "به منظور کسب و پرورش اطلاعات امنیتی و اطلاعات خارجی و حفاظت اطلاعات و ضد جاسوسی و به دست آوردن آگاهیهای لازم از وضعیت دشمنان داخلی و خارجی، به منظور پیشگیری و مقابله با توطئه آنان علیه انقلاب اسلامی، کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران تشکیل میگردد." این ماده شامل تبصره به این شرح میگردد: "۱-

اطلاعات نظامی با حفظ هماهنگی با وزارت اطلاعات بر عهده ارگاتهای نظامی خواهد بود. ۲- اطلاعات تخصصی آشکار در هر زمینه به عهده ارگان تخصصی مربوط است و ۳- هر یک از وزارتخانه‌ها، موسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای و نیروهای نظامی و

انتظامی که در کسب اطلاعات تخصصی خود به مسائل امنیتی برخورد کنند و هر گونه اطلاعاتی که مورد تقاضای وزارت اطلاعات باشد موظف هستند که آن اطلاعات را در -

اختیار وزارت اطلاعات قرار دهند." قابل ذکر است که وزارت اطلاعات با ستاد واک جمهوری اسلامی بلافاصله بعد از قیام توده‌ها با استفاده از مزدوران ساواک شاه کار خود را آغاز نموده و با استفاده از تجربیات قبلی سعی در شناسایی و سرکوب

نیروهای انقلابی کرد، حال جمهوری اسلامی برای مشروعیت بخشیدن به سرکوب توده‌ها با استفاده از اهرمهای به اصطلاح قانونی خود، طرح سازمان امنیت را به تصویب میرساند، طرحی که حاکی از عربان شدن هر چه بیشتر ماهیت واقعی جمهوری اسلامی است.

زندگی مرفه

دکتر سلیمی خلیق، یکی از مسئولین وزارت علوم طی مقاله مندرج در روزنامه اطلاعات اعلام داشت: "بیش از ۸۰ درصد متخصصین و پزشکان این مملکت زندگی مرفهی را که در این کشور دارند در هیچ جای دنیا نمیتوانند داشته باشند و به این جهت انگیزه‌ای برای رخصت ندارند و آن - عده‌ای هم که رفته‌اند به دلایل دیگری رفته‌اند و همان بهتر که بروند."

امپریالیسم ژاپن

نه شرقی، نه غربی

پنجشنبه ۱۲ می رادیو جمهوری اسلامی اعلام نمود که دور جدید مذاکرات رؤسای ژاپن پیرامون بکاراندازی مجتمع پتروشیمی بندر شاهپور در توکیو آغاز شد. رئیس هیئت اعزامی به ژاپن گفت در صورتیکه عملیات اجرایی تکمیل پروژه مذکور از سوی شرکای ژاپنی ایران آغاز شود، جمهوری اسلامی به مسائل مالی آنها و خسارت‌هایی که ادعا کرده‌اند توجه خواهد کرد و در زمینه حل مشکلات مالی آنان به کمک آنها خواهد رفت. قابل توضیح است که در چهار سال گذشته رژیم جمهوری اسلامی همواره در مدد بکاراندازی مجتمع ناتمام پتروشیمی در جنوب ایران بود، ولی شرکتهای ژاپنی از حرکت عملی در این جهت خودداری نموده‌اند.

تهدید ژاپن

خبرگزاری بی‌بی‌سی روز پنجشنبه ۱۲ می گزارش داد: دولت عراق به شرکتهای ژاپنی هشدار داد که از راه انداختن مجتمع پترو-شیمی ایران و ژاپن در خوزستان خود داری بپایان نرسانند. زیرا این مجتمع در منطقه جنگی قرار دارد و در صورت شروع کار مجتمع مذکور عراق آنها را بمباران خواهد نمود.

ریسکش مال شما،

پولش مال ما

رادیو بی بی سی گزارش داد بعد از پنج روز مذاکرات بین هیئت اعزامی جمهوری اسلامی به ژاپن با شرکتهای ژاپنی پیرامون شروع کار مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن جهت تکمیل آن، شرکتهای ژاپنی حاضر به اتمام پروژه مذکور گردیدند. در این رابطه شرکتهای ژاپنی تصریح نموده‌اند به علت جنگ بین جمهوری اسلامی و عراق و قرار داشتن مجتمع مذکور در منطقه جنگی، کارگران ایرانی می‌بایست در منطقه مذکور کار نمایند و متخصصین ژاپنی در خارج از منطقه جنگی کار اتمام پروژه را به جلو خواهند برد.

گزارش صلیب سرخ جهانی در مورد اسرای جنگی ایران و عراق

چهارشنبه ۱۱ می، صلیب سرخ جهانی بعد از اتمام جلسه خود در ژنو اعلام داشت هر دو دولت جمهوری اسلامی و عراق قانسون بین المللی جنگ در برخورد به اسرای جنگی را شکسته و زیر پا گذاشته اند و هر دو کشور ایران و عراق را متهم به اعدام های متوالی اسرای جنگی خود نموده همینطور کمیته مزبور اعلام داشت که هر دو کشور نه تنها از مداوای سربازان زخمی طرف مقابل خودداری میکنند، بلکه اسرای زخمی را نیز تحت فشار و بی توجهی قرار داده اند و اسرای عراقی در ایران که به مرز ۵۰ هزار نفر میرسند در

بدترین شرایط بسر میبرند. برغورد دولت ایران به اسرای جنگی هولناک است. همینطور ۶۸۰۰ نفر از نیروهای ایران تحت اسارت عراق قرار دارند. کمیته مزبور جمهوری اسلامی را متهم به جلوگیری از بازپسند نمایندگان صلیب سرخ از اردوگاه اسرای جنگی و فشار ایدئولوژیک و سیاسی به اسرای مزبور نمود و همچنین عراق را متهم به عدم مداوای اسرای زخمی و اخراج دهها هزار ایرانی از عراق کرد. صلیب سرخ اضافه نمود هر دو طرف در جنگ شهرها و مناطق مسکونی را پی در پی بمباران نموده اند. صلیب سرخ اعلام نمود: "ما مجبور به انتشار این اطلاعیه در محکومیت دولتهای ایران و عراق شده ایم زیرا هر دو کشور از ابتدا شروع جنگ یعنی سپتامبر ۱۹۸۰، قوانین حقوق بشر بین المللی را زیر پا گذاشته اند."

بمباران شهرهای خوزستان

در چند روز گذشته ارتش عراق عملیات نظامی خود را گسترش داده و به دنبال آن شهرهای دزفول و اندیمشک را به موشک بست بر اثر این حملات صدها خانه مسکونی در دو شهر دزفول و اندیمشک ویران و دهها نفر از اهالی این دو شهر کشته و زخمی گردیدند همچنین شنبه ۱۲ می آبادان مورد حمله توپخانه عراق قرار گرفت. بر اثر این حمله چند نفر کشته و دهها خانه ویران گردیدند. خامنه ای رئیس جمهور رژیم در چهارمین روز آغاز کشتار حزب جمهوری اسلامی در رابطه با حملات مذکور اعلام داشت: "حمله موشکی به دزفول و اندیمشک بی پاسخ نخواهد بود و ما قادر هستیم بیش از ۲ میلیون نفر از مردم عراق را بی خاشاک سازیم."



صحنه ای از اعدام دسته جمعی اسرای جنگی توسط رژیم جمهوری اسلامی (از نشریه مجاهد شماره ۱۳۱)

به یاد رفیق شهید خسرو روزبه

"... من سنگمبارزه و اترک نکردم و اکنون نیز تمام مواقیب آن را باروی گشاده تحمل میکنم..."

از دفاعات رفیق خسرو روزبه



روزبه در دفاعات پیش از تیرباران

طرح صلح

خبرگزاری رویتر گزارش داد: "دوشنبه ۱۶ می وزیر خارجه کویت و امارات متحده عربی بعد از ملاقات خود با خامنه ای جهت پایان دادن به جنگ بین جمهوری اسلامی و عراق و تعمیر تاسیسات نفتی نوروز، سه شنبه به بغداد وارد گردیدند و ادامه مذاکرات را با مقامات عراقی شروع نمودند." افراد نامبرده در مصاحبه ای مطبوعاتی اعلام داشتند که گزارش ملاقات خود با خامنه ای و مقامات عراقی را به نمایندگان شش کشور خلیج فارس ارائه دادند. وزیر خارجه کویت در سخنانش ادامه داد که در سفر بعدیما، به تهران گزارش این جلسه را به مقامات جمهوری اسلامی خواهیم داد. در رابطه با پایان دادن جنگ بین دولتین رتجایی جمهوری اسلامی

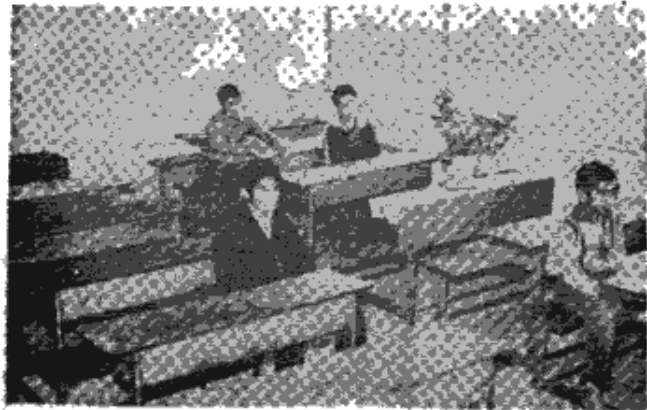
با طلوع سپید می صبح بیست و یکم اردیبهشت خاطره ای شهادت انقلابی بزرگ رفیق خسرو روزبه درباره دریاها زنده می شود. رفیق روزبه که در سراسر زندگی افتخارآمیز و مبارزه جویانه اش به آرمان کارگران و زمینکنان می اندیشید سرانجام رسیده به دمان بیست و یکم اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۷ با نثار خون سرخ و پاکش مهر وفاداری بر پیمان دیروزه اش با کارگران و زمینکنان جامه کهنه و در حالیکه

و عراق وزیر خارجه الجزایر اظهار داشت که ما سعی خواهیم کرد معاهده مرزی بین ایران و عراق که در سال ۷۵ منعقد گردید را به تصویب طرفین برسانیم. وزیر خارجه مزبور ملاقات های خود را با طرفین درگیر در جنگ "طرح صلح" اعلام داشتند.

با طنین فریاد "زنده باد کمونیسم ... لارزه براندام مزدوران جلا دوهم سفاک پهلوی انداخته بود باطلی بر امید و قاضی برافراشته به پیشواز شهادت شتافت و به این ترتیب صفحات تاریخ مبارزات کارگران و زمینکنان بار دیگر بخون یکی از درخشان ترین چهره های انقلابی جنبش کمونیستی ایران گلگون شد. رفیق روزبه زمانی به استقبال شهادت شتافت و در شرایطی به دفاع از مارکسیسم - لنینیسم پرداخت که رهبران خائن حزب توده یا چون گیائوری ها و طبری ها فرار را برقرار ترجیح داده و یا چون قریش ها و شرمنی ها و بی شومان دیگر به خدمت دشمنان خلق درآمده بودند و در رژیم وابسته ی پهلوی پس از سرکشی جنبش خدامپریالیستی - دموکراتیک توده ها می کشید تا با استفاده از خیانتها و انحرافات حزب توده کمونیسم کویتسهارا بی اعتبار کنند.

بقیه در صفحه ۶

تنها ۴۴ دانش آموز در یک درگیری از یک دبیرستان



عکس فوق یکی از کلاس های دبیرستان دکتر شریعتی، کرج را نشان میدهد اما فقط ۴ نفر در یک کلاس نشسته اند و بقیه نیمکت ها خالی است. مابقی این کلاس قربانی سیاست های جنگ طلبانه و تجاوز - کارانه رژیم جمهوری اسلامی شده اند. طبق گزارش روزنامه اطلاعات ۸ اردیبهشت در عملیات به اصطلاح "الفجر" که رژیم در آن وعده "پیروزی کامل سپاهیان اسلام بر کفر" را داده بود تنها ۴۴ دانش آموز از یک دبیرستان کشته شدند. تنها ۴۴ نفر در یک درگیری و از یک دبیرستان - میتوان حدس زد که طی این جنگ ارتجاعی چنده هزار نفر از دانش آموزان مدارس سراسر کشور قربانی سیاست های رژیم شده اند. جنگی که تا بحال قریب نیم میلیون کشته، زخمی و اسیر به جای گذاشته است جنگی که هیچ نتیجه ای جز فقر، بیماری، آوارگی، و غم و ماتم برای مردم به همراه نداشته است. این نوجوانان قربانی عقب ماندگی جامعه و حیل های ملایان روبه مفت جمهوری اسلامی شده اند. این دانش آموزان را با وعده های رفتن به "بهشت"، در اصل به جهنم ساخته شده به دست دو رژیم فد خلقی ایران و عراق فرستادند. بیشک چیزی نخواهد گذشت که با پایان مفتضاحه جنگ، بدون آنکه رژیم ایران قادر باشد از ارتجاعی مدور انقلاب خود را عملی سازد، توده ها به عیب بودن جنگ ارتجاعی و قربانی شدن در راه توطئه های شوم جمهوری اسلامی واقف شوند. اما مسلما بسیاری از دل بستگی ها شیک آنها در راه واهی "گسترش اسلام" از دست داده اند قابل جبران نخواهد بود. نهایتاً خود یا سرگونی عاملین اصلی جنگ عیب بودن آنرا به رژیم نشان خواهند داد.

نیم میلیون کشته، زخمی و اسیر

به گزارش روزنامه تایمز لندن (مورخ ۶ آوریل ۸۳)، جنگ ایران و عراق تاکنون در حدود نیم میلیون کشته، زخمی و اسیر برجای گذاشته است. طبق آمار موجود، عراق هنوز ۲ هزار تانک در اختیار دارد، در حالیکه ایران تعداد ۱۷۰۰ تانک دارا - میباشد. تعداد هواپیماهای عراق در حدود ۳۵۰ فروند است که ۴۰۰ آن قابل پرواز است، حال آنکه تعداد هواپیماهای قابل پرواز ایران بین ۸۰ تا ۱۰۰ فروند میباشد.

معامله با "شیطان بزرگ"

روزنامه واشنگتن پست گزارش داد: "بر طبق اعلام مقامات کانادا، راه آهن جمهوری اسلامی با شعله کمبانی جنرال موتورز آمریکا در کانادا وارد مذاکره ای یک هفته ای جهت خرید لکوموتیو از این کمپانی شده است." قیمت لکوموتیوهای مزبور هر یک، یک میلیون دلار اعلام شده است. سخنگوی جنرال موتورز کانادا در رابطه با فروش علمی لکوموتیو - های مزبور و اثر آن در افکار عمومی جهان گفت: "کانادا هیچگونه نگرانی در این زمینه ندارد و بر توسعه مناسبات بازرگانی بین کانادا و جمهوری اسلامی که در زمان گروگان گیری قطع گردیده بود شرح و اعلام داشت که صادرات کالاهای تجاری کانادا به ایران در سال ۸۲ بالغ بر ۱۵۰ میلیون دلار بوده است."

"بنیاد مستضعفین"

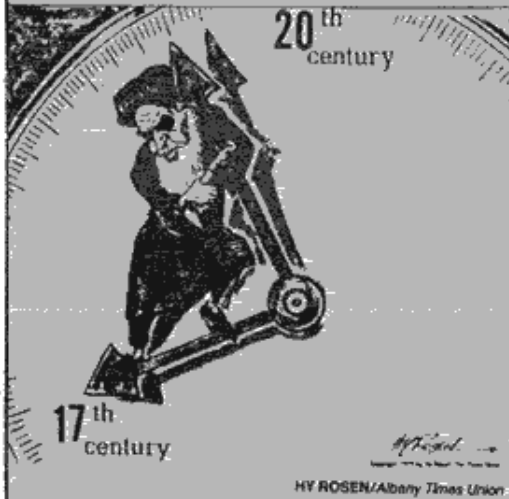
دفتر بازرگانی "بنیاد مستضعفین" سالانه ۳۰۰ میلیون دلار داد و ستد انجام میدهد. در واقع "بنیاد مستضعفین" به یکی از بزرگترین سازمانهای بازرگانی و تجاری ایران تبدیل شده است که به تنهایی مسئول ۹۰ هزار کارگر و کارمند در کارخانجات و شرکت های تحت کنترل خود میباشد. دفتر بازرگانی بنیاد سعی در مرکزیت بخشیدن به امر خرید و اسافل پذکی، مواد خام، ابزار و ماشین آلات، مواد شیمیایی و وسایل اولیه برای کارخانه ها و شرکت های تحت کنترل خود مینماید. بنا بر گفته سرپرست دفتر بازرگانی "بنیاد مستضعفین" در سال گذشته این دفتر مبلغ ۲۱۰ میلیون دلار برای اینگونه سفارشات پرداخته است که تماما با شرکت های غربی صورت گرفته است. در سال جاری این مبلغ به ۳۰۰ میلیون دلار بالغ شده است. این ارقام تنها بخشی از مبلغی است که "بنیاد" صرف کرده است. بازرگانان خارجی اظهار میدارند که بطور مداوم - معاملات مستقیم با کمپانیهای تحت کنترل "بنیاد مستضعفین" انجام میدهند.

دو دلار ارزان تر

به گزارش فاینشال تایمز (۵ مه ۱۹۸۳) وزیر منابع و بازرگانی ژاپن اخیرا در - کویت اعلام داشت که ایران موافقت کرده است که مبلغ ۲ دلار در هر بشکه کمتر از قیمت رسمی اوپک به خریداران ژاپنی تخفیف دهد. در نتیجه دیگر مشتریان ایران نیز احتمالا درخواست کاهش قیمت خرید نفت خود را به میزان مشابه خواهند نمود که این خود ضربه جدی به نرخ تواضع شده اوپک در لندن در ماه مارس گذشته شمار میرود.

نه محافظه کار و نه رادیکال

به دنبال شدت تضادهای خط حجتیه و "خط امام"، هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، جهت پوشش بر بحران موجود در - حاکمیت سیاسی در سخنرانی در کنگره حزب جمهوری اسلامی عنوان نمود: "در حاکمیت نه محافظه کار وجود دارد، نه رادیکال، همه مسلمانیم و اتفاق نظر داریم، حال شاید بر سر مسائلی اختلافی نیز داشته باشیم."



اطلاعات



معیار نزدیکی

حاشی شیرازی امام جمعه شیراز در - ملاقاتی با مسئولین کمیته امور صنفی شیراز اعلام داشت :

چهارشنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۳۶۲ - شماره ۱۶۹۸۶

دید اسلام این نیست که دولت، زارع تاجر و کارخانه دار باشد

بازاریان، نزدیکترین عناصر به روحانیت هستند

شیراز - مسئولین جدید کمیته امور صنفی شیراز بهرام نمایندگان بازاریان و اصناف این شهر، پس از حجت الاسلام حاشی شیرازی امام جمعه شیراز دیدار و گفتگو کردند.

بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، امام جمعه شیراز طی سخنانی در این دیدار علکرد بازار در گذشته و حال را تشریح کرد و با اشاره به آثار سوء تدریس علوم انسانی فاسد در دانشگاه در گذشته به روی افراد گفت: انتشار مردم هرگاه به حوزه نزدیکتر و از دانشگاه دورتر بودند، خطشان سالمتر ماند، و بهین جهت شما در بازار خط نمی بینید و اگر گناهی هست گناه خطی و اعتقادی نیست، گناه اقتصادی است.

تجارت، بهره کشی نیست.

امام جمعه شیراز آنگاه مسئله احتکار و گرانفروشی را مطرح کرد و گفت: نه دولت طرفدار احتکار است و نه بازاری، و دید اسلام هم این نیست که تاجراتر دولتی کند و دولت بخواند زارع، تاجر و کارخانه دار باشد، و ما هم معتقد نیستیم که تجارت استشار و بهره کشی است، منتهی هدف باید خدمت باشد و مومنین خادم یکدیگر باشند.

بازاریان، نزدیکترین عناصر به روحانیت

حجت الاسلام حاشی افزود: در بازار التزام به تقلید و التزام به نماز بیشتر از همه جا پدید میخورد و تقلید در گوشت و پوست و استخوان بازاریان بود کرده و بازاریان نزدیکترین عناصر به روحانیت بوده و هستند.

وی افزود: چون این قدر صمیمیترین اقشار نسبت به روحانیت اند و دولت هم از روحانیت نشأت گرفته پس بازاریان صمیمیترین اقشار نسبت به روحانیت و دولت اگر فکر کند که اینها دوستش نیستند و به غیر اعتماد کند، اشتباه کرده است، و دولت باید سیاست خود را در حفظ این اقشار و این قدر هم سیاست خود را در حفظ دولت هماهنگ کند.

وی در پایان خواستار همکاری همهجانبه بازاریان با مسئولین دولتی در حل گرفتاریهای مردم شد و گفت: تنها با گرم کردن پیشنها و یکی شدن معلوم میشود فساد از کجاست، و بهترین کار آنست که در حریم امنی افرادی راها را زیر نظر بگیرند و ببینند دشمن از کجا وارد میشود.

امام جمعه شیراز همچنین نسبت به منسکرات تنگناش داد و گفت: حرام مرد، زن را محبوب می کند و کسی باید مانت بپوشد. افراد را که به صورت نامحرم نگاه نکنند و حجاب را در خودشان ایستاد کنند، چون مسئله ما مسئله مردانی است که حجابان کم است و باید اینها را تذکر کنیم و این آیین اصلاح است.

درخواست ریگان از خمینی

روزنامه واشنگتن تایمز در تاریخ ۲۳ مه ۱۹۸۳ نوشت که ریگان رئیس جمهور آمریکا در یک پیام که از طرف گاخ سفید صادر شد از خمینی خواست که تعقیب و آزار ۲۲ تن از اعضا فرقه بهائیت را متوقف نماید. وی در پیام خود به خمینی اشاره کرد که: "این افراد مرتکب هیچگونه تخلف سیاسی و یا جرائم جنائی نشده اند، آنها در توطئه ای علیه سرنگونی رژیم شرکت نداشته اند و مسئولیت قتل کسی را نیز ندارند". ریگان در این پیام خود بطور ویژه از خمینی خواست که مانع اعدام ۲۲ نفر از بهائیهائی شود که محکوم به اعدام گردیده اند.

پیام ریگان به خمینی در عین حال به این معناست که هیچگونه مخالفتی با اعدام انقلابیون ندارد. بهمین دلیل نیز امپریا - لیس آمریکا، همانطوریکه انتظار میرفت، تا بحال در مورد کشتار ۲۰ هزار نفر از انقلابیون و ۵۰ هزار نفر زندانیان سیاسی که بیشتر آنها شکنجه شده و میشوند، سکوت از پایت آ میزی کرده است و حتی اخبار مربوط به این اعدام های دسته جمعی که در تاریخ کم سابقه بوده است را نیز سانسور کرده اند. سانسور اخبار این جنایات از جانب رادیو، تلویزیون، روزنامه ها و مجلاتی انجام گرفته است که مثلا دستگیری یک نفر در فلان کشور سوسیالیستی را بارها و بارها به صورت مختلف و تفاسیر گوناگون پخش میکنند. مگر از امپریا لیس انتظار دیگری هست؟

و کومله که همه این ها قیام مسلحانه کرده اند، در زندان هستند و یا بعضی از توده های ها که جاسوسی کرده اند، تیریزی در آخر سخنان تا کید نمود " ما در زندان های خودمان شغلی را که فقط کمونیست با خود نداریم. "

۹۹ درصد از محموله های پستی

به دنبال فشار مردم بر پست جمهوری اسلامی مبنی بر نرسیدن نامه های ارسالی از کشورهای خارجی به ایران و یا خالی رسیدن پاکت های نامه و همچنین دریافت نمودن بسته های ارسال شده به خانواده ها در ایران محمد جعفری مدیر کل پست جمهوری اسلامی اعلام نمود: آمریکا و متحدانش مسئول این کار هستند و از آغاز انقلاب تا بحال ۹۹ درصد از محموله های پستی توسط آمریکا و سایر متحدانش به ایران ارسال نشده است

"کمونیستی در زندان نیست"

موسوی تبریزی، دادستان کل انقلاب اسلامی در مصاحبه ای با خبرگزاری آلمان فدرال و اطریش گفت: "در باره مجازات سی حجابها، متخلفین از حجاب اسلامی محکوم به خوردن شلاق، زندان و جرائم نقدی خواهند شد". موسوی تبریزی در بخش دیگری از مصاحبه اش با بیضرمی عنوان نمود: "در زندانهای ایران هیچکس به اتهام کمونیست بودن زندانی نیست" و اضافه نمود: کمونیست هایی که تخریب ترور و جاسوسی بکنند به دادگاه انقلاب میروند اما کمونیست هایی که چنین اعمالی نمیکند نه تنها به دادگاه انقلاب نمی روند، بلکه در شرایط حاضر خیلی از کمونیستها بدون هیچگونه مزاحمتی مشغول کار خود هستند، اما کمونیست هایی مانند اعضای پیکار، یا چریکهای اقلیت



روزاول ماهمه (۱۱ اردیبهشت)

فقر و نابسامانی و دیگر عوارض نظام منحل سرمایه‌داری بحیده دارد. اول ماه مه روزی است که قدرت تاریخی انقلابی ترین و بالنده ترین طبقه تاریخ در سراسر جهان به نمایش گزاردده می‌شود. حرکت تاریخ می‌آموزد که در عصر حاضر یعنی عصر پوسیدگی و فرو پاشی نظام امپریالیستی و عصر تکوین نظام جهانی سرمایه‌دستی تنها یک طبقه‌ای تا به آخر انقلابی در جوامع بشری وجود دارد که می‌تواند بشریت را از چنگ استثمار و جنگ و تباهی، فقر، بیماری و همه‌ی هلاکت دیگری که زائیده‌ی نظام ارتجاعی سرمایه‌داری است رهایی بخشد.

درک مادیت تاریخ و شناخت قانوننده‌یهای تکامل جامعه نقش‌رئیس طبقه‌ی کارگر را به منزله‌ی انقلابی ترین نیرو در عصر حاضر تعیین می‌کند. بدین معنی که تضاد میان خصلت اجتماعی تولید و خصلت خصوصی مالکیت تضاد اساسی در جامعه‌ی سرمایه‌داری است و تنها طبقه‌ای که وظیفه‌ی تاریخی حل این تضاد و از بین بردن مالکیت خصوصی و نظام سرمایه‌داری را بحیده دارد طبقه‌ی کارگر است. به عبارت دیگر طبقه‌ی کارگر که بنا به خصلت اجتماعی فعالیت تولیدی خود یعنی بر این اساس که در کارخانه‌ها و دیگر مراکز تولیدی به صورت جمعی بکار اشتغال دارد با مالکیت خصوصی در تضادی آشتی ناپذیر بر سر می‌برد و بی‌وقفه در جهت محو این نظام و ساختاری که در آن محصول تولید اجتماعی به صورت برآورد در جامعه توزیع شود، حرکت می‌کند.

بازگزارای مراسم بزرگداشت ماه مه کارگران جهان از یکسو خاطره‌ی مبارزات خونین و قهرمانانه‌ی هم‌زمان خود را بر علیه سرمایه‌داران استثمارگر و نیز خاطره‌ی پیروزی‌های خود را در عرصه‌ی مبارزات جهانی گرامی می‌دارند و از سوی دیگر صفوف متحد و متشکل کارگران اراده‌ی آهنین آنان را برای درهم شکستن نظام طبقاتی سرمایه‌داری و ساختن نهن جهانی خالی از جزو و پند نشان می‌دهد.

اول مه یادآور مبارزات قهرآمیز کارگران ایالات متحده در سال ۱۸۸۶ برای بهبود شرایط کار، افزایش دستمزد و کاستن ساعات کار از ۱۱ ساعت در روز به هشت ساعت است. تظاهرات ۴۰۰ هزار نفره‌ی کارگران ایالات متحده در اول ماه مه سال ۱۸۸۶ با شعار "هشت ساعت کار در روز" اگرچه در شیکاگو و بسیاری از شهرهای دیگر آمریکا وحشیانه بکون کشیده شد. اما خاطره‌ی کارگران قهرمانی چون "پارسنز" همواره الهام بخش کارگران سراسر جهان برای مبارزه در راه برابری و سوسیالیسم است.

تشییت روز اول مه بعنوان روز جهانی کارگر خود محصول مبارزات پیگیر و دیرنده‌ی از طرفی کمونیستها و

بقیه از صفحه ۳

کارگران سراسر جهان با دولتهای سرمایه‌داری است. اگرچه هنوز در بعضی از کشورهای صنعتی این روز، روز جهانی کارگر باز شناخته نمی‌شود اما آهنگ پر صلابت قدمهای کارگرانی که روز اول مه در اقصی نقاط جهان بر می‌روند ناقوس مرگ سرمایه‌داران و نظامهای سرمایه‌داری را می‌نوازد.

جشن اول ماه مه در ایران نخستین بار در سال ۱۲۹۹ برگزار شد. در آن سال به ابتکار "شورای مرکزی اتحادیه‌ی کارگران" که از پانزده اتحادیه تشکیل شده بود تظاهرات وسیعی در تهران و شهرستانها صورت گرفت و جنبش کارگری و سندیکی ایران در این تظاهرات کاملاً جلوه‌گر شد. در دوران خفقان و دیکتاتوری رضاخانی کارگران ایران جشن روز کارگر را اغلب پنهانی برگزار می‌کردند اما از سال ۱۳۲۰ که مبارزات ملی و کارگری در ایران ابعاد گسترده‌تری یافت مراسم اول مه بطور آشکار از جانب



روزانتخاب و مبارزه کارگران را گرامی می‌داریم

کارگران برگزار می‌شد. در سال ۱۳۲۵ در تظاهرات اول مه بیش از ۲۵۰ هزار نفر از کارگران و زحمتکشان شرکت کردند. در همان سال دهها هزار نفر از کارگران تحت حزب دست به اعتصاب زدند و طوسی همین اعتصاب به پاره‌ای از خواسته‌های خود که یکی از آنها برسمت شناختن اول مه بعنوان روز کارگر و تعطیلی این روز بود موقتاً دست یافتند.

با کودتای تنگین ۲۸ مرداد ۳۲ به جنبش کارگری و سندیکی ایران نیز ضربات سهمگینی وارد آمد. رهبری جنبش کارگری بخاطر خصلتهای دنباله‌روی و سیاستهای فرصت طلبانه‌ی خود نتوانست از تشکیل و قدرت نوده‌ها استفاده کند و سرانجام راه فرار و خیانت در پیش گرفت و جنبش به بیراهه کشیده شد. از آن پس جشن روز کارگر دوباره به صورت پنهانی در

تجمعات کارگری یا در نقاط دور افتاده کوهستانها به وسیله کارگران پیشرو و کمونیستها برگزار می‌گردید.

پس از سرنگونی رژیم مشحوس و منقرض پهلوی مراسم روز کارگر در ایران در اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ دوباره بصورت علنی برگزار شد. در این مراسم که به ابتکار "شورای هماهنگی برگزاری مراسم اول ماه مه" و عده‌ای بوسیله سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزار گردید دهها هزار تن از کارگران و زحمتکشان و کمونیستها شرکت کردند. اما آن بهار آزادی دیری نپایید و رژیم جمهوری اسلامی که خود را حافظ شافع کارگران و زحمتکشان وانمود می‌کرد بزودی با اعمال سیاستهای سرمایه‌دارانه و استثمار کارگران و زحمتکشان چهره‌ی واقعی خود را بنمایش گذاشت. همه‌ی دامنه‌های مبارزات ضد امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی بیخ و بوشالی از آب درآمد. دوباره این تجربه تاریخی اثبات شد که در سرنگونی فقط رهبری طبقه‌ی کارگر پیروزی انقلاب را تضمین می‌کند.

امروز این واقعیت مسلم و تردید ناپذیر است که تمام چرخهای حناج و اساس موجودیت تمدن کنونی بشری به انگاره بازوان نیرومند جلیونه‌ها کارگر و زحمتکش سراسر جهان در حرکت است. طبقه‌ی کارگر که تاریخ بشریت رسالت دگرگونیهای عظیم اقتصادی اجتماعی و سیاسی عصر حاضر را بر دوش او نهاده است، تنها نیروی است که مبارزه‌ی سرنوشت ساز بشریت را بسوی پیشرفت و ترقی صلح و سوسیالیسم و جهانی عاری از هرگونه ستم و استثمار به سرانجام می‌رساند.

نیرو پیروزنده کارگران در انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ و پیروزیهای بعدی کارگران در اروپای شرقی، آسیا و آمریکای لاتین به تجربه نشان داد که چگونه پرولتاریا قادر است در راه نجات بشریت بر راه استقرار سوسیالیسم در راه ایجاد جامعه‌ای تنبی از استثمار، ستم و بندگی گام بردارد. اما پیروزیهای کارگران طی مبارزات طولانی و انداختن تجربیاتی که غالباً بهای سنگینی در قبال آن پرداخت شده است بدست آمده است و امروز ر بهیچوجهی اوضاع بحرانی جامعه‌ی ایران پس از نخستین قیامی که کارگران در شادوش سایر اقشار و طبقات خلق پشت سر گذاشته اند وظیفه‌ی پس سنگین و سرنوشت ساز به کارگران محول شده است.

تجربیات کارگران پس از سرنگونی رژیم شاه تا به امروز به آنها می‌آموزد که هیچ نیروی و هیچ شخصیتی بجز خود کارگران نمی‌تواند یار سنگین فقر و بدبختی را از دوش آنان بردارد و جامعه را از وابستگی به امپریالیسم و روابط فلاتک بار موجود نجات بخشد. این یکی از بزرگترین درسهای انقلاب ایران است. در

بقیه در صفحه ۲۱

۱۲ اردیبهشت، روز معلم را گرامی می‌داریم



روز دوازدهم اردیبهشت "روز معلم" و یادآور مبارزات بهرمانانه‌ی ده‌ها هزار تن از معلمان و فرهنگیان شریف زحمتکش ایران در سال ۱۳۲۰ شمسی است. بیست و هشت سال پیش در روز دوازدهم اردیبهشت معلمان تهران برای کسب خواسته‌های بحقی خود اعتصاب استوار و عظیم را آغاز کردند و بدنبال آن در سراسر کشور دست به راهپیمایی زدند. تجمع عظیم معلمان که بیست و دانشجو و دانش آموزان، روشنفکران، کارگران و زحمتکشان و عناصر انقلابی به آن وسعت و شکوهی بی‌مانند بخشیده بود در میدان بهارستان تهران بوسیله‌ی مزدوران رژیم وابسته پهلوی بخون کشیده شد. رژیم شاه خائن که از وسعت تظاهرات و پیگیری تظاهراتکنندگان سخت بوحشت افتاده بود بوسه‌ی رژیمهای ارتجاعی و ضد مردمی سرکوب و حمله را آغاز کرد. بیرون و تیراندازی مزدوران رژیم منجر به شهادت معلم مبارز دکتر ابوالحسن خانعلی و مجروح شدن چند تن از معلمان دیگر گردید. اما با شهادت دکتر خانعلی رژیم رژیم زندقه‌ی معلمان اوج بیشتری یافت. اعلام همبستگی اقشار دیگر مردم و تعطیل شدن مدارس و دانشگاهها و بحالت نیمه تعطیل درآوردن ادارات و کارخانهها به جنبش اعتراضی معلمان ابعاد گسترده‌تری بخشید. رژیم شاه خائن عراسان از حدت و وسعت مبارزات معلمان که چشم انداز اوج مبارزات توده‌ها را نیز در پی داشت لایحه‌ی افزایش حقوق معلمان را بوسیله‌ی دولت شریف‌امامی به مجلس فرستاد و با تصویب آن در حد مبارک کردن مبارزات معلمان برآمده مبارزات و تظاهرات معلمان با همه گستردگی و عظمت خود فاقد رهبری نیروهای آگاه انقلابی و هژمونی نیست بود بهین جهت مرغش ساز مرداران داوروسته‌ی دکتر امینی خائسان - توانست رهبری "جامعه‌ی معلمان" را بدست گیرد

یاد رفیق مرضیه احمدی اسکویی آموزگار فدائی و دوست جوانان روستا گرامی باد!



رفیق فدایی مرضیه احمدی اسکویی زنی است از نسل پرتلاش و مبارز زنان کمونیست که زندگی کوتاه اما پر شر و خور را به شناخت از قانوندهیهای تکامل جامعه آگاهی از مبارزات خلق ها کارگران و زحمتکشان و تلاش برای تسهیل شرایط حاکم بر جامعه ایران اختصاص داده بود.

رفیق مرضیه که در خانواده‌ی شریف و زحمتکش از تبار سرافراز خلق در شهرک "اسکو" متولد شده بود از همان کودکی با زندگی زحمتکشان و ستمی که بر آنان می‌رود آشنایی یافت. تلاش او برای ریشخندی فقر، نابرابری و اختلافات طبقاتی، زمینه لازم را برای آشنایی اش با سبیل اجتماعی سیاسی و مبارزه‌ی طبقاتی فراهم آورد.

رفیق مرضیه چه در دوران آموزگاری و چه در دوران تحصیل در دانشسرای عالی سپاه دانش و چه پس از آن همواره در صدر شناخت دنیای پیرامون، ارتقا سطح دانش سیاسی خود و نشر آن در میان دوستان و اطرافیان خود بود. نقش فعال و برجسته فدایی شهید رفیق مرضیه احمدی اسکویی در سازماندهی اعتصابات دانشجویان دانشسرای عالی سپاه دانش و رهبری آن فراموش ناشدنی است.

رفیق مرضیه اگرچه استعداد سرشاری در فنون شاعری و نویسندگی داشت اما همواره می‌گفت: "من نمی‌خواهم با قلم زندگی کنم؛ بلکه می‌خواهم قضا را بازنگیم بنصیب". نوشته‌ها و سروده‌های رفیق شناخت او را از سبیل اجتماعی سلطه‌ی امپریالیسم و ستم دیکتانه‌ی که بر خلقها و زنان در جوامع تحت سلطه می‌رود به روشنی تصویر می‌کند.

عشق عمیق رفیق به خلق و کینه‌ی بی‌پایانش به دشمن خلق، از او آشنایی شمعید و مبارز ساخته بود. تحریک و روحیه‌ی معترضان و سرسختی اش در برخورد با مشکلات جنبش از بارزترین خصیصه‌های او بود. سرانجام رفیق مرضیه روز ششم اردیبهشت سال ۱۳۵۳ در نبرد ی حماسه آفرین با مزدوران ساواک قهرمانانه به شهادت رسید.

نامش زنده و راهش پاینده باد.

هان ای خلق سنگش،
ای رنج برده سالیان دراز،
ای جوشش کینه‌های کهنه،
ای نهایت درد های نهفته،
ای طنین سیه‌ناک فزاید های فروخورد،
قیام کن.
زمان برخاستن است!

و به بهای خون خانعلی شهید و مبارزات معلمان سیند وزارت را بچنگ آورد و با دارن پیاره ای امتیازات شریف مبارزاتی معلمان را گاهش دهد. امروز معلمان ایران مانند همی زحمتکشان دیگر در زیر شدیدترین فشارها و سرکوبها به مبارزات خود برخیزد رژیم مغرور جمهوری اسلامی ایران می‌دهند. بسیاری از آنان به علت برخورداری از روحیه‌ی زندقه‌ی گرایش به سازمانهای انقلابی و مخالفت با نظام آموزشی حاکم پاکسازی شده‌اند و تعداد کثیری از آنان در سیه‌چالهای تاریک رژیم در اسارت بسر می‌برند. معلمان که عددا از اقشار پائینی و پانی جامعه هستند منافع طبقاتی شان با منافع کارگران و زحمتکشان شهر و روستا عجین شده است. از طرف دیگر آشنایی با کتاب و دانش آنان را غالیا از سطح نسبتا بالایی از آگاهی برخوردار کرده‌است. بهین جهت در هر حرکت انقلابی جامعه معلمان دوشادوش کارگران و زحمتکشان در صف اول مبارزه جای گرفته‌اند.

دیرینه‌ی روزی که معلمان دوباره دوشادوش کارگران و زحمتکشان دیگر این حکومت ضحوس را نیز چون سلفش پهلوی به گورستان تاریخ رهسپار کنند.

گرامی باد ۱۲ اردیبهشت روز معلم و خاطره‌ی معلمان رزمنده، فرزندان دلاور خلق مصد بهرنگی صفای فراهانی بهروز دهقانی غیرضابطدل مرضیه احمدی اسکویی صباپژن زاده فاطمه امینی رفعت انزار ونداد ایمانی هرمزگرچی بیانی، رفیق کهنه پیش بهین عزتی حسین شیبانی عبدالحکیم مخنوم رحمت منصوری خوجه محمد نیروندی عبدالحکیم شهنازی ابوالحسن خانعلی و ...

اول اردیبهشت

۱۶ آذری دیگر

کارنامه‌ی حیات چهارسال و نیمه‌ی رژیم جمهوری اسلامی نطع غوثیتی از جنایت و خیانت است. این کاپوس نکت که شالوده‌ی سیطره‌ی خود بر سرزشت مردم ستهدیده‌ی ایران را تنها بر زمینه‌ی اعتقادات پاک‌لانه‌ی باشهای عظمی از ناآگاهترین اقشار جامعه، زودباوری، توهم و اعتماد آنان استوار کرده‌بود، در معدوده‌ی همین چهار سال و چندماه از زندگی انگلی و ننگین خود حنان عرصه را بر زحمتگان جامعه تنگ کرده و چنان ابعاد عظمی از بحرانیهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی آفریده که عمتی جامعه را در همه شئون دستخوش تباهی و ناپسایانی کرده و همه ارزشهای اجتماعی را در آستانه‌ی اسمحلال و تلاشی قرار داده‌است.

قتربت دیرشکن و تعمب خشکیدهای که خیمه‌ی اندیشه‌ی دولتمردان این حکومت سیاه را شک می‌دهد و رشه در ظلمات جاهلیت افکار گذشته دارد و در آرد این اندیشه‌ی بی رمق، این پیش سحدود و ایمن تفکر شجر، ساسیات سیاسی ناهنجار و فرسوده‌ای است که ماهیتاً با آنچه که رنگ و بویی از رشده با ندکی، تنگام و بلیغ دارد از بین دندانی می‌ستیزد. راستی کدام قلم می‌تواند دشمنانک هاء درنده - خصی‌ها و جنایات این رژیم لستق را که با ظلم اسلام* جامعه‌ای را به جنین عذاب و منطقه ای را به آتوب کشیده و - پنهان و آشکار - جز در خدمت امپریالیستها حرکت نکرده، تصویر کند. امروز ایران ۱۰ صین* بزرگی است در دامن خونین خلیج و خزر. شمار شهادت از مرز دهها هزار گذشته است. مردان زنان و حتی کودکان دیوانه وار شگبده می‌شوند.

کردستان در خون و گلوله بخود می‌پیچد. نبش خوزستان در تب جنگ و ویرانی از تیر افتاده است. موج سبکین اشتقاق و خفتان جامعه را فرو پوشانده است. چرخ تولید از حرکت باز ایستاده است. توهم، گرانی و ناپایی پشت کارگران وزحمتگان را شکسته است. بیگاری در مرز انفجار می‌لرزد. شکلی خانگی گریبانگیر نبی از مردم است. نفرت در توده‌ها می‌جوید، در توده‌هایی که مصم و دشمن شکن برخاستند و بالا هتک ده هزار و پانصد ساله لعنت را در زیر پای استوارشان درهم شکستند. توده‌هایی که آتش فروزان انقلاب را در چارگوش میهنشان بر افروختند و سنگرهای آزادی را خشت خشت و هبر خشتی را به قیمت خون سیخ و سیاه هزاران مبارز جان برنگ تسخیر کردند. و اینکه این رژیم حق و جنون، این رژیم صر و سالیس معنی آن سنگوهای سرخ را از توده‌ها پانز گرفته و بساط اقتدار پوشالی

خود را با نیرنگ و با منطق چماق و گلوله بر صرانه‌ی آرزوهای مردم بنا نهاده است. یکی از بزرگترین سنگرهای انقلاب توده‌ها دانشگاه بود و همیشه نیز خواهد بود. این سنگر که پیوندی دیرینه و ناگسستی با جنبش زحمتگان و محرومان جامعه دارد در حقیقت بمثابة حنجره‌ی خونینی است که درد و رهایی خلق را همواره فریاد می‌کند. تاریخ مبارزات مردم ایران بویژه تاریخچه‌ی جنبش نین کمونیستی بوضوح نشان می‌دهد که بخش عظمی از برجسته ترین کمونیستهای زمان ما از دانشگاه برخاسته‌اند. پلی که دانشگاه را به جامعه پیوند می‌دهد آنچنان استوار است که هیچ سلاخی توانایی انهدام آنرا ندارد. فرزندان زحمتگان جامعه و پروردگان جامعه‌ی طبقاتی در اثر ارتقا سطح دانش اجتماعی و سیاسی خود در دانشگاه به علل اصلی دردها و نابرابریهای اجتماعی می‌پیوند و برای سوزاندن ریشه‌ی دردهای بی افکندن جامعه‌ای نین تا پای جان مبارزه بر می‌خیزند. دانشجویان آگاه و مبارز بکارخانه‌ها و بجان توده‌ها می‌روند و در مبارزات کارگران و زحمتگان شرکت می‌کنند، به این مبارزات سده می‌دهند و پیشاپیش توده‌ها به حرکت در می‌آیند و ابزار آموزش علم رهایی بشریت را برای سازندگان راستین تاریخ فراهم می‌آورند. آیا اینهمه خشم و عناد ارتجاعیون و سرسیردگان و وابستگان امپریالیسم را برنی انگیزد؟ آیا این کش انقلابی دانشجویان چین خار در چشم ارتجاعیون و دشمنان خلق نی‌خلد؟ از این رو دانشگاه که کانون مشتعلی از مبارزات توده‌ها به شمار می‌آید همواره آماج حق و کین نیروهای ارتجاعی جامعه قرار داشته است و تاریخچه‌ی جنبش دانشجویی خود گواه صادقی بر این امر است.

جنبش دانشجویی که بر اساس وضعیت رژیم حاکم، تناسب قوای نیروهای سیاسی و تکنیک و توازن طبقاتی جامعه در هر مقطعی از تاریخ مبارزات توده‌ها از کیفیت ویژه‌ی برخوردار بود، در دوران اعتدالی انقلابی که به قیام شکوهند بهمن و انهدام رژیم مخط‌پهلوی منجر شد بی‌گمان در مناسب‌ترین و بهترین وضعیت ممکن قرار داشت. در حقیقت دانشگاه به‌عنوان ستاد انقلاب زحمتگان ریشمائی - ترین و انقلابی‌ترین خواستهای کارگران و زحمت - گان جامعه را در قالب شعارهای اساسی انقلاب در سطح جامعه طرح و تبلیغ می‌کرد و از آنجا که این شعارهای انقلابی و "سمیل آسا" در تعارض و رویارویی با شعارهای مدعیان تصاحب قدرت که خواستار "پاران" بودند قرار می‌گرفت نخستین رگه‌های اختلاف بین دانشجویان انقلابی و مدعیان کسب قدرت از همان زمان آشکار شد.

با استقرار رژیم جمهوری اسلامی و اعمال سیاستهای ضد خلقی از سوی این رژیم دانشجویان از نخستین اقشار جامعه بودند که به ماهیت جنایتگرانه‌ی رژیم می‌بردند و دریافتند که جمهوری اسلامی نه پشتیبان منافع کارگران و زحمتگان بلکه حافظ منافع سرمایه‌داران و زمینداران است. بهمین سبب بار دیگر برچم مبارزه در دانشگاهها برافراشته شد و افشاگرها آقا زگرید. ایجاد نمایشگاههای عکس رانه‌ی فیلم و نمایش مستند، سخنرانیهای افشاگرانه، بحثهای سیاسی در مورد ماهیت رژیم پخش اخبار کردستان و افشاکری در باره‌ی سرکوب خلقی کرد و کشتار و قتل و غارت رژیم در کردستان خشم حاکمیت را بر می‌انگیخت و حاکمیت چون ماری زخم خورده در مدر سرکوبی دانشجویان بود.

حاکمیت بقدرت خنیده و تازه به‌دوران رسیده‌ی جمهوری اسلامی که از همان آغاز مبارک کردن و در هم کوفتن جنبش اوج گیرنده‌ی توده‌ها و جلوگیری از مبارزات ضد امپریالیستی - موزکاتیک آنان را وجهه‌ی

اول اردیبهشت

بقیه از صفحه ۱۳

همت خود قرار داده بود و طبیعتاً بدانشگاه با حق و کینه می نگریست و آنرا "بیب خوشه ای" می پنداشت از یکسو حاکمیت که سیاست باز سازی اقتصاد وابسته و سازش با امپریالیسم را دنبال می کرده، ادعای کار دانشگاهها را جهت تربیت نیروی متخصص مورد نیاز سرمایه داری وابسته ضروری میدانست. اما از سوی دیگر رژیم از وجود سنگرهای خونین آزادی و آگاهی که نقششان در روفش و سوبی بخشی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک توده ها بیش از پیش افزونی یافته بود سخت هراسان بود. حاکمیت می پنداشت که با ایجاد ۳۰ جنبه های اسلامی می تواند دانشگاهها را تحت کنترل خود درآورد. ولی با گذشت زمان و از دست دادن حمایت توده ها به "خطر" دانشگاهها که اکنون عده افشارگری علیه سیاستهای ضد انقلابی رژیم در مورد کارگران و زحمتکشان و خلقهای کرد و ترکمن و عرب و... تبدیل شده بودند، پی برد. از این رو از همان آغاز هر دو جناح حاکمیت علیرغم اختلافاتشان در شیوه ای استعمار خلق علیرغم دعوی شان بر سرکب قدرت بیشتر و علیرغم یکدیگرشان در باره شیوهی سرکوب، سیاست متحد و واحدی را در رابطه با دانشگاهها و مدارس عالی در پیش گرفتند.

هیئت حاکمه برای "استقرار" حاکمیت خود در دانشگاهها و جلوگیری از بیبوند فزاینده دانشگاهیان انقلابی با کارگران و زحمتکشان توطئه های گوناگونی را آزمایش کرد. اما همه این تشبیهات با هشیاری و تدبیر دانشجویان آگاه و انقلابی نقش بر آب شد و هیچیک از تلاشهای حاکمیت به ثمر نرسید. با گسترش ناراضی عمومی و اوج گیری اعتراضات کارگران و زحمتکشان و افت تب و تاب ماجرای اشغال سفارت آمریکا - حرکت های ارتجاعی و ضد مردمی حاکمیت تشدید می یافت. در فروردین ۵۸ حمله جدید به خلق کرد آغاز میشد و نیروهای انقلابی بهش از پیش مورد یورش رژیم قرار میگرفتند در چنین موقعیتی طرح توطئه جدیدی برای به بند کشیدن دانشگاهیان در دستور کار حاکمیت قرار گرفت. خمینی خون آشام در پیام نوروزی خود ردالت و وقاحت خود را به حد کمال رسانید و دانشگاهها، این سنگرهای مبارزه را که در سراسر سالهای خفقان آریا مبری پرچمدار مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقها بودند لانه فساد و آمریکائی خواند و نقشه



شوم یورش به دانشگاهها با پوشش عوام - فریبانه "انقلاب فرهنگی" طرح ریزی شد. اگرچه جزئیات این طرح ضد مردمی به وسیله دانشجویان مبارز فاش شد، اما بعد از رشته ای از زمینه سازیها و سخنرانیهای سران حزب جمهوری اسلامی حمله به دانشگاه در سراسر کشور آغاز گردید. روز اول اردیبهشت دانشگاهها به صحنه نبردی خونین میان نیروهای مترقی از یک طرف و چماقداران این حاملین "انقلاب فرهنگی" و پاسداران سرمایه از طرف دیگر بدل شد و طی درگیری چند روزه صدها نفر به خاک و خون کشیده شدند. این روز بار دیگر خاطره روز ۱۶ آذر را تداعی کرد که چگونه رژیمهای ارتجاعی و ضد مردمی آنجا که خواسته اند مبارزات توده ها را سرکوب کنند ابتدا از دانشگاه آغاز کرده و آنرا به خاک و خون کشیده اند. دانشجویان انقلابی و مبارز از جمله دانشجویان پیشگام به ایستادگی و پایداری در برابر یورش سازمان یافته ارتجاع که علیه حقوق و آزادی های دموکراتیک آنان در محیط دانشگاه انجام میگرفت برخاستند. آنان به دفاع از دستاوردهائی که با مبارزات قهرمانانه خلق به کف آورده بودند پرداختند و سرانجام پس از چند روز مقاومت با کشتار و غارت و جرح چندین تن از دانشجویان آزادخواه و مبارز، نیروهای سرکوبگر به

زعامت بنی صدر خائن دانشگاهها را به تسخیر خود درآورده و به زعم خود حاکمیت دولت را در دانشگاهها، مستقر ساختند. بنی صدر خائن در سخنرانی خود در دانشگاه روز ولادت حاکمیت دولت را جشن گرفت و نشان داد که در برقراری امنیت برای سرکوبگران خلق و سرمایه داران از "قاطعیت" چشمگیری برخوردار است. بنی صدر که در جریان حمله به دانشگاهها سعی داشت یورش کور و با شان چماقداران حزب الهی ها را با دوران دیشی کامل به حرکتی منسجم در جهت "سیاست زدائی" از دانشگاه و تخلیه دفاتر دانشجویی بدل کند، پس از چندی عملاً تعطیلی دانشگاهها را با منافع لیبرالها در تضاد دید. او دانشگاهی میخواست "تخصصی" "کادر پرور" که دانشجویان غیرعجیبی و سربراه در آن به کسب "دانش" جهت خدمت به سرمایه داران اشتغال داشته باشند. بنی صدر در نطق افتتاحیه سمینار "بررسی بهران دانشگاهها و مدارس عالی" نشانی دانشگاه مطلوب خود را چنین می دهد: "دانشگاهی که "دانش" "گاه" است، یعنی محل دانش است... اگر دانشگاه، دفاتر احزاب و گروه های سیاسی شد، دیگر دانشگاه نیست" (انقلاب اسلامی ۶۵/۲/۱۲).



مزدوران پاسدار در محوطه دانشگاه

یورش مسلحانه پاسداران و اوباشان



صورت گرفت لازم به تذکر است هرگز برای این سخنرانی بدون اطلاع مسئولین دانشگاه و طبعی اطلاعیه‌های بدون امضا بوده است. متعاقب تصرف ساختمان مرکزی دانشگاه به وسیله گروه‌های فوق و دعوت از مردم با بخش اطلاعیه‌های شماره یک و دو و سه عده‌ای را جهت پشتیبانی از تصرف ساختمان مرکزی راهی دانشگاه کرده‌اند که در بین آنها متأسفانه افراد مسلح به سلاح‌های سرد و گرم وجود داشتند. تعدادی از این افراد پس از ورود به دانشگاه با حمله به واحدهای آموزشی و ایجاد خسارت‌های مالی در ساختمان دانشکده‌های ادبیات، فنی و علوم و از بین بردن کتابخانه‌های دانشجویی به ضرب و شتم شدید و دستگیری دانشجویان اقدام کردند. در این قطعه نامه شورای این اعمال غیر انسانی و وحشیانه را که زیر پوشش دهنده و اسلام صورت می‌گیرد شدیداً تهنیت و محکوم کرد.

در تهران چه گذشت؟

در پی تهاجم علیه دانشگاه تبریز، دانشجویان پیشگام، انجمن دانشجویان مسلمان و سایر گروه‌های دانشجویی دانشگاه تهران با هوشیاری تمام اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌های متعددی منتشر می‌کنند و طی آن توطئه تعطیل دانشگاهها را به اطلاع همه رساندند. بدینال دانشجویان مسلمان در اطلاعیه خود نوشت:

بقیه در صفحه ۱۸

دست زدند. در پی آن جامعه روحانیت مبارز تبریز و عده‌ای از بازاربان به حمایت از توطئه‌گران پرداختند و قسمتی از بازار تبریز به صورت تعطیل درآمد و عصر روز چهارشنبه ۲۷ فروردین ۵۹ بدعوت جامعه روحانیت مبارز از میدان خیرداری تبریز سوی دانشگاه که در تصرف انجمن اسلامی بود حرکت کردند و به این مناسبت نماز وحدت به امامت آیت الله مدنی برگزار شد.

رئیس و دو معاون دانشگاه تبریز از سمت خود استعفا دادند و از ۳۰ فروردین ۵۹ از خود سلب مسئولیت نمودند.

شورای دانشگاه تبریز در ارتباط با اشغال ساختمان مرکزی دانشگاه تبریز توسط اشغالگران قطعنامه‌ای صادر کرد و در آن نوشت:

... این اقدام ظاهراً به دنبال تشنجاتی در جلسه سخنرانی در حجت الاسلام رفسنجانی در تالار دانشکده پزشکی

مساجد منطقه از قبل و دعوت از مردم در روز عملیات با توضیح آن در مساجد.

توطئه تعطیل دانشگاهها از تبریز با سخنرانی هاشمی رفسنجانی عضو شورای انقلاب در تالار اجتماعات دانشکده پزشکی دانشگاه تبریز و در روز سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۵۹ آغاز شد. او در متن سخنرانی خود که همه نیروها را به مبارزه علیه "شوق و غرب" و مبارزه علیه افغانستان و عراق دعوت می‌کرد موجب شد که سوال‌هایی را از جانب دانشجویان مبارز و آگاه برانگیزد و با تشنجاتی که از جانب عناصر ارتجاعی ایجاد شد جلسه سخنرانی به هم خورد و بلافاصله دست‌های در دانشگاه و با شعارهای ضد کمونیستی و با ادعای "اسلامی کردن دانشگاه" به راه افتاد و با تهاجم به پلاکاردها، ساختمان مرکزی دانشگاه را به اشغال خود درآوردند. جماعت مستقر در ساختمان مرکزی اطلاعیه‌ای صادر کردند و متعاقب آن ارادل و اوباش در سطح دانشگاه به ضرب و جرح دانشجویان پیشگام و سایر نیروهای مبارز و انقلابی

تهاجم علیه دانشگاهها چگونه آغاز شد؟

پیش از حوادث تبریز، از جانب نیروهای سیاسی سندی افشا می‌نمود که نشان می‌دهد شورای انقلاب برای تهاجم علیه دانشگاه و مراکز آموزشی کشور تدارک دیده‌اند. پس از این افشاگری، سندی از جانب "دانشجویان مسلمان" افشا شد که حقایق را به وضوح روشن می‌ساخت. این سند نشان داد که ۹ ارگان تشکلاتی به نام‌های ستاد مرکزی - روابط عمومی شورای هماهنگی - انتظامات عملیات سازندگی - تدارکات تحقیقات - برنامه‌ریزی، وظایف اشغال و تعطیل دانشگاهها را به عهده داشته است. وظایف ارگان‌ها که در سند آمده است عبارت است از تهیه نوار سرود، آلبان قرآن و مقالات ایدئولوژیک - سیاسی و پخش آن در جلوی درب دانشگاه برای هفته اول عملیات، گذاشتن جلیات سخنرانی و توجیه کاری که انجام داده‌اند از طریق بلندگوی درب دانشگاه نصب پلاکاردها، شناسایی



عکس جسد چهره‌ای از شهدای فاجعه خونین دانشگاهها را که به دست اوباشان اجیر شده رژیم جمهوری اسلامی انجام گرفته است را نشان میدهد. نام‌دو تن از این شهدا مشخص نشده است.

شهید مصمن رفتی

شهید فریدون آهوری

فاجعه‌ای که بعنوان "انقلاب فرهنگی" در دانشگاه اهواز اتفاق افتاد

● کشتار وحشیانه دانشجویان در زندان اهواز حتی در ضد مردمی ترین رژیم‌های تاریخ نیز بی سابقه بود

● در دانشگاه پاسداران جلوی چشم دانشجویان کلت را روی شقیقه یک دختر قرار دادند و شلیک کردند

"گزارشی از اهواز" مقاله‌ای است که مینا از نشریه "پیوند" (کانون مستقل استادان دانشگاه ملی ایران) سال اول شماره ۳ خرداد ۱۳۵۹ نقل میگردد.

پورش وحشیانه به دانشگاه‌های سراسر ایران در دانشگاه جندی شاپوردها منتهای بسیار سهمگین تروچنانیت با پرت پیدای می‌کند. مسرعه‌اودن هفته‌های گذشته در اهواز بخوبی نقشه‌های از پیش طرح‌ریزی شده را در اجرای توطئه‌های امپریالیسم امریکانابست می‌کند.

در اهواز چند هفته قبل از پورش سازمان یافته به دانشگاه حملات سرکوبگرانه در سطح کارخانه‌ها و بخشهای دیگر شروع میشود. یکشنبه ۳۱ فروردین بدعوت جنت الاسلام چنتی در دانشگاه نماز جماعت با تمام "نماز وحدث" برگزار میشود. در این روز دانشجویانی که در دانشگاه بودند به میان مردمی که برای نماز به دانشگاه آمده بودند میروند و با آنها به گفتگو می‌پردازند. با توجه به ترکیب جمعیت هیچ برخورد خنثی نیست. آمیزی در این روز رخ نمیدهد. جنت الاسلام چنتی با آنها همه این شرایط اعلام میکند:

امروز با دانشجویان کساری نخواهیم داشت و تا روز سه‌شنبه به آنها وقت میدیم!

روز دوشنبه ۱/۲/۵۹ اعضا هیئت علمی دانشگاه بیانیه‌ای را با ۴۰۰ امضاء صادر میکنند که طی آن به محدودیت آزادیهای دموکراتیک در دانشگاه اعتراض نموده و خواستار استقلال دانشگاه و لغت مستقیم دانشگاهان در دگرگونی نظام آموزشی که همواره مورد درخواست آنها بوده میشود.

در این بیانیه همچنین، ایجاد شکاف در صفوف مردم و منحرف نمودن مبارزه ضد امپریالیستی محکوم شده و بر لزوم جهت‌گیری ضد امپریالیستی مبارزه مردم تاکید جدی میشود. این بیانیه به تمام ارگانهای رسمی در سطح استان و کشور و فرستاده میشود ولی در حالیکه رادیو تلویزیون بیانیه‌های تحریک آمیز متعددی (حتی از سوی محافل با هویت نامشخص) را مرتباً پخش میکرد از این بیانیه‌گذاری به میان نیامد.

جنت الاسلام چنتی، روز سه‌شنبه ۵۹/۲/۲ با صدور اعلامیه‌ای مردم را به برگزاری نماز در دانشگاه دعوت میکند. در اعلامیه اشاره شده بود که

دفا تر دانشجویی قبلاً تخلیه شده است. ولی آقای چنتی مطمئناً میدانستند که دانشجویان هنوز در دانشگاه هستند. چنین شعارهای ضد امریکائی دانشجویان در محوطه دانشگاه حضور آنها را به روشنی اعلام میکرد. جنت الاسلام چنتی در سخنرانی خود دکتتر دواشی رئیس دانشگاه را متهم به گزارش دروغ در مورد تخلیه مراکز دانشجویی مینماید و ادعا میکند که وی به صورت یکنه تخلیه دانشگاه بدون برخورد صورت گرفته میخواست این نماز را به شکرانه آن، برگزار نماید. در حالیکه دعوت از مردم برای تجمع در دانشگاه عملاً نه در روز سه‌شنبه و نه فقط برای برگزاری نماز به شکرانه آراش، بلکه از روز یکشنبه همراه با تهدید دانشجویان صورت گرفته بود. اطلاعات دکتتر دواشی نیز در رابطه با اتهام گزارش دروغ، بخشی از مسائل را روشن نمود.

روز سه‌شنبه عده‌ای از مردم بی خبر که واقعا فکر میکردند دانشگاه تخلیه شده، صرفاً برای برگزاری نماز به دانشگاه آمده بودند. ولی همراه آنها، چند منفرد از اوباش مسلح به چاق و قمه و میله آهنی که عده آنها خیلی بیشتر از نمازگزاران بود با آماج کل برای حمله و کشتار به دانشگاه گسیل شده بودند. این عده در طول نماز اطراف محوطه دانشگاه کشتار می‌چرخیدند.

پس از برگزاری نماز جنت الاسلام چنتی شروع به تحریک جمعیت بر علیه دانشجویان میکند. در این حال گروهی با سنگ و چماق به دانشجویان هجوم می‌برند و بلافاصله مهاجمین شلیک‌های بیابایی پاسداران که محوطه را کاملاً محاصره کرده بودند حمایت میشوند. چند ساعت قبل از درگیری اتومبیل‌های متعددی را در اطراف دانشگاه پارک کرده بودند و آنرا در محاصره داشتند و بیماران نماز به اهواز نیز می‌سج روز سه‌شنبه به بیانیه‌خشی کردند. بیسی که ادعا میشود در بیمارستان کار گذاشته شده بود به میریزد. بدنبال تیراندازی پاسداران

* در حوالی بیمارستان گلستان در محوطه دانشگاه دختر دانشجویی را میگیرند و از نزدیک با کلت به شقیقه‌اش شلیک میکنند. این جنایت آنچنان غیرمنتظره بود که عده‌ای از ناظران صحنه دچار رشک میشوند.

اوباشان اتومبیل‌های را که زخمی‌ها را حمل میکنند متوقف کرده و سر نشینان آنها را محروم و دستگیر میکنند...

در این میان تهیه از اسوی رادیو تلویزیون با شدت بیشتری ادامه می‌یابد. بعد از دستگیری نزدیک به ۷۰۰ نفر تعقیب در خیابانها شروع میشود. باره‌ای از اعضای انجمن‌های اسلامی به شناسایی افرادی پرداخت. بسیاری در خیابانها و منازل توسط جماعتی داران محروم و دستگیر میشوند. تاکنون صدعربان چند دختر از کارون گرفته شده است. در نزدیکی پل کارون چندی که با گلوله به قتل رسیده از آب گرفته شده است.

در محوطه دانشگاه، رادیو نیز شروع به تهیه مردم میکند. از رادیو اعلام میشود که دانشجویان با مسلسل‌های تیربارانه نماز گزاران حمله کرده‌اند! پیام جنت الاسلام چنتی که از دانشگاه کشتار و برای رادیو فرستاده شد نیز پخش میشود که طی آن از مردم کمک خواسته میشود. لازم به ذکر است که سرپرستی رادیو تلویزیون اهواز را پسر جنت الاسلام چنتی برعهده دارد. پاسداران مسلح، از داخل ماشینهای پارک شده تیراندازی میکنند. حمله وحشیانه به دانشجویان شدت میگیرد. دانشجویان را با لگد، قنداق تفنگ، چوب و میله آهنی و چاقو به شدت محروم میکنند. پاسداران از فاصله‌های چندمتری به پای دانشجویان شلیک میکنند. گزارش هست که یکی از همین دانشجویان در بیمارستان به علت شدت جراحت به شهادت میرسد.

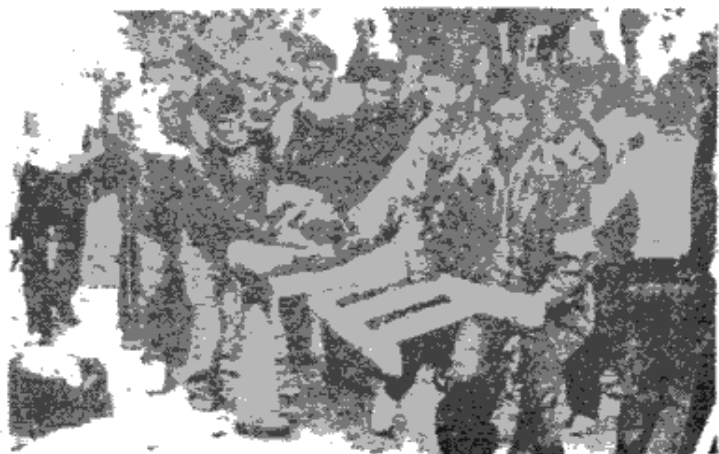
اوباشان مهاجم نسبت به دانشجویان دختری که از شدت ضربات بی‌هوش شده بودند بسیار قاحت شام و مرتکب اعمال زننده‌ای میشوند. دختر جوانی را از پا آویزان کرده و لباسهایش را در پند و پنا کابل به جان او افتادند.

دور زندانها، کشتار و شکنجه دستگیر شده‌ها ادامه می‌یابد. دهها زندانی را به شدت با کابل‌های سیمی شلاق میزنند. دختران زندانی، به زشتی موردها و زارت و زار فرار می‌گیرند.

در روز پنجشنبه ۵۹/۲/۴ خانواده‌های دانشجویان دستگیر شده مقابل تالار شهرداری اجتماع کرده و به بازداشت و شکنجه فرزندان اعتراض می‌کنند. دستگیرشدگان در داخل تالار نیز شروع به دادن شعارهای ضد امریکائی و خواندن سرود می‌کنند. در این حال پاسداران با سی‌رحمی غیرقابل تهوری به سوی زندانیان رگبار می‌بندند و ۸ نفر از آنها را شهادت می‌دهند. رسانندوبیش از ۲۰ نفر از خمی میکنند. کارگری را که در این اشرا اندازی گلوله‌ها به با ش اسباب کرده بود با آنکه بیمارستان رازی در نزدیکی تالار شهرداری واقع است، آنقدر در تالار گنجه‌ها رند تا از شدت خورشیدی به شهادت می‌رسد. در اخباری که رسماً اعلام شده ادعا شده که زندانیان در تالار شهرداری شورش کرده و در این شورش ۴ نفر کشته میشوند که یکی از آنها دختری بنام مینا معتمدی است. در حالی که از گزارشهای رسیده معلوم است که با تمام دختران در زندانهای جداگانه نگهداری میشوند. بنا بر گزارشها، مینا معتمدی که در زندان به شکنجه وحشیانه خود و دیگر دختران زندانی اعتراض می‌کند، مورد حمله شدید قرار میگیرد. موهای سرش را می‌گیرند و او را روی زمین می‌کشند و به شدت محروم می‌کنند. سپس بیکر مجروح او را به گلوله می‌بندند.

زندانیان دختر در کمیته ۲۴ متری بعنوان اعتراض بی کشتاری رحمانه دانشگاه و تالار شهرداری از ۵۹/۲/۵ دست به اعتصاب غذا میزنند.

پورش و جنایات و فجایعی که تحت نام انقلاب فرهنگی در اهواز صورت گرفت تاکنون دهها شهید و زخمی و بیش از ۷۰۰ زندانی بر جای گذاشته است. طبق اخبار و شایعات رسمی دو نفر از دستگیرشدگان تاکنون اعدام و ۹ نفر دیگر به دلائل سیاسی از دانشگاه اخراج شده‌اند.



صحنه‌هایی از یورش و با شان و پاسداران رژیم به دانشجویان در حریم دانشگاه

امروز رژیم جمهوری اسلامی با صحنه‌سازی در صدد جذب به اصطلاح فارغ التحصیلان و دانشجویان خارج از کشور برآمده و با وعده پست و مقام و فریب بورس و مزایای دیگر تبلیغات وسیعی را در زمینه حمایت از دانشجویان و فارغ التحصیلان خارج از کشور آغاز کرده است. پرسیدنی است که اگر این رژیم قصد حمایت از دانشجویان و فارغ التحصیلان را دارد چرا از چندین هزار اسفاد و متخصص و فارغ التحصیل بیکار که در اثر سیاستهای ضد خلقی و ضد فرهنگی رژیم در جامعه سرگردان مانده‌اند استفاده نمیکنند؟ چرا دانشگاه را باز نمی‌گشاید؟ بی گمان رژیم از این تبلیغات بی‌حاصل چند هدف مشخص را دنبال میکند:

- ۱- با جذب عناصر متزلزل و حزب‌الهی بخشی از نیاز خود را برای گرداندن دستگاه پوسیده بوروکراتیک - نظامی تأمین کند.
 - ۲- حتی المقدور در میان دانشجویان شکاف اندازد و دانشجویان حزب‌الهی را از انزوا بیرون آورد.
 - ۳- خود از انزوای سیاسی و رسوایی بین - المللی عظیمی که در اثر افشاء گسترده دانشجویان مرفقی و عناصر مبارز بدان دچار شده است، بیرون آید.
 - ۴- دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور را همچنان بسته نگاه دارد.
- اما بدیهی است که همه این تشبیهات داخلی جز شکست ندارد و در آینده‌ای نه چندان دور دست‌توانای خلق دوباره دانشگاه‌ها را می‌گشاید و این رژیم منحوس را روانه زباله دانی تاریخ میکند.

لیبرالها که چندی بعد موقعیتشان در حاکمیت بیش از پیش تضعیف شده بود مذبحخانه کوشیدند که با سوار شدن بر موج ناراضیاتی توده‌ها و دفاع دروغین از دموکراسی و بازگشایی دانشگاه‌ها، بار اصلی گناه را به دوش جناح رقیب انداخته و با تظاهر به آزادیخواهی و دموکرات‌مآبی و "ایستادگی" در مقابل اقدامات ضد دموکراتیک حزب جمهوری اسلامی، وجهه‌ای در میان دانشگاهیان و توده‌ها کسب کنند. اما گسترش مبارزات دانشگاهیان مرفقی و نیروهای انقلابی نشان داد که وقتی پای دانشگاهی مردمی، آزاد و شورائی در میان باشد، آقای بنی صدر و سایر لیبرالها به همان اندازه "آزادیخواه" و "دموکرات" اند که آیت‌الله خمینی و یا حزب جمهوری اسلامی "فد امپریالیست".

اکنون سه سال از بسته شدن دانشگاه و "انقلاب فرهنگی" می‌گذرد. حاصل "انقلاب فرهنگی" رژیم جمهوری اسلامی جز کشتار و ضرب و جرح دانشجویان، بستن دانشگاه‌ها و بلاتکلیفی هزاران دانشجو و استاد هیچ‌نبوده است. بیش از پانصد هزار دیپلمه آماده ورود به دانشگاه یا به میدان جنگ اعزام شده، یا در زمره شهدا و زندانیان سیاسی رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند و یا آواره و راهی کشورهای دیگر شده‌اند و یا بی‌کار و بلاتکلیف در انتظار تحولات آینده جامعه نشسته‌اند. در مدت این سه سال رژیم در اثر فشار توده‌ها بارها مسئله باز شدن دانشگاه‌ها را مطرح کرده است اما همگان میدانند که وعده‌های این رژیم مبنی بر بازگشودن دانشگاه جز دروغ و وعده‌های مفریبی‌رسانه هیچ نیست.

در ادامه تهاجم مشترک دو جناح حاکمیت به دانشگاه‌ها، همه مدارس عالی و دانشگاه - های کشور از پانزدهم خرداد سال ۵۹ برای مدت نامعلومی بسته شد. حاکمیت متفق بر شرایطی که نیاز به پزشک، معلم و مهندس و... بیش از همیشه در سطح سلطنت احساس می‌شد، شورای هفت نفره "انقلاب فرهنگی" را به وجود آورد و با اشغال دانشگاه‌ها به وسیله "جبهه دانشگاهی" که در برگزیده زواید حزب جمهوری اسلامی از قبیل "انجمن‌های اسلامی"، "دفتر تحکیم وحدت"، "جامعه اسلامی دانشگاهیان" و... بود "پاکسازی" یعنی تصفیه و اخراج دانشجویان و استادان انقلابی و مرفقی را آغاز کرد. به دنبال آن موج سرکوب خلق کرد، حمله به آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک خلق دامنه گسترده‌تری یافت، اما مبارزات دانشجویان و استادان انقلابی همچنان ادامه یافت. به دنبال اعتراضات وسیع و افشاگریهای مداوم نیروهای انقلابی و عناصر مرفقی و دانشجویان و استادان مبارز، دانشگاهیان مردم را به شرکت در مراسم بزرگداشت "۲۳ دی"، سالگرد بازگشایی دانشگاه که در سال ۵۷ به دست‌توانای توده‌ها انجام گرفت فراخواندند. شرکت گسترده مردم در این مراسم که علیرغم تلاشهای همه جانبه نیروهای ضد انقلابی و مرجعین صورت گرفت مشت محکمی بود بر دهان پاوه گویانی که می‌کوشیدند با طرح شعارهای احمقانه‌ای مانند "مبارک‌گشایی بودن دانشگاه" توده‌های زحمتکش را از دانشگاه‌ها دور نگه دارند و برای اقدام ضد مردمی خود مستمسکی بیابند.



حزب جمهوری اسلامی طراح اصلی قشہ کشتار دانشجویان انقلابی است • شورای انقلاب مسئول مستقیم این فجایع است •

حزب جمهوری اسلامی و کمیته‌ها که طراح اصلی یورش‌های سراسری اخیر علیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی هستند، تلاش دارند توطئه خود را که بستن دانشگاه‌ها، سرکوب آزادی‌های سیاسی، کشتار دانشجویان و دانش‌آموزان و انقلابیون خلق است، به هر قیمت عملی سازند.

دیروز پس از باز شدن مجدد دانشگاه‌ها، اوباش و پاسداران بار دیگر مسلحانه به دانشگاه‌ها یورش برد و تحت رهبری مسئولین حزب جمهوری اسلامی، در رشت و اهواز دانشجویان را به خون کشیدند و بیش از ده شهید دیگر به شهدای انقلاب ایران افزودند. هم‌اکنون حزب جمهوری اسلامی، با حرکات فاشیستی خود سعی دارد در شهرهای بزرگ باعث درگیری و مشغله خونریزی شود. اما از آنجا که این حزب و اوباشان وابسته به آن به علت رشد آگاهی مردم، دیگر قدرت پیشبرد هدف‌های خود را ندارند، به تحریک هرچه بیشتر ناآگاه‌ترین عناصر و بسیج آنها پرداخته‌اند.

در همین حال شورای انقلاب و رئیس جمهور که با صدور اطلاعیه‌های جمعه و شنبه گذشته مشخصاً مسئول کشتار دانشجویان شناخته می‌شوند، می‌خواهند برای شهادتی که خود مسئول کشتار آنها هستند، به اصطلاح تشییع جنازه برگزار کنند.

رئیس جمهور در سخنرانی دیروز خود در دانشگاه، حزب جمهوری اسلامی را که طراح اصلی کشتار و شهادت دانشجویان و انقلابیون بوده‌است، عملاً تیرش کرد. رئیس جمهور مسئولیت شورای انقلاب را در این کشتارها انکار کرد و کوشید خود دانشجویان و نیروهای انقلابی را مقصر جلوه دهد. شورای انقلاب اکنون هم می‌خواهد با سرگزار کردن مراسم تشییع جنازه ضمن پوشاندن مسئولیت خود در فجایع اخیر دانشگاه‌ها علیه این شهدا و آرمان آنها تبلیغ کند. ما این عمل شورای انقلاب را قویاً محکوم می‌کنیم.

ما از همه هواداران خود می‌خواهیم که از شرکت در حرکات سازمان‌ها و گروه‌هایی که بدون مسئولیت و شناخت از موقعیت کنونی مانع پیشبرد سیاست‌های درست و اصولی می‌شوند، اکیداً خودداری کنند.

در لحظات حساس کنونی باید با هوشیاری کامل مانع از گسترش تحریکات حزب جمهوری اسلامی و ایادی آن گردید. در شرایط فعلی گسترش این تشاجمات که با بسیج عناصر ناآگاه و تحریک شده صورت می‌گیرد، به زبان نیروهای انقلابی تمام می‌شود.

ما از همه مردم آگاه و مبارز می‌خواهیم که این به اصطلاح مراسم تشییع را تحریم و ماهیت آن را افشاء نمایند. ما از همه نیروهای انقلابی می‌خواهیم طراحان و مسئولین فجایع اخیر دانشگاه‌ها یعنی حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب و هدف‌های آنان را از کشتار دهها دانشجو در سراسر ایران با کار توضیحی و تبلیغی خود بطور وسیعی در همه جا برای مردم تشریح نمایند.

پرتوان باد جنبش انقلابی دانشجویی سنگر دفاع از آزادی‌های دموکراتیک
برافراشته باد پرچم مبارزات انقلابی خلقهای قهرمان ایران
مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۵۹

بقیه از صفحه ۱۵

خانه‌های سرحرکت ناشایست ارتجاعی و کور تهاجم علیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی که خود طراح آن بودند در برابر مردم صحنه گذارند. در این مراسم تمام شعارها تحریک مردم علیه دانشجویان مبارز و ترفیخواه بود و محوطه دانشگاه مرکز اقت و تاز و بازهم تحریک مردم و نیز دعوت آنان به آمیختن به سمت علم و صنعت و سایر دانشگاه‌ها بود.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در صحن خطبه خود چنین گفت: امروز در دانشگاه‌های سراسر کشور، گروه‌هایی نمی‌خواهند بگذارند که دانشگاه کار درست و رسالت واقعی خود را به این مللک انجام دهد. دانشجویان مسلمان ما دیگر تحمل این را ندارند که ستاد گروه‌های مسلح ضداسلامی، سازماندهی را در داخل دانشگاه‌ها

بکنند. دانشگاه‌هایی که با خون ملت تخریب می‌شود مرکزی شود برای اینکه چند نفر قدرتمند علیه جمهوری اسلامی آنجا بنشینند و مدعی را به ترس برترند. مدعی را به گردستان.

خانه‌های در سخنان خود "نود" پیام شورای انقلاب و رئیس جمهور را به مردم داد. متعاقب آن و در جمع شب پیام شورای انقلاب اعلام گردید. در این پیام به دانشجویان به مدت ۲ روز مهلت داده شد که دفاتر خود را برچینند و اگر چنانچه تا پایان روز دوشنبه اول اردیبهشت دفاتر تعلیم نشود شورای انقلاب و رئیس جمهور برای برچیدن این مراکز اعتدال مردم را فرا خواهند خواند. در ضمن در این پیام، دانشگاه‌ها از ۱۵ استخدام تعطیل اعلام شد و همان روز صبح پیام ممنوع اعلام گردید.

طرح این توطئه در ساختمان هفت طبقه‌ای در پشت سفارت سابق امریکا ریخته شده و سردمداران این جریان اعتقاد دهنه و پس از چندی حدود ۲۰ نفر دیگر به جمع آنان اضافه شدند و در نظر دارند با شعار اصلاح نظام آموزشی و تصحیح و پاکسازی محیط دانشگاه‌ها، محیطی ملواریالستی و هرج و مرج به وجود آورند. در دانشگاه تهران آغاز

تهاجم دانشجویان انجمن اسلامی از روز چهارشنبه و از دانشگاه فنی آغاز شده و در روز پنجشنبه شدت بیشتری یافت. این تهاجم که از جانب عده‌ای اوباش غیردانشگاهی حمایت می‌شد به تمام دانشگاه‌ها و مدارس عالی تهران کشیده شد و ناگهان و همزمان تمام مراکز آموزش عالی به صحنه نبرد بین دانشجویان مبارز و ترفیخواه و عناصر مهاجم گردید. کشاکش و زد و خورد در دانشگاه پلی‌تکنیک و دانشگاه‌های دانشگاه تهران، دانشگاه ملی، دانشگاه علوم ارتباطات، دانشگاه مهدی رضائی موجب مجروح شدن عده زیادی شد و دانشگاه تربیت معلم با مقاومت سرسختانه خود کانون مقاومت دانشگاه‌ها شد. در این درگیری سخت، حدود دهها نفر زخمی و یک نفر کشته شد.

در آغاز تصرف دانشگاه از طرف انجمن‌های اسلامی دانشجویان بیاسی‌هایی صادر شد و در آن سعی شد که زیر پوشش اسلامی نمودن دانشگاه‌ها جایگزینی نظامی انقلابی و الهی عمل خود را توجیه کنند. روز جمعه و در مراسم نماز جمعه دانشگاه، شورای انقلاب از زبان خلخال و

این عفرای جنایتکار، این شورای انقلاب است که بسوی مردم و

دانشجویان شلیک میکند

جنایاتی که در این چند روزه در رشت واقع شده است، بقدری وحشیانه و نفرت انگیز است که تنها بالا پرشانی واقعیت‌های توان باز هم به فریب مردم ادامه داد.

حنایکاری که مسئول مستقیم کشتار جوانان انقلابی شناخته می‌شوند، یعنی عفرای (مهرکاد) رهبری حزب جمهوری اسلامی، انصاری (استادار) و کریمی (دارستان)، تنها با انکار نقش کثیف خود می‌توانند همچنان به

همکاری با امپریالیسم امریکا و سرافکنداران داخلی ادامه دهند.

امروز حزب جمهوری اسلامی، شورای انقلاب و رئیس جمهور به این دلیل که دانشجویان فعالیت سیاسی می‌کنند، توسط "عفرای" و "انصاری" ها در سراسر ایران آنان را به خاک و خون کشیدند.



در نهایت عفرای (مهرکاد) رهبری حزب جمهوری اسلامی، انصاری (استادار) و کریمی (دارستان)، تنها با انکار نقش کثیف خود می‌توانند همچنان به همکاری با امپریالیسم امریکا و سرافکنداران داخلی ادامه دهند.

در نهایت عفرای (مهرکاد) رهبری حزب جمهوری اسلامی، انصاری (استادار) و کریمی (دارستان)، تنها با انکار نقش کثیف خود می‌توانند همچنان به همکاری با امپریالیسم امریکا و سرافکنداران داخلی ادامه دهند.

این جنایتکاران را در دادگاه خلق ۵۹/۲/۷ محاکمه و به جزای اعمال ننگین خود برسانیم.

عفو ما ما نه برای "چهره تا بناک و مقدس انقلاب"

در دانشگاه هم مطرح شده و بمناسبت همه اینها در دادگاه امور قضایی آقای پوراستاد به ۱۱ روز زندان محکوم شده و بمناسبت این محکومیت ایشان را در بدست گرفته اند. و من از شورای عالی قضایی سؤال کردم که محکومیت ایشان نقض شده برابری نقض کنند نقض شده بلکه ایشان نامشان در لیست کسانی که میبایست مسئولان فرمان امام قرار بگیرند معفو بشوند گذاشته شده اینها هم اختلافی بین آقای عزیزان و افراد شورای عالی قضایی است که ایشان میفرمایند کسی معفو می شود که زندان رفته باشد و اصلاً او نشان دهنده کتوبه کرده و اصلاح شده ، کسی که زندان نرفته چگونه معفو میشود و آقای عزیز سؤال کرده که اگر قرار است محکوم غرضه زندان معفو شود خیلی غیر از ایشان هستند که باید معفو شوند ، که اینهم امیدواریم زودتر روشن شود . بنی از برادران میفرمایند ایشان سوابق مبارزاتی دارند و در توزیع کالا هم تلفات مالی که نداشتند بلکه ابراهیمات همه ما دچار اشتباهاتی شده ایم . بنده مرغی می کنم اگر این در اجراء ۲ و یا ۴ و یا ۱۰ مورد بود ، یک چیز بخشیده ای بود ، همه ما ممکن است در سستل اجرائی دچار گرفتار بنی اشتکالات شده باشیم اما ۱۱۵ مورد و ۱۶۲ مورد تلفات ، سؤال مجدد اینست که مردم رابه نظام جمهوری اسلامی و به روش توزیع کالا و به وزارت بازرگانی خوشبین کرده ؟ به بین کرده ؟ چه چیز هائی در روزنامه ها نوشته شده و الان هم کتب و بیس لایه دارد ؟



محکومیتشان ، در روزنامه صحبت شده و گاهی هم بیس محترم میوان محلات اداری در صاحبخانه ایشان از تلفات یکی از صاحبان صحبت کرده اند.

اظهارات مخالف

سخنان گروهی سرپرست بنیاد شهید در دفاع از اعتبارنامه علی اکبر پوراستاد

آنگاه آقای گروهی طی سخنانی در دفاع از اعتبارنامه آقای علی اکبر پوراستاد گفت :

بهر جهت در پایان ترابری می بینیم که اعتبارنامه از هر محلی پاک و تینک و طینس انتظامی و کتبی اعتبارنامه بوده و لا ازمه برادران می خواهم که رای بدهند برای کوری دشمنان و آلهائی که جوسازی و نامیرائی حسی کردند .

بخشی از اظهارات رفسنجانی در دفاع از خا موشی

ایشان یکی از دوستان بسیار نزدیک ما بودند و در کارهای مهم بازار کما داشتیم آقای خاموشی در کنار رفتاری دیگر بهترین کمکها را با ما میکردند .

آقایان بازار تهران را دست کم نگیرند .

ما در کارهای ۲۰ سالمان اگر برای مبارزه بون لازم داشتیم اینها بودند .

و شما گفتید و نفوذ داشتید در دادگاهها و آن اسناد را پیدا کردید و چریقاتی بودند که این اسناد را در آورند و این طور چیزها را پیدا کردند .

در اینجا کله تروریت اقتصادی را بکار بردند و متأسفانه می بینیم افراد می آیند اینرا در مورد حریف جای تائید اسلامی بکار می برند شما ارزش آن کله را هم اگر بین دارید هرگز این جوری رفتار کند ما که اینها را نمی گوئیم .

من خوشالم که اینها در مجلس اند ، حزب جمهوری اسلامی با روحانیت مبارز که این آقایان را کالبدی کرده بیشتر از شماها می شناسد . شما تازه باین مسائل رسیدید که حالا مطرح است . ما در این کارها عیق تر بودیم و با اینها آشنا بودیم و چهره ها را خوب می شناختیم .

اینها پدر اسلام می خورد و بفرموده مجلس می خورد و من می بینم که در حرکت انقلاب اینها می بینند .

یعنی در آینده این دلیل نشود که بگویند چون آقای فساد کریمی مخالفت کردند پس ما دعسرا داریم . نه ایشان یک تائید است و حق دارد و ما میتوانیم هم هستیم . و این مخالفت ها ممکن است باعث درگیری و احیاناً در مواردی نزاع هم بشود ولی خودشان را بنظر می اندازند برای اینکه افکار و نظریات را بگویند از آنها هم تشکر می کنیم . شام حرفهای همه را شنیدید و هرچیز تشخیص ندادید رای می دهید .

به دنبال بالا گرفتن تضاد جناح های درون حاکمیت و روکردن دزدی در وزارت بازرگانی ، علی اکبر پوراستاد ، نماینده مجلس شورای اسلامی به جرم سوء استفاده مالی به ۶۱ روز (!) زندان محکوم شد ولی باز دوبند دست اندکاران اسمش در لیست زندانیان عفو شده قرار گرفت !

گزارش مجلس اطلاعات پخشیه ۲۸ فروردین ماه ۱۳۶۲ شماره ۱۶۹۸۹

اظهارات مخالف

سخنان سید کاظم اکرمی در اعتراض به پرونده انتخاباتی علی اکبر پوراستاد

بسیار فراتر گزارش کمیسیون تحقیق ، آقای اکرمی نماینده بهار و کبوتر آهنگ بعنوان مترشیر و در انتخاباتی آقای پوراستاد طی سخنانی گفت :

بفرمایند جناب آقای هاشمی بنی از برادران میفرمایند که آیا جایی برای اینکه سئوالات بنده مطرح شود مانده است یا نه ؟ زیرا هرچند ما سؤال کنیم و ایشان توضیح دهند ، فرمایشات جناب آقای هاشمی جلای اینها را گرفته (آقای هاشمی - نه من در این باره صحبت نمیکنم) اما اگر در مورد اعتبارنامه برادری که تصویب شد در روزنامه ها و بر سر زبانها سالی نیست ، در مورد آقای پوراستاد در روزنامه ها مطالبی آمده از جمله اطلاعات چهارشنبه ۱۱/۲۷ که از تلفات ایشان و

مشت نمونه خروار

گوشه ای از اظهار نظرهای نمایندگان مجلس در مورد خودشان

قسمتی از اظهارات فواد کریمی

نماینده مجلس درباره سید تقی خاموشی ، نماینده دیگر مجلس :

سید تقی خاموشی خا موشی مسئول بازار سهام و افزایش قیمتها و احتکار و سایر مفاسد است . برای ملت تاکنون داشته است ، ایشان و گروه توزیع کنندگان وابسته بدیشان میباشند و هرچه شده سرچشمه آفتابان بوده است و پول هزاران تن آن تولید شده و وارداتی کشور به جیب آقایان رفته است و دولت در سختترین شرایط شریه وارد نموده اند .

و براساس این مدارک آقای خاموشی تلفات انگارانه ای مرکب شده است که مستوجب مجازات میباشد که قسمتی از این پرونده در اختیار بنده است چون اوراق و اسناد مربوط به بازاری و گرانروشی در رابطه با شیشه مقفل

نمونه دیگر از این اسناد در دست مربوط به توزیع انحصاری کالا و لوازم خانگی است که آقای خاموشی سهمیه آنها را به یکی از آفادی خود میدهند که تاکنون یک بار ایشان به سبب گرانروشی در دادگاه سنی محکوم به پرداخت ۱۷۰ میلیون تومان شده است .

وسیدگی اعتبارنامه سید تقی خاموشی

چهارشنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۳۶۲ - شماره ۱۶۹۸۹

در روزنامه اطلاعات شماره ۱۶۹۸۹ پخشیه ۲۹ تیرماه ۵۹ ، یک نمونه از این قبیل تلفات آقای خاموشی بدین ترتیب افشا میگردد : که احتکاری در انبار شماره ۱۴۲ واقع در خیابان پادآوران کشف و توقیف میگردد که در این انبار ۱۵۷۵ حلقه لاستیک و ۵۴۱۶ کالین روغن و سیمه هزار لامپ مهتابی و بسیاری از ارقام مرشد کالاهای دیگر احتکار شده بود و آقای خاموشی از مسئولین کمیته ۱۲ تقاضای رفع توقیف می نماید .

اکنون باوجود این تلفات اگر اعتبارنامه آقای خاموشی بدلیل شرکت در گرانروشی ، احتکار ، انحصار و غیره بوسیله مجلس رد نگردد دیگر چه کسی میتواند در این کشور با گرانروشی و احتکار و تروریت اقتصادی مبارزه کند . از آغاز انقلاب تاکنون کالای توزیع کالا و سرچشمه بازار در دست آقایان بوده است . اگر اینچنین قاجمائی در کشور جمهوری اسلامی اتفاق افتد و میلیونها تومان سوء استفاده شود و این چنین مجرمین فرار کرده و دستگاه قضائی کشور را تشکیف نمایند و اکنون یکی از موانع این جریان در مجلس میتوان نماینده مجلس قانون گذاری اسلامی به دنیا معرفی گردد . آینده انقلاب و جمهوری اسلامی در خطر خواهد بود .

قسمتی از اظهارات خاموشی

مسئولیت نماینگی که امروز می بینم شخصاً خودم مایل نیوم ، بلکه روحانیت مبارز تهران و حزب جمهوری اسلامی بمن تکلیف کردند که بعنوان مسئولیت شرمی بنظر آید .

گرامی باد خاطره بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران

یازده سال پیش در سحرگاه چهارم خرداد خون پنج تن از فرزندان قهرمان خلق بوسیله یزدان رژیم در دشت پهلوی پر خاک ریخت و پنج شکوفه ی عطر آگین انقلاب در خاک پیر شد. این روزندگان اندل بی سجد محسن و حنیف نژاد، بدیع زادگان، هکریزاده و مشکین فام که با نغز روشهای لیبرالی و سازشکارانه ی نهضت آزادی خط انقلابی خود را از خط محض بازرگانها و لیبرالهای هزارچهره ی دیگر مشخص کرده بودند سازمان مجاهدین خلق را بوجود آوردند و سبها روشاد و شادان خلق با رژیم منحوس پهلوی مبارزه کردند. آنان از آزمون سخت تاریخ سرفراز بیرون آمدند و خاطره شان عماره در یاد زحمتکشان زنده خواهد ماند.

یادشان گرامی باد!



مجا ه دخلق محمدحنیف نژاد



مجا ه دخلق بدیع زادگان



مجا ه دخلق سعید محسن



مجا ه دخلق محمود هکری زاده



مجا ه دخلق رسول مشکین فام

زنده باد همبستگی کارگران سراسر ایران

بقیه از صفحه ۶

زنده انهای رژیم اسیرند. رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی برای درهم شکستن اعتصابات و دیگر اشکال مبارزات کارگران به حیوانی ترین و فاشیستی ترین شیوه ها متوسل شده است. کارگران بایز و قهرمان رو با هوا بگوله می بندند و کارگران گداز - نجات رنو را با سرنیزه سرکوب میکند. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی حتی کار رسانی را بجائی کشانده است که در طرح قانون کارش با کارگران پشنامه برده سرمایه دار برخورد کرده است. سربای این رژیم را ارتجاع محض فرا گرفته است. امروز دیگر ماهیت کشف ضد کارگری و ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی بر اکثریت بسیار عظیم کارگران آشکار شده است. و ماهیت رسوای ضد انسانی و حکومت مستضعفین "خمینی این عوام فریب و شارلاتان تاریخ برهنگان آشکار شده است. پیش از چهار سال ستکری و جنایت، دروغ و فریب، فقر و بدبختی کافی بود تا حتی توده های نا آگاه نیز پی به ماهیت ضد خلقی و ارتجاعی این رژیم ببرند. دیگر حتی عوام فریبی مزدوران و خود فروختگان سرمایه منظر حزب توده و اکثریتی های خائن این روسپیان سازش طلبانی که پرچم خیانت به طبقه کارگر را بردوش می کشند تمام رنگ باخت است. کارگران بخود ریز افروزی آگاه میگردد که سوسیالیسم تنها رانجات آنهاست. آنها پی می خیزند تا طویر حیات تنگ این رژیم ضد بشری را درهم کینند و هیچ نیرویی قادر نیست و جنبش نرفته طبقه کارگر را علیه ظلم و ستم واستشار مد کند.

نه اعدام نه زندان و کشتار دستجمعی کارگران هیچک قادر نیست در مبارزه آنها خللی ایجاد کند. این حکم نطفی ناپذیر تاریخ و این رسالت دوران ساز کارگران است که برای همیشه جهان را از کثافات و پلیدی های وجود سرمایه داران همه استشار کارگران و نیز روحانیون مفت خور وانگل که کاری جز مفت خوردن و ادامه زندگی انگل وارشان به خرج کارگران و زحمتکشان ندارند پاک کند.

طبقه کارگر بدین وقفه در راه رسیدن به سوسیالیسم بهراند اخشن نظام جتنی برستم و استثمار، محو طبقات و ایجاد نظامی تهی از استثمار و ستم مبارزه میکند. اما امروز رژیم جمهوری اسلامی نه تنها بر طبقه کارگر که توده وسیعی از مردم را در معرض ستم اقتصادی و سیاسی قرار داده است. شرایط زندگی عموم توده های زحمتکش در وضعیت اسفباری است. اختناق، ترور و بدبختی عریان عموم خلق را از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود محروم کرده است. مجموعه این شرایط توده وسیع مردم را مبارزه علیه رژیم برانگیخته است. بنابراین طبقه کارگر که در راه سوسیالیسم مبارزه میکند، برای رسیدن به هدف نهائی خود باید در مرحله کنونی انقلاب رهبری عموم خلق را بر عهده گیرد و با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی انقلاب دیکراتیک را به جرم برساند.

کارگران آگاه به منافع طبقاتی خود با درک این واقعیت که طبقه کارگر در مبارزه خود علیه سرمایه دار سلاحی جز تشکل و اتحادی ندارد باید عموم توده های کارگر را به زیر پرچم سرخ سازمان که همانا پرچم پرافراشته مارکسیسم - لنینیسم است مبارزه علیه رژیم فواخواند و با ایجاد کمیته های مخفی کارخانه که در شرایط کنونی هدف اصلی آنها برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی است. هر کارخانه را به دژ تسخیر ناپذیر مبارزه کارگران علیه سرمایه داران تهدیل کند.

آنها باید شعار اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه را وسیعاً در میان کارگران تبلیغ کنند. کارگران ایران در روز اول ماه مه بمنظور نشان دادن همبستگی خود با کارگران سراسر جهان علیه سرمایه داران، بمنظور نشان دادن وحدت و یکپارچگی خود در مبارزه علیه رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران باید همانند تمام کارگران سراسر جهان در این روز دست از کار بکشند، کارخانه ها را تعطیل کنند و علیه رژیم ارتجاعی حاکم دست به تظاهرات بزنند. هیچ قهروری از جانب مرتجعین قادر نیست، جلوه مارش ظفر نمون انقلاب ایران و پیشرفت تاریخ را سد کند. رژیم جمهوری اسلامی با فجا بی که بهار آورده است، گور خود را کده است و در برابر اراده خلل ناپذیر توده ها، تحت رهبری استوار و شزلزل ناپذیر طبقه کارگر، بگره سپرده خواهد شد. کارگران در این مبارزه چیزی جز زنجیرهای خود را از دست نخواهند داد اما در عرض جهانی را بدست خواهند آورد.

زنده باد همبستگی کارگران سراسر جهان
زنده باد سوسیالیسم، سرک پر امپریالیسم
پرویز باد نبرد کارگران علیه سرمایه داران
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری دیکراتیک خلق

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران

رفیق محسن فاضل از چهره های تشنه در جنبش کمونیستی ایران و از کادرهای سازمان پیگار بود که بهمن سالهای عمر خود را در مبارزه با رژیم شاه خائن گذراند. و چه در دوران آزادی و چه در اسارت هرگز تسلیم سرمایه داران نگردید و از شایع کارگران و زحمتکشان روی نگردانید. رفیق فاضل سالها نیز در سنگر خلق فلسطین با سرمایه داران و سرمایه داری مبارزه می کرد. شهادت رفیق فاضل در خرداد سال ۶۰ لگدی تنگ دیگری است بر دامان سیاه جمهوری اسلامی. یادش جاوید.



گرامی باد

خاطره رفیق

محسن فاضل

گرمی باد خاطره فدائی شهید امیر پرویز پویان



«از مرگ نیرومند تر برخاستی،
و با حنجره‌ی دوست باطنی ات خواندی،
آوازه‌های سرخ بلندی را»

روی فلاخ غفری در بند

از رفیق پویان غیر از کتاب «ضرورت قیارت سلحانه ورد نشوی بقا» چند نوشته‌ی دیگر نیز در دست است. یکی مقاله‌ای بنام «خشنود از امیرالینس و ترسان از انقلاب» که در آن رفیق مواضع منزلت و تاپیکر خود را به روزی را تحلیل می‌کند. چند مقاله و ترجمه که به نامهای مستعار «مشمیری» و «علی کبری» در زبان حیات رفیق در نشریات مختلف چاپ شده‌اند.

رفیق پویان نه تنها نویسنده، مترجم، و تئوریسین برجسته بلکه پراتیسین سازمانده نیز هست. او پس از خرابی سیاهگل و شهادت قهرمانان آن در اتمام انقلاب فریسی و جنایتکار و جادری بانک آیزنها شرکت می‌کند و سرانجام روز سوم خرداد سال ۵۵ در یک جنگ نابرابر در محله نیروی عوامی تهران ساعدها با مزدوران رژیم مبارزه می‌کند و سرانجام با فریاد زنده باد کونینسم با آخرین گلوله‌ی خود به زندگی افتخار آمیز خود خاتمه می‌دهد. پادش زنده و راهش پویان باد!

سوم خرداد یادآور حماسه‌ی قهرمانانه‌ی محله‌ی نیروی هوایی و مبارزه‌ی بی‌امان و شهادت افتخار آمیز یکی از بزرگترین پیوندگان راه انقلاب خلق یعنی رفیق فدایی امیر پرویز پویان در کار همزم و همسنگش رفیق رحمت الله پیروندری است.

رفیق پویان کونینستی پیشرو و برجسته با خلا قیتی کم نظیر در درک مسائل سیاسی و اجتماعی است که نظراتش در راهگشایی و بیایی جنبش‌نمین کونینستی ایران سببی سزوار دارد. رفیق در کتاب «ضرورت مبارزه‌ی سلحانه و رد نشوی بقا» مبارزه‌ی سلحانه را به منزله‌ی یک ضرورت تاریخی در آن مقطع اعلام می‌دارد و با دیدی دیالکتیکی متاکسیم در هم شکستن پیدی را که پیشروی توده‌ها و پیشاهنگ توده‌ها قرار دارد نشان می‌دهد. پس از تدوین این اثر رفیق پویان با همزمانش رفیق صعود احمدزاده و رفیق عباس مقناتی - پیوندگاران کسروه اولیه‌ی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیوند سازماندهی نظامی می‌پروازند.

رفیق پویان چهره‌ی سرشناسی در میان هنرمندان انقلابی جامعه محسوب می‌شود. اگرچه رفیق خود کارهای ادبی اش را چندان جدی نمی‌گرفت اما الهام بخش بودن آن انقلابی‌ترین هنرمندان معاصر ایران رفیق فدایی خسرو گلشنی و رفیق فدایی سعید سلطانپور محسوب می‌شود. رفیق گلشنی نام او را بر پرچم ایران می‌نویسد و رفیق سلطانپور او را به عنوان بزرگترین منتقد ادبی تاریخ ادبی ایران می‌شناساند و با پادش می‌سراید:

بی‌گمان مبارزات طبقاتی سبکینی که در عین جامعه ایران امروز جریان دارد چشم‌انداز آینده‌ای روشن را بود می‌دهد. آینده‌ای که کارگران برجسته‌ترین و حساس‌ترین نقش را در آن پیمده خواهند داشت.

(اول ماه مه) روز جهانی کارگر...

بقیه از صفحه ۱۱
در زمان انقلاب توده‌های مردم در سبای گرانیهایی آموختند که در پادش درون رکود و آرامش هرگز مجال فرا گرفتن آنها پدید نمی‌آید. یکی از در سبای مهم انقلاب ایران در این بود که ماهیت واقعی تمام اقتدار و طبقات جامعه و نمایندگان سیاسی آنها را آشکار کرد و نشان داد که هر طبقه و قشری در انقلاب چگونه عمل می‌کند.

امسال کارگران ایران جشن ماه بهار و شریایی برگزار می‌کنند که ایران بیش از همیشه در چنگال اختناق و استثمار دست و پا می‌زنند. میلیونها کارگر بیگار و سرگردان در سراسر مملکت پراکنده‌اند. بیگاری آوارگی بیماری و فقر در میان زحمتکشان بهر زحمتکشان جنوب پدید می‌آید. کارگران با شرایطی پس دشوار و تحمل ناپذیر گردان می‌کنند فضای سیاسی کارخانه‌ها مسموم است. و عناصر مزدور و خود فروخته‌ی حزب الهی می‌کوشند تا با شناسایی و معرفی کارگران پیشرو جو وحشت و بی اعتمادی را در کارخانه‌ها راس بزنند. کارخانه‌ها وسیله‌ی مزدوران پاسدار اشغال نظامی است.

فرایند اعتصاب در کارخانه‌ها هر روز رشد بیشتری می‌یابد. مبارزات ساکنان خارج از محدوده بیشتر رشد می‌کند ناراضی‌ترین مردم بخصوص کارگران در روند اعتصاب سراسری عموماً سرانجام این رژیم منحوس را به همان سرفروخت محتوی دچار می‌کند که نتیجه‌ی مبارزات طبقاتی عصر حاضر است.

کارگران و زحمتکشان خواستها و مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود را در برنامه‌ی عمل سازمان چریکهای فدایی خلق ایران متبلور می‌بینند. این برنامه کمتنها برنامه‌ی انقلابی و برخاسته از ضروری‌ترین و فوری‌ترین نیازهای جامعه است. منافع طبقات و اقشار مختلف را در بر دارد.

صحنه‌های از عظا هرات دانشجویان هوا دار با زمان بهمن سبت روز جهانی کارگر



مونیترال - کانادا



وین - اطریش

پتک است خون من در دست کارگر
داس است خون من در دست بزرگر



سائروز شهادت فدائی خلق رفیق سعید سلطانپور

استقامت و پیام دمیدن سپیده ی انقلاب خلق .
و این پیام خط سرخ است که استوار و چشمه نواز
در همه نوشته های سعید درخشش و فروزش دارد .
زمینه ی هنر سعید به شعر و نمایشنامه نویسی
محدود نمی شود . انتقاد آوردگاه دیگری است که
سعید با سلاح کاری اندیشه و قلم در آن جالش
می کند و در این زمینه نیز چون زمینه های دیگر کاری
می کند گارستان . سعید در کتاب "میری از اندیشه
نوی از هنر" دستگاههای شریش و طویل فرهنگ و هنر
تلویزیون و برنامه های گدایی جشن هنر را به
محاکمه می کند . و عملکرد مردمی و غد فرهنگی
آنها را از زوایای کزناگون به معرض تعارض می گذارد .
و نشان می دهد که :

" دشمن طبقاتی با حساسی و طرح ریزی های لازم
... شیوه ی تفکرات خرافی و کهنه ی دورانهای
گذشته را که ریشه هایی ستبر در آسمان و مقدرات
دارد و به توجیه تمام هائب معیشتی و روانی مردم
می پردازد و همواره تحمل امروز را بر پایه تقدیر
ممكن میسازد ، ترویج می کند و میستاید و به چاپ و
نشر آثاری چنین که در آن به تمامی تعنیت و تصورات
عقب مانده ی مردم در راهی آسمان و زمین و زندگی
رعایت شده است در گدایی زمینه ها از مبانی دینی
گرفته تا سایل علمی دست می زند ..."
در همین کتاب رفیق سعید هنرمندان جبین و
بزدلی را که در دستگاههای دولتی به قلم فروشی و

بگذار تا ستاری شریک
دیوانه وار بگذرد از کپشکان خون
خون شعله ور شود
بگذار باغ خون
بر خاک تیرباران

بگذار بذر "میر"
چون جنگی بروید در آفتاب خون
فریادگر شود
این بذر ها به خاک نمی ماند
از قلب خاک می شکند چون برق
روی قلات می گذرد چون رعد
خون است و
ماندگار است !

زندگی نامه ی رفیق سعید بی گمان کارنامه ی زندگی
و ایستادگی انسان اندیشمندی است از دودمان کار
و احساس و مبارزه . " فدای نامیرایش " را از
" گشتارگاه " می شنویم که برادر کردن " حسنک " را به
پرخاشی نرفته قهراد برداشته است و " آوازهای
بند "ش میوی از اندیشه و نوی از هنر" ... را
عرضه میکند .
اندیشه ی سیال و تاریخ خانه ی تاریخ را میشکند
و پرده های کهن را بارنگهای زنده ی امروزین آشفنا
می کند . رفیق پیاس روشن دارد پیاپی به روانی
آب و به سادگی نوازش آفتاب : پیام امید و پیام

... پس هنوز از این جنگگاه میخوابم
صدای خسته من رنگ دیگری دارد
صدای خسته من سرخ و تند و طوفانی است
صدای خسته من آن عذاب را میاند
که روی قلب شکسته ام میگوید
و سرده های تنه ام قویا خش
روی مدار آینه و انقلاب می چرخد

فدائی سعید حداثت و طرانی انقلاب بود .
صدای شکستن زنجیرها و صدای حرکت ؛ حرکت
موج . صدای سعید فردا را نباید می داد . فردای
لبخند و فردای امید و آزادی را . سعید خود برای
فردا نیست ؛ برای فردا رزمید ؛ و سرانجام برای فردا
هستی سرخ خود را جانانه ایثار کرد .
زندگی سعید آمیزه ای است از مبارزه و مقاومت
در دو سنگر : در سنگر زندگی و در سنگر هنر .
اما سعید روند زندگی را چنان به هنر مبارزه و هنر
مقاومت پیوند داده است که تنگنه هنر او از زندگی
او امکان ناپذیر است . زیرا که بزرگترین هنر سعید
زندگی تنیده و انقلابی است که حساسهوار در
سروده هایش می خروشد و در غنوش انعکاس دارد :
آرام ... آی ... ما مردم آرام
بگذار تا سپیده برآید
بگذار با سپیده ببندند ؛

بگذار تا برآید "آتش" .
بشت مرا به تیر .

سعید سلطانپور

مردی اشتغال دارند بهادوش. شد و سفره بکرد.
شعید سعیدند. هنر بر هنر و میراث دانشی.
فرخی، گسرخ و صمد در سال ۱۳۱۹ در خانواده-
ان کارگری متولد شد و پس از پایان دوره دبیرستان
در دبستانها به تدبیس پرداخت. تدبیس در مدارس
جنوب شهر تهران او را از زندگی کارگران و
زحمتکشان آشنا کرد. چهره های شکسته و اندامهای
استخوانی، چشمهای فرو رفته، استخوان فقر شکنجی
انگیزی سعید در خنثی آثار هنری اش گردید.
شناخت سعید از دردهای اجتماع در چارچوب
درسه و - رخصتهای کوچک و بزرگ فرزندان کارگران و
زحمتکشان محدود نمائند. بران او در سه آیینهای کوچک
بود که تنها چیزی از بهائیت اجتماعی را در خود منعکس
می کرد. سعید برای شناخت بیشتر دردها و درمان
آنها به درون جامعه رفت. در با مردم زیست. برای
مردم زیست. از مردم الهام گرفت و سرانجام بسا
شهادت تر الهام بخش مردم شد.

سعید هر جا که رفت آنجا را به میدان مبارزه بر
غده مظالم اجتماعی بدل کرد. چه در زمان پهلوی و
پس در روزگار حکومت اسلامی. او در انتصاب
فرهنگیان که به شهادت دکتر خاتمی انجامید از
مدرسه های به مدرسی دیگر رفت و با شعر از مبارزه
سخن گفت و بسیاری از آذربایکان را در مدرسه
آزادیت. در مراسم تشییع جنازه ی تختی تهدیدهای
آرامی سرپرستی ساواک دانشگاه را به هیچ گرفت
و به بسیج افشاگرانه پرداخت. در شبهای شعر
سال چهار و هفت، زیر سیطره ی خفقان و سانسور،
دلیر و استوار با خواندن اشعاری سوزان دوباره
ایران و غارت امپریالیزم سرخفشی ساوازی را در
مخزنندان جوان برانگیخت و فضای تازه ای در چشم-
انداز شعر مبارز ایران گشود:

"ایران من

ایران انقلابهای فراموش

مفلوب

خاموش

شیرگرسنه غلت به فرخای آسیا."

نمایشنامه ی "آمریکازان" را در سال ۴۹ به صحنه
برد و در همان سال کتاب زمینی از هنر نوی از اندیشه
راهنمایی تجدید چاپ کرد و دوباره زندان رفت.
او در دادگاه پرخشگر و زنده ماند که گران را به
محاکمه کشید. پس از رهایی از زندان بلا فاصله نمائش-
نامه ی "چهره های سیمین" منتشر را به صحنه آورد و تاج -
گذاری و در آگاههای شاهانه را با تصاویری انقلابی و
مخزنندانه به اعتراض و سفره گرفت. و باز زندان
رفت. چهل روز در کمیته در سلولی مقابل اتاق شکنجه

و پهلویهای قزل قلعه پسر برد. شکنجه دید و شکنجه شد.
اما سرانجام به دلیل بازتاب گسترده ی دستگیری اش
روم ناچار آزاد شد. در سال ۵۳ به جرم سرودن
اشعار "آوازه های بند" مجدداً دستگیر شد. هفت ماه
شکنجه های اقراری و انتقادی و جیره های اعتقاد رفیق را به
سازمان چریکهای فدایی خلق استوارتر کرد. بیست و یک
راه زحمتکشان و آلمان سرخ کارگران استوارتر کرد. بیست و یک
پاهای ریش ریش و پاهای تاول زده با زخمهای بهلستخوان
رسیده از خلق سخن گفت و سرانجام بدین هیچ درمان
به کمیته بازگردانده شد و باز شکنجه دید و سه سال
در زندانهای قهر و این آرمانهای کارگران و زحمتکشان
را در نوشته هایش فریاد کرد. در بیست و دوم خیر
ماه سال ۵۷ رفیق سعید از زندان آزاد شد و بی درنگ

خود را به فضای پر تنش مبارزه افکند. ابتدا نامه ی
اعتراض آمیز کانون نویسندگان را امضا کرد سپس در
شبهای شعر کانون نویسندگان در برابر جمعیت فریاد
پرسید که زندانی سیاسی آزاد باید گردد. و آنگاه با
شعرهایش از انقلاب نزدیک سخن گفت و از اتحاد
طبقاتی کارگران حزب ازسپیدان و ازسازمان. رفیق
سعید پس از چندی برای درمان راهی اروپا شد.
سیزده ماه در شهرهای عدیده ی اروپا با میثاقهای
پر شور و کفرانهای سلطواری و صاحبهای تلویزیون
بهافتای رژیم و گزارش جنیش پرشکوه خلق و نقش سازمان
چریکهای فدایی خلق در اجتماع پرداخت.

زندگی سراسر شور و مبارزه رفیق با بازگشت به ایران
پیش از پیش در خدمت جنبش انقلابی قرار گرفت. سعید
پس از قیام تأثیر مستند "مبارزات کارگران ایران ناسیونال"
و "مرگ بر امپریالیسم" را بر روی صحنه آورد. در این
نمایشها رفیق سعید هنر نمایش را چنان با مبارزه
طبقاتی در آمیخت که مانند آن در تاریخ تأثیر ایران
سابقه نداشته است.

در سراسر زندگی انقلابی خود، رفیق سعید روحی دلیر
و رزمنده در تکیه های مدام بود. او که جز به آگاهانیدن
توده ها، جز به پیروزی انقلاب توده ها نمی اندیشید و
هرگز با سازش طلبی و کرنش در برابر ارباب قدرت و

خیانت به توده ها روی آشتی نشان نمی داد. در پرتو
عشق به توده ها و ایمان به خورشید انقلاب توده ها
بود که از هنگام بروز نخستین آثار سازش طلبی و خیانت-
پیشگی اکثریت در برابر مشی و سیاست آنان ایستاد و
با تمام توان و رزمندگی خود برای رسوا کردن آن گرویده
رفیق سعید چون دریا پر شور و خستگی ناپذیر بود
و در جبهه ای به گسترش انقلاب خلق با دشمنان آشکار
و نهان انقلاب مبارزه میکرد. سلاح اصلی او در این
نیرو هنر و اندیشه اش بود. شعرش گرم و گیر آفرینای
از عشق و انقلاب بود. مانند زندگی اش.

رفیق سعید به عنوان نویسنده شاعر و کارگردان عضو
کانون نویسندگان ایران بود. و به خاطر ارزش کار
هنری و آزادیخواهی انسانی اش در سال ۱۳۵۹ به

عضویت هیات دبیران کانون نویسندگان برگزیده شد
و در سال ۶۰ نیز با آنکه در بازداشت دولتیان
رژیم جمهوری اسلامی بود باز دیگر به سمت قبلی
انتخاب شد.

رفیق سعید دلیر و رزمنده بود زیرا که از تبار
خلق برخاسته بود. او با آن که از درشتی،
جنتیگری و سفاکت رژیم آگاه بود اعتقاد داشت که
با فعالیتهای لطیفی بهتر میتواند در خدمت سازمان
چریکهای فدایی خلق و انقلاب قرار گیرد. او با
پشتوانی ایمان به توده ها به استقبال خطر ها
می رفت و از همین رو تا لحظه بازداشت در جشن
عروسی خود که به عروسی خون بدل شد زندگی
عطفی داشت.

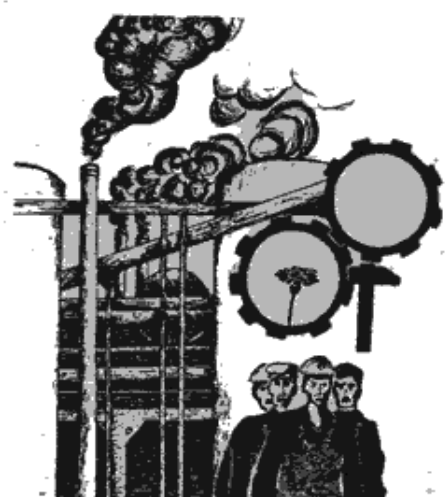
آخرین روز بهار روز ریختن عطر خون سعید
بر خاک وطن بود. خون سعید با خون فدائیان و
رزمندگان دیگر خلق با خون رزمه با خون بهرنگ
و با خون خسرو که برق و لوزه بر ارکان خسروان
بود و با خون تویاج در هم آمیخت و آماج
سینه ی دشمن گشت.

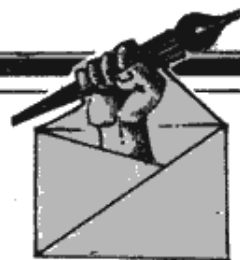
دلیری سعید، عشق انقلابی و شاعرانه ی او به
توده ها شعاعی در راه انقلاب و آزادی است. خون
سعید چون آوازه های بندش انگیزی رزم آوری نیرو-
هایی است که استوارتر و توفنده تر از پیش در
راه روشن فردا گام می زنند.

رفیق سعید در سنگر سرخ سازمان چریکهای
فدایی خلق ایران رزمند، پر شور و تزلزل ناپذیر بود
که با عشق عمیق به طبقاتی کارگر و همی زحمتکشان
بطور خستگی ناپذیر و بی کمر برای آگاهی و بسیج توده ها
در جهت پیروزی نهایی تا جان فکند. امروز خون
سعید چون پلکی در دست کارگر و چون داسی در
دست پرور و چون شعلی در دست روشنفکران
جامعداست.

نامش جاودان و روشن باید ارباب!

کلمات داخل گیومه نام کتابهای رفیق سعید است





از خوانندگان

● رفیق مهدی، پاریس - نامه بسیار صمیمانه شما رفیق کارگر را دریافت داشتیم ضمن توجه کامل به مطالب و تأخیر بسیاری از نظریات شما و انتقال نکات مورد نظرشان به رفقای دیگر، درج رسمی و علنی جنبش مطالبی را درباره نویسنده‌گان مورد بحث شما در نشریه جهان در حال حاضر صحیح نمیدانیم. از برخورد مسئولانه شما در این زمینه و ارسال نامه با ارزششان، قدردانی میکنیم.

● رفیق محمود از فلوریدا - نامه و چک ارسالی شما رسید.

● رفیق فرید - ایتالیا - یادداشت و آدرس شما رسید.

● رفیق مهران، تروی - نامه و نکات انتقادی شما همراه با ترجمه و شعر رسید. ضمن تشکر بسیار از دقت و همکاریتان، مطلب ترجمه شده را در اختیار "کمیته دفاع از حقوق دمکراتیک زنان" و "کمیته ترجمه" سازمان آمریکا میگذاریم و در فرصت مناسب مورد استفاده "جهان" نیز قرار خواهد گرفت.

● رفیق لک از لیل، فرانسه - ۳ قطعه شعر خوب از شما رسید. به تدریج از آنها استفاده خواهد شد.

● رفیق علی، جنوا - شعر شما رسید. در فرصت مناسب از آن استفاده خواهد شد.

● رفقای هسته کپل - نامه شما رسید. استدلالهای شما قانع کننده نمیشد. آیا بهتر نبود نمونه‌ای از مطالب مورد نظرشان را برای ما ارسال میکردید؟

● رفیق جواد، نیویورک - عکس‌ها، کتب و نامه ارسالی شما رسید. ضمن قدردانی و تشکر از همکاری‌هایتان، انتقاد بجا و به موقع شما را می‌پذیریم.

● رفیق بهروز ب، هند - دو قطعه شعر شما رسید. بسیار متشکریم.

● "گروه آزادخواهان پیشرو" - کتب و جوات شما رسید. بسیار متشکریم. ما را باز هم در جریان کارهایتان بگذارید.

● دکتر محمد ج. - یونان: نامه شما رسید. اقدام مقتضی به عمل خواهد آمد.

● رفیق م. ا. بیکر - مقاله و اشعار شما رسید. ضمن تشکر از توجهات و قدردانی و استقبال از تلاش‌ها و نوشته‌های ارزنده‌تان، به موقع از مطالب شما در "جهان" استفاده خواهد شد و در یک تماس کتبی اطلاعات لازم در دسترس‌را در اختیارتان خواهیم گذاشت.

● رفقای لندن - برپه‌های روزنامه و ترجمه‌های هم‌راة آن مرتب به دستمان میرسد. ضمن قدردانی از زحمات شما، ارسال اخبار تفسیرها و نوشته‌های اقتصادی - سیاسی مربوط به اوضاع ایران مندرج در روزنامه - های مختلف، بسیار مفید خواهد بود.

● رفیق سیامک، اُهایو - طرح‌های ارسالی شما رسید. بسیار متشکریم.

● "جامعه معلمان ایران" - اعلامیه شما رسید. ضمن تشکر با و هم‌راة در جریان فعالیت‌های شما بگذارید.

● رفیق منصوره از آلمان - نامه شما رسید. اطلاع از وجود تشکل مترقی زنان در آلمان باعث خوشحالی است. نامه شما را در اختیار رفقای "کمیته دفاع از حقوق دمکراتیک زنان" سازمان آمریکا گذاشتیم و آنها با شما تماس خواهند گرفت. برای اشتراک مطلب "جهان" نیز بهتر است از طریق آدرس مربوط به بخش "جهان" در آلمان که در همین شماره ذکر شده است، اقدام نماید تا سریع‌تر و ارزاتر باشد. برای تشکل شما و فعالیت‌های مبارزاتی زنان موفقیت‌هرچه بیشتر را آرزو میکنیم.

● انجمن دانشجویان مونت‌رال - کانادا: رفقا عکس‌ها و گزارش‌آکسیون موفقیت‌آمیز شما رسید. سعی کنیم عکس‌های سیاه و سفید بفرستید و نه رنگی. با تشکر از همکاری‌های مداوم شما.

● رفیق مقیم وین - اطریش - دو نامه، اعلامیه روز کارگر و عکس‌های شما رسید. با درود فراوان و آرزوی موفقیت‌های هم‌بیشتر در فعالیت‌های رزمنده شما، متذکر میشویم که برای "جهان" چاپ عکس‌های سیاه و سفید مناسب‌تر از عکس‌های رنگی است.

● ر. ن. استانبول - ترکیه: رفیق از آنجا که سؤالات شما احتیاج به بحث و جواب مفصل دارد بتدریج به آنها خواهیم پرداخت.

● رفیق م. بیدار - انگلستان - شعرهای صمیمانه و پر احساس شما رسید. در فرصت مناسب از آنها استفاده خواهد شد.

● رفیق مهدی - فرانسه: انتقاد شما هم در مورد تقویم و هم در مورد نام شهدا کاملاً وارد است. ما نامه شما را به مسئولین مربوطه خواهیم داد که در آینده از رهنمودهای شما استفاده کنند. در مورد نام شهدا نیز ما سقیم که نمیتوانیم از تمام شهدای سازمان و دیگر نیروهای جنبش در "جهان" نام برده‌ایم را گرامی داریم. شما خود میدانید که شهدایان از شما رسی‌شانند! تلاش ما این است که به‌طور سبیلک و طی یادداشت کوتاهی از زندگی‌های آنها، سیمایی از کل شهدای خلق در "جهان" ترسیم نمائیم. شک نیست که در این رابطه کوتاهی‌هایی نیز رخ میدهد. اگر چه در بسیاری موارد اطلاعات لازم در مورد بعضی از شهدا در دسترس نیست.

● رفقای هوادار، بروکسل - بلژیک: نامه شما رسید. اقدامات لازم را انجام خواهیم داد.

● توصیه ما اینست که ترجمه و یا تلخیصی از تفسیرها و اخبار مربوط به ایران مندرج در مطبوعات کشور محل اقامت خود را برای استفاده در "جهان" برای ما تهیه و ارسال دارید. با تشکر از همکاری‌هایتان

● رفقای بشتن: گزارش جالب شما رسید.

● موفقیت‌های بیشتر شما را آرزو مندیم.

● محمد، انتاریو - کانادا: جواب سؤالات شما را همان‌طور که خواسته‌اید از طریق نامه‌ای برایتان خواهیم فرستاد.

● رفقای فدراسیون ترکیه و رفیق بهزاد، طرح و شعر شما رسیده که در همین شماره از آنها استفاده شده است. ضمن تشکر و قدردانی خواهان ادامه همکاری شما هستیم.

● فردشت - ا. لا قایت: یادداشت شما رسید. اقدام مقتضی به عمل خواهد آمد.

● دوست عزیز منافر - هند: نامه شما و مطالب آن نمایانگر نیازت پاک و خواسته‌ها و بینش مردمی شماست. ما هم مثل شما خواهان وحدت در صفوف خلق و نیروهای انقلابی و مترقی هستیم لیکن تحقق این خواسته را بیش از آنکه تمایلات ما تعیین کند شرایط مادی، اجتماعی و سیاسی جامعه و جنبش ایجاب خواهد کرد. ضمن تشکر در شما راه‌آینده از جدول‌های ارسالی شما استفاده کرده خواهان تداوم همکاری‌های شما هستیم.

● حسن - ع. هانتسویل: دوست عزیز نامه و چک شما رسید. ضمن تشکر اقدام لازم صورت میگیرد.

● اکبر، حیدرآباد - هند: رفیق اکبر از نامه محبت‌آمیز و تشویقی‌ها و انتقاد بجا شما تشکر میکنیم. علاوه بر شعرهای خوبی که فرستاده‌اید از نوشته‌های دیگر در زمینه نقد فیلم و غیره نیز استقبال میکنیم. در مورد شهید جلال و شعر مربوطه در شما راه‌های دیگر سخن خواهد رفت.

تظاهرات کارگری در شیلی

آسوشیت پریس گزارش داد روز پنجشنبه ۱۲ می، تظاهرات وسیعی به دعوت اتحادیه های کارگری شیلی با شرکت هزاران نفر کارگر و سایر اقشار جامعه، در سراسر شیلی انجام گرفت. تظاهرات مزبور، به دنبال فشار تورم و بیکاری حاکم بر شیلی و در اعتراض به حکومت نظامی پینوشه برگزار گردید. این تظاهرات توسط اتحادیه کارگران معادن شامل ۲۲ هزار کارگر و چند اتحادیه کارگری دیگر فرا خوانده شده بود. قبل از شروع تظاهرات، اتحادیه کارگران معادن مس یک روز اعتصاب عمومی سراسری فرا خواندند، ولی بعد از محاصره معادن توسط زره پوش و تانک های ارتش اعتصاب را به تظاهرات سراسری تبدیل نمودند. این تظاهرات بعد از ۹ سال به روی کار آمدن حکومت نظامی ژنرال پینوشه با موفقیت انجام یافت. در تظاهرات مزبور توده های کارگر، کارمند، دانشجو و دانش آموز و زنان خانه دار شرکت نمودند. مردم شیلی در همبستگی با تظاهرات با استفاده از تاکتیک های مختلف مانند نفرستادن فرزندان خود به مدارس، ترفتن به خرید روزانه، به مدار آوردن بوق های اتومبیل در مناطق اعیان نشین و بالاخره تظاهرات وسیع خیابانی در این حرکت اعتراضی شرکت نمودند. نیروهای نظامی با رگبار مسلسل به تظاهرات مزبور حمله کرده و حداقل ۲ تن را کشته و ۲۰۰ نفر را زخمی نمودند. رهبری اتحادیه های کارگری اعلام نمود که حداقل ۷۰ درصد از جمعیت ۱۱ میلیونی شیلی خواهان پایان حکومت نظامی میباشد (شرایط کنونی - ۲۰ درصد بیکاری و ۳۰ درصد تورم - نمایانگر وضعیت بحرانی حاکم بر شیلی است)

تظاهرات در شیلی

به دنبال تظاهرات سراسری در شیلی که چهارشنبه گذشته از طرف اتحادیه های کارگری این کشور فرا خوانده شده، شنبه ۱۴ می، هزاران نفر از مردم سانتیاگو، پایتخت شیلی، در مراسم تشییع جنازه دو تن از کشته شدگان این تظاهرات به دست پلیس، شرکت نمودند. همپور بمبی قوی در مرکز پلیس واقع در ۷۰ مایلی سانتیاگو منفجر گردید.



بعد از تاج - قریب ۱۰۰۰ نفر در استادیوم معروف، فوتبال سان سباستیان، برای تظاهرات گردیدند.

دستگیری به دنبال تظاهرات

به دنبال تظاهرات سراسری در شیلی که به طلبه حکومت نظامی پینوشه در چهارشنبه هفته پیش توسط اتحادیه کارگران معادن مس شیلی فرا خوانده شد، رادیو بی بی سی سه شنبه ۱۷ می در این رابطه اعلام داشت: ده نفر از رهبران اتحادیه های کارگری شیلی دستگیر و تحت محاکمه قرار گرفته اند. همچنین دوشنبه ۱۶ می هزاران نفر از مردم شیلی به جرم شرکت در این تظاهرات دستگیر و هم اکنون در استادیوم فوتبال سانتیاگو و سایر زندانها بسر میبرند. سن افراد دستگیر شده از ۱۴ سال به بالا بوده و ساعت ۵ صبح ۱۶ می دستگیری از محلات کارگری سن سانتیاگو و سایر مناطق شروع گردید.



کارد دولتی شیلی با وکلادانشجویان حقوق در محوطه دادگاه، سانتیاگو، شیلی گلاویز میشوند.



Receiving instructions: guerrilla leader lectures his troops in the province of Usulután

یکی از فرماندهان چریکهای السالوادور برای نیروهای خود در ایالت اوسولوتان سخنرانی آموزشی ایراد میکند

جنبش چریکی کلمبیا

یونا بتدپرس گزارش داد: چهارشنبه ۱۱ می جنبش چریکی ۱۹-۸۰ به یک پاسگاه پلیس واقع در جنوب غربی کلمبیا حمله و ۴ تن از افراد پلیس را به قتل رساندند. -
سختگوی نظامی کلمبیا اعلام داشت بعد از ۸ ماه گروه ۱۹-۸۰ حملات خود را به مقرهای پلیس و ارتش شروع نموده اند و از سه هفته گذشته حملات خود را با بازوکا به پاسگاه های پلیس آغاز کرده اند. سختگوی مزبور اعلام داشت از روز دوشنبه ۹ می، ۶۷ نفر پرسنل پلیس و ارتش در حملات گروه مزبور کشته شده اند. وی تعداد تلفات چریکها را ۲۷ اعلام نمود.

تجارت حلال

پیتر گراهام، دبیر دوم سفارت آمریکا در افغانستان، به جرم فروش تشریفات مبتذل و کسبی توسط دولت افغانستان از این کشور اخراج گردید. به دنبال این عمل دولت آمریکا دیپلماتهای افغانستان را از آمریکا اخراج کرد. دولت افغانستان اعلام نمود گراهام با درآمد از فروش تشریفات مزبور، فرقی خریداری نمیکرد است

خروج دیپلماتهای شوروی

دوشنبه ششم می ۷۸ تن از اعضای خانواده دیپلماتهای شوروی در لبنان بنابه دستور الکساندر سولداتو، سفیر شوروی در لبنان، از این کشور خارج گردیدند. -
سولداتو دلیل خروج افراد مزبور را استفاده از تعطیلات تابستانی عنوان نمود. قایل شویح است در سه سال گذشته این سومیان بار است که خانواده دیپلماتهای شوروی از لبنان خارج گردیده اند. بار اول در ۵ آوریل ۸۱ به دنبال برخوردهای نظامی سوریه با اسرائیل در منطقه زاهل و بار دوم، در ژوئن ۸۲ به دنبال تجاوز اسرائیل به لبنان بود. خبرگزاری تاس اعلام نمود: طرح خروج نیرو از لبنان توسط شولتز، وزیر خارجه آمریکا، به معنای تبدیل لبنان به سرزمین اسرائیل و آمریکا است.

حمله

رادپو ونسروس مدای جبهه فارابوندو مارشی اعلام داشت: "چریکهای انقلابی در صدد حمله گمترده ای به شرق ایالت اوسولوتان هستند. قابل ذکر است ایالت اوسولوتان مرکز کشت قهوه و حبشه السالوادور است. این منطقه نقش تعیین کننده ای در وارد آوردن ضربه اقتصادی به حاکمیت السالوادور دارد. در این میان ریگان ۱۱ میلیون دلار کمک دیگر، تحت عنوان بازسازی پل ها و جاده های منهدم شده توسط چریکها، به دولت السالوا دور نمود. این مبلغ علاوه بر ۲۲۶ میلیون دلار کجکی است که کابینه ریگان در سال جاری برای دولت السالوادور تعیین نموده است.

ناز شست

کمیته مقدماتی سنای آمریکا در تاریخ دهم می، درخواست ریگان را در مورد ۲۵ میلیون دلار کمک نظامی دیگر به السالوا دور، مورد تأیید قرار داد. علاوه بر این کمیته مذکور ۲۵ میلیون دلار کمک نظامی به رژیم هندوراس را نیز تصویب نمود.

یونا

آشویتدپرس گزارش داد یکشنبه ۱۵ می هزاران نفر در یونا بر علیه سلاحهای اتمی دسته تظاهرات زده و خواهان برچیدن پایگاههای آمریکا در این کشور شدند.

آزادسازی شهر

جمعه ۲۸ آوریل چریکهای السالوادور، شهر کشاورزی و ۲۵ هزار نفری سنت لویس را بدون درگیری و غافلگیر نمودن نیروهای نظامی السالوادور به تصرف خود درآوردند و پل استراتژیک این شهر را جهت فلج شدن نیروهای دولتی و جلوگیری از حمله آنان منفجر و منهدم نمودند. نیروهای جبهه فارابوندو مارشی بعد از ۱۲ ساعت تسخیر شهر و تبلیغ در میان مردم، شهر را ترک نمودند. انجام این تاکتیک خود نمایانگر قدرت چریکهای السالوادور و عجز نیروهای نظامی این کشور در مقابله با چریکها است عجزی که فرمانده کل قوای السالوادور به آن اعتراف نموده و اعلام داشته است که اگر چریکها قوی اند و میخواهند اثبات کنند باید دست از تاکتیکهای چریکی برداشته و بطور روباروی با ما وارد جنگ شوند.

آزادسازی شهر

آشویتدپرس گزارش داد شهر سین کوئرا واقع در ۲۲ مایلی شمال شرقی پایتخت السالوادور توسط چریکها تسخیر گردید. رادپو ونسروس در این رابطه گزارش داد که بیش از ۶۰ تن از نیروهای دولتی در عملیات تسخیر شهر معدوم گردیده اند. شهر مزبور در اواخر سال ۸۱ به مدت چند ماه در کنترل چریکهای انقلابی بود.

نیکاراگوئه



فلسطین

راه حل

آشویتدپرس گزارش داد پاسر عرفات در سخنرانی خود اعلام داشت: "یک جنگ حقیقی تنها راه تعیین مرزهای جدید سیاسی در خاورمیانه است". خبرگزاری مذکور عنوان نمود این اعلام موضع در زمانی از جانب عرفات اتخاذ شده که پیشا به گفته چند تن از مقامات رسمی سازمان الفتح، برخی از یگانهای چریکی این سازمان که در شرق لبنان واقع در منطقه بکا مستقر هستند از دستورات پاسر عرفات بعنوان اینکه وی خواهان مذاکره با اردن و آمریکا هسته سربلجی نموده اند.

اعتراض نیکاراگوئه

دولت نیکاراگوئه در پی حملات جدید به این کشور که از دوشنبه نهم می آغاز گردید، شدیداً به آمریکا حمله نمود و خواستار تشکیل کمیسیون سازمان امنیت شد. در این رابطه دبیر سازمان امنیت جلسه مزبور را تا بعد از تشکیل جلسه نمایندگان پاناما، کلمبیا، مکزیک و ونزوئلا به تعویق افکند.

اشغال سفارت آلمان

یونایتدپرس گزارش داد دوشنبه دوم می حدود ۲۵ آلمانی مقیم نیکاراگوئه، سفارت آلمان در ماناگوا را به تصرف خود درآوردند. این تصرف به دنبال کشته شدن یک پوچک آلمانی به همراه ۱۲ تن نیکاراگوئه ای به دست نیروهای ضد انقلاب در منطقه مرزی نیکاراگوئه و هندوراس انجام گرفت. تصرف کنندگان سفارت، خود را آلمانیهای انترناسیونالیست معرفی نمودند که به طور داوطلبانه در نیکاراگوئه به خدمات پزشکی و اجتماعی مشغولند و بزرگ مزبور از اعضای این گروه بوده است. گروه نامبرده در اطلاعیه خود خواستار قطع شجارت آمریکا علیه نیکاراگوئه و السالوادور شده و خواستار محکوم نمودن جنایات وحشیانه آمریکا در هندوراس توسط دولت آلمان شد ولی سخنگوی سفارت آلمان خواسته های گروه مزبور را رد نمود.

حمله ضدانقلابیون به خاک نیکاراگوئه

سه شنبه سوم می دولت نیکاراگوئه اعلام داشت نیروهای ضدانقلابی که بالغ بر ۱۵۰۰ تن هستند همراه با ارتش هندوراس از نوآر مرزی این کشور در ناحیه شمال وارد خاک نیکاراگوئه شده اند و در حال حاضر شدیدترین زدو خورد بین نیروهای نیکاراگوئه و متجاوزین در منطقه شمالی این کشور

حالا نوبت سوریه است

به دنبال سفر چرخ حبش به خاورمیانه و طرح آمریکا در رابطه با خروج سوریه از لبنان و تأکید این طرح از طرف اسرائیل، عربستان و دولت فالانژیست لبنان، موشه لوی فرمانده کل نیروهای نظامی اسرائیل بعد از بازدید از استحکامات نظامی اسرائیل در لبنان و مناطق مرزی این دولت با سوریه اعلام داشت: "به دلیل مخالفت دمشق با طرح خروج شیرو از لبنان، احتمال شدید شروع جنگ با سوریه در تمام جبهه ها وجود دارد". یووال نی من، وزیر علوم اسرائیل و رهبر جناح راست کابینه بکین، پیشنهاد اولتیماتوم یک هفته ای دولت اسرائیل به سوریه و در صورت عدم قبول سوریه، شروع جنگ را داد. در این رابطه موشه ارین، وزیر دفاع اسرائیل گفت: "ما حاضریم به سوریه وقت شخصی دهیم تا نظر خود را تغییر دهد."

ریگان ونیشکر

به دنبال فشار نظامی بر دولت انقلابی نیکاراگوئه توسط آمریکا، دوشنبه نهم می ریگان دستور کاهش خرید نیشکر از نیکاراگوئه را داد. آمریکا سالانه بالغ بر ۵۸ هزار تن نیشکر از نیکاراگوئه خریداری مینمود ولی ریگان این مقدار را به ۶ هزار تن کاهش داد. ریگان در این مورد گفت: این حرکت جهت فشار بر دولت نیکاراگوئه است و بجای خرید نیشکر از این کشور، از السالوادور و کستاریکا، نیشکر تهیه خواهیم نمود.

آهانگر

انگلستان
AHANGAR
C/O BOOKMARKS,
265 SEVEN SISTERS ROAD
LONDON N4 ENGLAND

آمریکا
AHANGAR
2265 WESTWOOD BLVD #256
L.A. CA. 90064 USA

بهای اشتراک

آمریکا، ۱۰ شماره ۱۰ دلار

انگلستان، ۱۳ شماره ۵ پوند

Nabbed diplomat to yet record statement

Iranian diplomat held with country band

کاردار رژیم

جمهوری اسلامی

درهند دستگیر شد

بنا به گزارش ایندین اکسپرس (Indian Express)، در تاریخ ۹ آوریل ۱۹۸۲ یک دیپلمات برجسته ایرانی به جرم حمل اجناس قاچاق در فرودگاه دهلی (هند) دستگیر شد. بعد از ماجرای افتضاح قاچاق شریاک توسط نماینده خمینی در آلمان یعنی صادق طباطبائی، که به یمن روابط حسنه موجود بین امپریالیسم آلمان و رژیم جمهوری اسلامی و به اعتبار پول های کلانی که رژیم خمینی بابت اسلحه و غیره به دولت آلمان میپردازد آزاد و به ایران بازگشت تا به مبارزه "فدامپریالیستی" خود ادامه دهد. این بار چمدانهای کاردار اقتصادی سفارت رژیم خمینی در هند به نام محمد مشارعی به دلیل قاچاق دستگاه ویدئو و مشروبات الکلی ضبط میشود. بنا به گزارش روزنامه ایندین اکسپرس Indian Express، مشارعی و همسرش همراه سه چمدان بسیار سنگین از توکیو وارد فرودگاه دهلی نو میشوند که مورد ظن مأمورین گمرک فرودگاه قرار میگیرند. مشارعی در جواب سؤال مأمورین گمرک در مورد محتوای چمدانها اظهار میدارد که آنها پر از کتاب است. مأمورین گمرک در رابطه بانوع کتاب میپرسد که مشارعی پاسخ میدهد او دیپلمات است و آنها حق ندارند چمدانهای او را بازرسی کنند. ولی از آنجائیکه پاسپورت مشارعی نشان میداد که در عرض ۳ ماه گذشته ۴۵ بار به توکیو و هنگ کنگ سفر کرده است مأمورین شدیداً به محتوای چمدانها و دلیل سفرهای وی مشکوک میشوند. مشارعی برای فریب مأمورین اعتراف میکند که در چمدانها دو دستگاه ویدئو دارد و حاضر است مالیات آنها را بپردازد. وی سعی کرد

دین ترتیب سرونه صیبه را هم ببرد. ما مأمورین فرودگاه بیشتر متوجه جدیت قضیه میشوند و چمدانها را ضبط میکنند. ۳ روز بعد در حضور مقامات بلند پایه سفارتخانه خمینی، وزارت امور خارجه و اداره تشریفات سیاسی هند، چمدانها مورد بازرسی قرار میگیرد. از داخل چمدانهای کاردار سفارت خمینی مقدار ۹ دستگاه ویدئو تعداد زیادی بطری مشروبات الکلی گران قیمت، تعدادی ضبط صوت و وسائل الکترونیکی و تعدادی ساعت بدست میآید. به دنبال تحقیقات لازمه مقامات هندی اظهار داشتند که محمد مشارعی عضو باندی است که وی در آن وظیفه حمل اشیا قاچاق را برعهده دارد. به همین دلیل تنها ظرف ۳ ماه او ۴۵ بار به توکیو و هنگ کنگ سفر کرده است. شاید به دلیل همین کارهای "تجاری" است که پشت "کاردار اقتصادی" به او داده شده است. به احتمال زیاد سفارتخانه رژیم در توکیو و... نیز مأمور خرید اجناس هستند، دیگر نهادهای "انقلابی" رژیم هم مشغول فروش آنها! جالب توجه اینکه سفارت رژیم خمینی در هند برای اینکه گند قضیه در نیاید قبل از بازرسی چمدانها، محمد مشارعی را به ایران فرستادند! بنابراین روشن میشود که آقای کاردار سفارت درآمدها را تنها بالا نمی کشیده است و یا حتی مسئله در حد سفیر خمینی نیز ختم نمی شود چرا که اگر مقامات بالادستی در ایران حامی آنها نبودند، محمد مشارعی بجای فرار به ایران حداقل برای گریز از مجازات به یک کشور دیگر پناهنده میشد! البته امروز اینگونه مسائل در ایران جزو مسائل بسیار عادی است. رژیم طرفدار تجار محترم با حیل های شرعی هرگونه قاچاق را بسادگی "تجارت حلال" جا میزند. تنها نگاهی گذرا به روزنامه های خود رژیم نشان میدهد که چگونه به دنبال اختلافات جناح های مختلف مقامات بالای وزارتخانه و وکلای مجلس اسلامی به جرم رشوه گیری، دزدی، قاچاق کالا و... یکدیگر را لو میدهند. مثلاً در اواخر فروردین ماه علی اکبر پور استاد نماینده مجلس اسلامی به جرم دزدی مورد مشاجره جناحین رژیم قرار گرفت که شرح کوتاهی از آن در همین شماره جهان آمده است.

دولت های ایران و آمریکا یکدیگر را بیشتر درک میکنند

نیویورک
در تاریخ ۲ مه برنامه ای تحت عنوان "مذهب و انقلاب"، "انقلاب ایران و منطقه" از طرف کالج بروکلین و با همکاری بنیاد فورد (Ford Foundation) و Continental Illinois National Bank گردید که سخنرانانی چون ویلیام سولیان سفیر سابق آمریکا در ایران، هارولد ساندروز معاون وزیر دفاع در شرق نزدیک و جنوب شرقی آسیا، ویلیام کواندت (Quandt) عضو اسبق شورای امنیت ملی، بری رابینسون عضو مرکز مطالعات استراتژی بین المللی، نشودور الیوت سفیر سابق آمریکا در افغانستان و مشول ایران در وزارت دفاع، گاری سیک رئیس سابق شورای امنیت ملی آمریکا - بخش ایران در زمان کارتر و محقق کتاب سیاست آمریکا در زمان انقلاب و ماجرای گروگان گیری سعید رجائی خراسانی نماینده رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در سازمان ملل و چندین سخنران دیگر که عمدتاً از ایدئولوگ های امپریالیسم آمریکا در زمینه سیاست خارجی محسوب میگردند، شرکت چست بودند. سخنرانان مختلف در این برنامه کلا سعی داشتند که دولت آمریکا را راهنمایی نموده تا سیاستهای اصولی تری را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی پیشه نماید و از "اشتباهات" خود در گذشته "درس" گرفته و به حمایت بیشتری از رژیم کنونی در ایران بپردازد. چرا که "حمایت توده ای" و همچنین ثباتی که امروزه جمهوری اسلامی از آن برخوردار است ایجاب میکند که دولت آمریکا حمایتهای بیش از آنچه امروزه از جمهوری اسلامی بعمل میآورد را در پیش گیرد. برنامه فوق عمدتاً سعی داشت رژیم جمهوری اسلامی را به عنوان یک قدرت در منطقه که بایستی مورد حمایت بیش از پیش امپریالیستها قرار گیرد معرفی نماید. بعلاوه توجه بیشتر به رژیم ایران توسط محافل مختلف سرمایه داری را در نظر داشت. به هنگام سخنرانی خراسانی مزدور رژیم جمهوری اسلامی در کنار مهره های امپریالیسم دانشجویان مترقی بویژه هواداران سازمان چریک های فدایی خلق ایران بعنوان اعتراض و در افشای ماهیت ارتجاعی جمهوری اسلامی مانع صحبت های وی گشته و به ایراد سخن در بقیه در صفحه ۲۲

نماز میت بر جسد حزب توده

بقیه از صفحه ۴

اشاره کردیم که رژیم برای تثبیت خود می‌بایست به وجه سرکوب، انسجام درونی و رفورم اقتصادی و سیاسی (که موفقیتش مدیون ارتباط و همراهی آنها با هم است) دست بزند. بنا براین بخش دیگر و البته مهم تر حرکت سرکوب گرایانه، پاسخ به "بحران اقتصادی" یعنی اقناع و جلب سرمایه داران داخل و خارج برای به حرکت درآوردن چرخ زنگ زده تولید، این رکن اساسی و کلیدی موجودیت رژیم بوده است. پس از سرکوبهای همه جانبه انقلابیون، رژیم در واقع تلاش نمود که زمینه‌های رفورم سیاسی و اقتصادی را با فرمان ۸ ماده‌ای و ۶ ماده‌ای خمینی فراهم سازد و فضای مناسب را برای پذیرائی از سرمایه داران فراری و ناخشنود و جلب سرمایه داران مردود برای سرمایه گذاری در - بخش‌های تولیدی، مهیا نماید. دستگیری، انحلال، سرکوب و به خفت کشاندن سران حزب توده آنهم با هیاهوی بسیار، در واقع جزئی از این تلاش رژیم بوده است که از یک طرف به طور سمبلیک به جهان سرمایه داری نشان دهد که نگرانی‌ها و بدبینی‌هایشان بی مورد است و از طرف دیگر با تبلیغاتی که غرب به غلط در مورد اهمیت، نفوذ و قدرت حزب توده کرده بود، قدرت ماضی - سرکوب و کارکرد سیستم پلیسی خود را به نمایش بگذارد و در یک کلام به امپریالیست‌ها اعلام نماید که از شعارها و تبلیغات "خط امام" و عناصر "رادیکال" نگران نباشید که جز تخدیر افکار عقب مانده جامعه نقش و توانایی دیگری ندارند، قدرت اصلی در دست ما، برنامه ریزان "واقع بین" و هوشیاری است که تلاش داریم موی دماغ‌ها و مزاحمت‌های مسیر بازسازی سرمایه داری را یکی بعد از دیگری از سر راه برداریم و حال که نیروهای انقلابی را بطور نسبی سرکوب کرده‌ایم دیگر احتیاجی به مشاهده گرانی چون "توده‌ای‌ها" نداریم و برای اینکه خیال شما (سرمایه داران) کاملاً راحت شود آنها را هم با همه بی خطری شان سرکوب و داغان میکنیم. و باز برای اینکه مطمئن تر شوید اعلام میکنیم که "انحلال حزب توده موفقیتی است که حتی از موفقیت لانه جاسوسی آمریکا چشمگیرتر و برجسته‌تر و ارزنده‌تر است." (از قول آیت الله جنتی، عضو شورای نگهبان

امام جمعه موقت قم و از رهبران سرکوب خونین دانشگاه اهواز در اردیبهشت ۵۹) و پایه قول آیت الله شیرازی "نابودی این حزب معضن و پلید ترا بعنوان انقلابی دیگر و پیروزی این ملت مسلمان به حساب آوریم که بسیار غایسته و بجاست" و به جهت اینکه برای "انقلابی دیگر" در خدمت سرمایه داران شکی باقی نماند بلافاصله ۱۸ تن از دیپلمات‌های شوروی از ایران اخراج میگردد، یک یک رهبران رژیم، چه آن‌ها که به خط حجتی - معروفند و چه آن‌ها که به خط امام، جداگانه و مستقل بر حرکت انجام شده صحه گذارده‌اند و قبل از همه امام جلادان و مرتجعان "به دام انداختن سران خیانتکار حزب توده را موجب سرافرازی امت اسلامی" قلمداد میکند (کبکان، ۱۵ اردیبهشت). اگرچه این اقدامات رژیم

تهران، لمیده بودند و کسی را با آنها کاری نبود. آنها بیش از آنچه رژیم انتظار داشت، انجام دادند. آنان برای حفظ دفتر و دستک خود در جاسوسی و لو دادن انقلابیون نیز کوتاهی نکردند. زمانیکه مگهای هارپاسدار به شکار انقلابیون مشغول بودند، اینسان با معرفی مسئولین و کادرهای اصلی خود به مقامات رژیم هرگونه شبهه‌ای از جانب رژیم را نسبت به خود زدودند. در یک کلام تشکیلات این حزب معامله و خیانت مدتها بود که در دست در اختیار رژیم قرار داشت حال این چگونه است که رژیم به دنبال دستگیری آنها اینچنین کرکری میخواند؟ پاسخ روشن است. میخواند حتی از جسد حزب توده نیز به نفع خود سود برد و خود را قدر قدرت بنمایاند. اما در وزای آنچه گفته شد، گفتنی است

دستگیری، انحلال، سرکوب و به خفت کشاندن سران حزب توده آنهم با هیاهوی بسیار، در واقع جزئی از این تلاش رژیم بوده است که از یک طرف به طور سمبلیک به جهان سرمایه داری نشان دهد که نگرانی‌ها و بدبینی‌هایشان بی مورد است و از طرف دیگر با تبلیغاتی که غرب به غلط در مورد اهمیت، نفوذ و قدرت حزب توده کرده بود، قدرت ماضی - سرکوب و کارکرد سیستم پلیسی خود را به نمایش بگذارد و در یک کلام به امپریالیست‌ها اعلام نماید که از شعارها و تبلیغات "خط امام" و عناصر "رادیکال" نگران نباشید که جز تخدیر افکار عقب مانده جامعه نقش و توانایی دیگری ندارند، قدرت اصلی در دست ما، برنامه ریزان "واقع بین" و هوشیاری است که تلاش داریم موی دماغ‌ها و مزاحمت‌های مسیر بازسازی سرمایه داری را یکی بعد از دیگری از سر راه برداریم و حال که نیروهای انقلابی را بطور نسبی سرکوب کرده‌ایم دیگر احتیاجی به مشاهده گرانی چون "توده‌ای‌ها" نداریم و برای اینکه خیال شما (سرمایه داران) کاملاً راحت شود آنها را هم با همه بی خطری شان سرکوب و داغان میکنیم.

که رژیم از محاکمات پرهیاهوی سران حزب توده جار و جنجال براه می‌اندازد که افکار و اذهان مردم را مشغول دارد، این واقعیت بارها گفته شده است که رژیم جمهوری اسلامی از آغاز عمر خود تا کنون بر بستر بحران زیسته است و خود رژیمی بحران زاست چرا که بحران موجودیت اش را ضمانت میکند، رژیم مدتها بر بستر توهم زیست و هر آن که توهم کاهش می‌یافت، با ایجاد عمل بحران زاقی که چسبندگی درونی خود را افزایش دهد، منحنی توهم را نیز بالا میبرد. اما پس از ۳۵ خرداد رژیم نه بر بستر توهم، که بر بستر اختناق زیسته است. امروز رژیم در ورای دلایل گفته شده از هیاهو و جنجال دستگیری و "اعترافات" سران حزب توده برای نمایش مجدد زرق و برق سرنیزه و تحریرک احصایات و هیستری ضد کمونیستی "امت حزب

نگرانی‌های امپریالیست‌ها و سرمایه داران را کاهش میدهد، لیک آنان هنوز جامعه ایران را محیطی امن برای سرمایه گذاری نمی‌بینند. اما نه به دلیل ساختگی و تبلیغات رفرمیست‌های حزب توده مبنی بر ضد امپریالیست بودن رژیم، بلکه آنها به خوبی آگاهند که "فریاد" در بطن باقی است اگرچه برق سرنیزه موقتاً آنها را در حنجره حبس کرده باشد. بهمین جهت آنها هنوز تردید خود را از دست نداده‌اند و دستگیری سران "حزب توده" را نیز به حساب قدرت دستگاههای امنیتی رژیم نمی‌گذارند چرا که همگان واقفند که "توده‌ای‌ها" دیر بازاری است که خود را دست بسته تسلیم رژیم کرده بودند و رژیم درحالی که در کوچه و پس کوچه در خانه گردی‌ها، ماشین گردی‌ها و بازرسی‌های بدنی خیابانی به دنبال عناصر انقلابی میگشت این پناهنده آزادانه در حجره هفت طبقه خود به نام "دفتر حزب توده" در مرکز

نماز میت، بقیه از صفحه ۲۹

الله و خراب کردن چهره کمونیسم — بود می‌چوید. رژیم تلافی دارد با نمایش زبونی حزب توده، کل جنبش چپ را خوار و زبون نماید.

"حزب توده" ضربه بسیار رکاری تشکیلاتی و سیاسی خورده است. این ضربه را شاید بتوان از لحاظ تشکیلاتی با ضربه ۲۸ مرداد ۳۲ مقایسه نمود ولی از نظر سیاسی به هیچ وجه قابل مقایسه نیست. حزب توده امروز با ورشکستگی کامل مواجه است. امروز گردن حزب یا شمیری زده میشود که خود چهار سال تمام آت را صیقل داده بود. در اینجا این سؤال مطرح است که آیا عمر حزب توده پس از ۲۲ سال در جامعه ما به پایان رسیده است؟

اکنون با افتضاحی که حزب توده هم در حوزه سیاست و هم در حوزه تشکیلات به بار آورده است "به لاف متعفی بدل گردیده است که باید دفن شود". اما آیا حتی اگر تشکیلاتی به نام حزب توده کاملاً از هم بشکند و نابود شود، خطر رفرمیسم و اپورتونیسم راست در جنبش از بین رفته است؟ جواب مسلماً منفی است. حیات رفرمیسم و اپورتونیسم با حیات بورژوازی گره خورده است بخشی از تکنوکرات ها، بوروکرات ها و اقشار مختلف خرده بورژوازی میانی و مرفه و آریستوکراسی کارگری همچنان منافع سیاسی و اجتماعی خود را در جریانانی جستجو خواهند کرد که رفرمیسم و اپورتونیسم "حزب توده" را ادامه دهند. بدین ترتیب امکان شکل گیری حزب توده جدیدی باقی مانده است که با چهره های جدید همراه با نفی صوری گذشته خیانتکار این حزب، معرف خط ایدئولوژیک آن در سطح جامعه گردد. لذا مبارزه با اپورتونیسم و رفرمیسم پایان نیافته بلکه زمینه بسیار مساعدی برای افشای هر چه بیشتر آن فراهم گردیده است.

اعزوباید مبارزه با رفرمیسم و فرصت طلبی و پراگماتیسم را به حزب توده محدود نکرده بلکه مبارزه ای همه جانبه و پیگیر را با انحرافات اردوگاه سوسیالیسم و در رأس آن اتحاد شوروی دامن زد. باید از حزب کمونیست شوروی بزرگداشتی چگونه داشت که شماره امروز فریاد اعتراض علیه "سرکوب و شکنجه و اعمال شیوه های مشابه سازمان امنیت رژیم شاه توسط جمهوری اسلامی" (نقل به معنی از

پراودا) بلند شده است؟ چگونه میتوان به اینترناسیونالیسم پرولتری وفادار بود و در مقابل باز داشت، شکنجه و اعدام هزاران کمونیست و مبارز سکوت نمود؟ شاکی میتوان با تکیه بر شعارهای "عدم پارتالیست" خمینی و فدیت های وابستگرایانه و نه شرقی خواهانه او با آمریکا و امید واهی "راه رشد غیر سرمایه داری" پرنسب فروشی کرد؟ شاکی میتوان تزلزل های ورشکسته ای نظیر "راه رشد غیر سرمایه داری" را پس از تجربه شکست هایش در مصر، سومالی، عراق و ... آنهم در جامعه سرمایه داری وابسته پیشرفته ای چون ایران به آزمایش گذاشت؟ آری، نقش حزب توده، رفرمیسم و رویزیونیسم تنها به پراکندن توهم در سطح داخل ایران محدود نمیشد چرا که این جریان فضای سیاسی بین المللی را نیز در مورد ماهیت رژیم جمهوری اسلامی متوهم و مسموم کرده است. بهمین دلیل شکست تئوری های حزب توده، شکستی است دیگر برای انحرافات رویزیونیستی در سطح بین المللی. اگرچه با تلاش رژیم سعی شد اعترافات زیوانه و اوج فرومایگی و دروغی سران حزب توده در آخرین نمایش های تلویزیونی نمایانگر عملکرد جنبش چپ و یک گروه کمونیستی قلنداد شود و بدینوسیله به حیثیت کمونیست ها لطمه وارد آید، اما این رخداد عملی و واقعی است در جهت لایش جنبش کمونیستی و تقویت مارکسیسم - لنینیسم انقلابی (خط ۲). اگر ورشکستگی و ارتداد خط ۳ و رویزیونیست های سه جهانی و مافوقیم مدعی است که در عمره پیکار عملی آشکار شده است، تجربه ایران و شکست مفتضحانه تاکتیک ها و استراتژی - حزب توده نمونه رسوائی است از تقایح بارز رویزیونیسم خروشی. وقت آن رسیده است که جنبش کمونیستی در سطح بین المللی

و اردوگاه سوسیالیسم با درس گیری از این نمونه های تنگ آلود و رأی العین قرار دادن عواقب آن مانع از آن شوند که نیروی انقلاب در سطح جهان به هرز رفته و به - حیثیت مارکسیسم - لنینیسم بیش از این لطمه وارد شود.

تجربه خیانت بار حزب توده به راستی نتیجه اسفبار اپورتونیسم و رفرمیسم موجود در آن دسته از احزابی است که سیاست خود را بر مبنای معامله گری، پراگماتیسم و سازشکاری های اصول فروشان و مفاشات با حکومت های ارتجاعی در مرصه بین المللی قرار داده اند.

امروز سازمان چریک های فدائی خلق ایران و سایر کمونیست های که با تحلیل درست و سیاسی انقلابی توانستند روند و چشم انداز حرکت رژیم جمهوری اسلامی و وقایع سیاسی ایران را دریابند، با سربلندی و حقانیتی بیش از پیش خواهند توانست راه دشوار انقلاب را بهیمایند و به تدریج آثار مخرب و مسموم کننده و لکه های تنگ حاصل از سیاست های حزب توده و آخرین پرده نمایش از انحطاط و رذالت آن را از دامان جنبش کمونیستی ایران بزدایند و این میسر میشود مگر با پی گیری در پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک علیه شرهای رفرمیستی و سازش - کارانه ای چون راه رشد غیر سرمایه داری غیر لنینی، گذار مسالمت آمیز، نقض اصول اینترناسیونالیسم پرولتری و ... مقاله های سازمان در نشریه کار در رابطه با تاریخچه و عملکرد حزب توده و آثار تئوریک سازمان نظیر مبحث مربوط به راه رشد غیر سرمایه داری در "نبرد خلق" شماره ۲، گام هائیکه استارزنده که در این راستا برداشته شده است.

پایان



پس از گذشت سفرن از محاکمه گالیله



گالیله Galileo

**وانیکان در محکومیت
گالیله تجدید نظر میکنند!**

**کم نیستند شهدای راه علم
به دست قاتلان مذهبی**

گالیله یکی از قربانیان جنایت کلیساست. همواره علم از بند مذهب و خرافات رنج برده است. قرنهای تسلط مذهب بر جهان، حتی آموزی را نیز در انحصار کلیسا و "علم" را در محدوده علوم دینی محصور کرده بود. جنگ علم با مذهب که به جرأت میتوان گفت چندین قرن به طول انجامید، سرانجام با آغاز رنسانس، گسترش علوم تجربی و انقلاب صنعتی حصار تسلط کلیسا را درهم شکست. اما کلیسا نقش ارتجاعی خود را در حفظ و حراست از - استعمار گران هنوز حفظ کرده است.

اگر اربابان کلیسا در قرون وسطی با تکیه بر خرافات و عقاید مذهبی توده ها، بطور رسمی به "بهشت فروشی" می پرداختند، اینک پس از گذشت چندین قرن، رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی قدم در جای پای آنان گذارده است. این بار جلادان جمهوری اسلامی با "فتوای امام خمینی"، "کلید بهشت" را در جیب نو جوانان ۱۲-۱۳ ساله متوهم مذهبی نهاده، آنان را به میدان های مین گذاری شده جنگ ارتجاعی ایران و عراق گسیل میدارند.

اگر امروز پس از گذشت ۳ قرن کلیسا به ناچار به نقض ارتجاعی و ضد علمی خود در مورد گالیله اعتراف میکند، جمهوری اسلامی، این دشمن علم و آگاهی، مبارزه با علوم و جایگزینی مذهبی را در پایان قرن بیستم آغاز نموده است. رژیم جمهوری اسلامی با اتکا به دین و تبلیغ و گسترش خرافات مذهبی، و ارتباط دادن قدرت خود به نیروهای ماوراء انسانی، بر توهم توده های عقب مانده سوار شده و با ضدیت خود با تکامل، علم و آگاهی، جلوی پیشرفت و ترقی جامعه را گرفته است. کور دلان - وسیع اندیشان رژیم جمهوری اسلامی، روح محاکمه کنندگان گالیله را احیاء کرده اند اما غم و غصه توده ها به اینها فرصت نخواهد داد که به اصلاح در اعمال جنایت کارانه خود تجدید نظر کنند!

ملایان جمهوری اسلامی در حال اجرای قوانین اسلامی



۲ شعبه از دادگاه سپاردیروز در خیابان چشمه مرکز لاهه لاهه متدین ولگرد را به مجازات محکوم کردند. حوج اسلام تلی میرمنشی، توری زنده و فاضل روحای شعبه های دادگاه مبارزه با دینگری در کس نیدمیشوند.

دربی تصویب شورای عالی قضایی

بیش از یکصد معتاد ولگرد، در ملاعام شلاق خوردند



دیروز بدینال تصویب شورای عالی قضایی برای اولین بار دهها معتاد ولگرد در ملا عام مجازات شدند. به امید روزی که جامعه اسلامی ما از وجود معتادان پاکشده و این پلای خانه سوز برای همیشه از این جامعه کده شود. عکس گوشه ای از مراسم اجرای حد شرعی را نشان میدهد.

شلاق "حلال" مشکلات

در پی تصویب شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی در به اصطلاح مبارزه با مواد مخدو روزانه بیش از یکصد تن معتاد به مواد مخدر در ملا عام شلاق میخورند. روزنامه اطلاعات مورخ ۲۴ فروردین در این مورد گزارش داد: "هیشتی مرکب از سه قاضی شرع و با همکاری پلیس، پاسداران و اعضای کمیته ها طوسی یک طرح ضربتی به خیابانهای جنوب تهران اعزام و اقدام به دستگیری و محاکمه معتادین در خیابان و زدن ۱۰ تا ۲۴ ضربه شلاق نمودند." این روزنامه گزارش داد در میان معتادین، عده ای زن و همچنین جوانان ۱۸ ساله تا پیرمردان ۸۵ ساله نیز دیده میشوند. روزنامه اطلاعات افزود، این برنامه دادگاه - های سیار، همه روزه در نقاط مختلف شهر - و بطور ضربتی و ناگهانی ادامه خواهد داشت و افراد دستگیر شده در شعب دادگاه سیار محاکمه شده و احکام صادره درباره آنها در ملا عام به اجرا درمی آید و در رابطه با زنان حکم دادگاه توسط خواهران پلیس قضایی اجرا میگردد.

۹ خرداد ۵۸ چهارشنبه سیاه

روزی خونین در تاریخ خلق عرب خوزستان

تقریباً ۲ ماه بعد از سرنگونی رژیم شاه به دست شوه‌ها، خلق عرب مسعود یورش مجدد نیروهای مصلح مرتجع قرار گرفت. در روز ۹ خرداد ۱۳۵۸، غرضش به دنبال یک توطئه حساب شده به سرکردگی شمسار احمد مدنی، عامل امپریالیسم و شرکت دارو دسته ارتجاعی امل به رهبری چمران مرتجع و پاسداران مزدور به خون کشیده شد. تنها در یک روز بیش از ۲۵۰ نفر کشته و ۵۰۰ نفر زخمی شدند. با این گشتار رژیم جمهوری اسلامی نشان داد که کینه و دشمنی اش تنها علیه خلق کرد نیست بلکه در همان ماه های اول بعد از قیام خلقهای کرد، ترکمن، عرب، بلوچ و ترک مورد یورش ارگانهای سرکوب رژیم قرار گرفتند و ماهیت فد خلقی خود را از همان ابتدا آشکار نمود. مادر پنجمین سالگرد "چهارشنبه سیاه"، یاد تمام شهدای این واقعه را گرامی میداریم.

دولت های ایران و آمریکا بقیه از صفحه ۲۸
مورد اوضاع کنونی ایران و افشای نقش فد خلقی حاکمیت جمهوری اسلامی پرداختند. پرداخت هزینه جشن کنفرانس از جانب موسسات مالی امپریالیسم مثل "بنیاد فورد" و بانک ایلینویر و دعوت از نظریه پردازان سرمایه داری برای ارزیابی موقعیت کنونی ایران، خود نشان میدهد که امپریالیست ها در جستجوی راه های جدیدتر و ملاپسند تری برای غارت ایران هستند. و همچنین شرکت نماینده رژیم جمهوری اسلامی، رجائی - خراسانی، پهلوی پهلوی نمایندگانی امپریالیسم آمریکا، مثل ویلیام سولیوان، و هارولد ساندروز در این کنفرانس، در عین کمک به یافتن این راه ها نشان میدهد که چگونه رژیم برای تعمیق نیازهای خود و جلب حمایت امپریالیسم آمریکا به این در و آن در میزند. حتما زمانیکه رژیم جمهوری اسلامی رجائی خراسانی را مأمور ملاقات با نمایندگان آمریکا میکند، دیگر مهره های رژیم در ایران غلظت شعارهای ضد آمریکایی خود را اغزایش میدهند تا اگر غیر این برنامه در ایران نیز پخش شد، کسی در ماهیت "فدا امپریالیستی" رژیم جمهوری اسلامی شک نکند!

پیام همبستگی به جبهه آزادیبخش فارابوند مارتی

انحرافات راست و چپ فائق آید. شما به خوبی میدانید که خلق قهرمان ایران با قیام تاریخی خود رژیم مغرور شاه، یعنی ژاندارم امپریالیسم در منطقه خلیج فارس را سرنگون ساخت. و باز میدانید که سازمان ما تنها سازمان کمونیستی بود که در زمان حکومت شاه به با خواسته و علیه رژیم و جانیان امپریالیست اقدام به مبارزه مسلحانه نمود و با شرکت فعال در قیام سال ۱۳۵۹ و آگاهی و سازماندهی مردم در حد توان خود تلاش نمود انقلاب را پیش برد و نگذارد رهبران سازشکار جنبه به بازسازی سیستم سرمایه داری و بسته ایران پرداخته، حکومت سنجک را به فردی جدیدی را این بار در زیر پوشش اسلام جانشین حکومت شاه سازند. سازمان ما همچنان به این تلاش خود ادامه داد. با این همه تاریخ اندیشان رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از توهم نود ماهه بلافاصله بعد از به قدرت رسیدن در زیر سیاست سر نیزه و فشار و بکارگیری شیوه های قرون وسطائی شکنجه به سرکوب همه جانبه خلق های ایران پرداختند. رفقای رزمنده! در شرایطی پیام همبستگی ما را دریافت میکنید که ده ها هزار نفر از انقلابیون ایران بسویون مهاجرت در دو سال گذشته تیرباران شده اند و یورش همه جانبه های ایران با شدت هر چه تواتر ادامه دارد. بیش از ۵۰۰۰ نفر در سباحت های رژیم جمهوری اسلامی به بند کشیده شده و تحت شکنجه قرار دارند. خلق قهرمان کرد زیر شدید ترین بهاران و یورش های وحشیانه رژیم قرار دارد. ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک مردم رعایت نمیشود و هر گونه خواست دموکراتیکی را با بهانه های واقعی "وابستگی به غرب" با گلوله پاسخ میدهند. از نظر اقتصادی وضع رقت بار را بر مردم تحمیل میکنند. بساط پرده داری قرون وسطائی رژیم، جز فقر و گرسنگی چیزی برای نود های مردم به ارمغان نیاورده و تمام ارزش های انسانی را لگد مال کرده اند. وجود غریبه به ۵ میلیون بی کاره گران بیش از حد در صد تورم کمبود مایحتاج اولیه، فقدان کفین آزادی های فردی و اجتماعی، به خاک و خون کشیدن اعتصابات کارگری، حمایت از ملاکین و سرمایه داران، تدوین قوانین قرون وسطائی و فوق ارتجاعی بر علیه زنان و اقلیت های ملی و مذهبی، تدوین جنگ خانمانسوز و احکامات با عراق نتیجه ای جز گشتار روزمره جوانان ندانسته و ضربه تفتیت مواضع امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه خاور میانه نداده است. حمایت از شورشیان مرتجع افغانستان و هنگاری و هندوستان بسایر رژیم های وابسته به امپریالیسم و مرتجعینی چون رژیم ضیاء الحق در پاکستان و فاتیست های نظامی ترکیه و ... همه گوشه های از کارنامه چهار ساله رژیم جمهوری اسلامی است. اگر چه هزاران نفر از رفقای ما و سایر نیروهای انقلابی بدست رژیم جمهوری اسلامی اعدام شده و میشوند و اگر چه ده ها هزار تن از یاران ما در زندان ها در زیر شکنجه های قرون وسطائی رژیم قرار دارند، اما ما از پای نخواهیم نشست و در سخت ترین شرایط نیز وظیفه خود را در جهت تدوین انقلاب تا رسیدن به اهداف واقعی مردم که همانا رهائی از یوغ امپریالیسم، سرمایه داری وابسته و ستم و استثمار طبقاتیست، فراموش نخواهیم کرد. رفقا! تو خالی بودن شعارهای ضد امپریالیستی خمینی و ماهیت واقعی رژیم جمهوری اسلامی هر روز بیشتر بر جهانیان آشکار میشود. شعارهای جمهوری اسلامی مبتنی بر مبارزه ضد امپریالیستی فریبی نیست. اگر چه سیاست های رفویستی و تسلیم طلبانه آپورتونیست ها، که متأثر از تئوری راه رشد غیر سرمایه داری میباشد، به چاکیری رژیم جمهوری اسلامی منجر شد تا شاید رژیم خمینی را از راه صالحت آمیز به سوسیالیسم بکشانند! ولی امروز نتیجه سیاست های تسلیم طلبانه و تزلزل آپورتونیست ها در جهت پیگیری اهداف انقلاب بوسیله نمایش تلویزیونی رهبران خائن حزب بوده بر همه مردم مبین ما روشن شده است.

رفقا امروز سازمان ما در سخت ترین شرایط در راه سرنگونی رژیم خائنتکار جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق مبارزه میکند. ما میکوشیم تا با استقرار جمهوری دموکراتیک خلق ایران، جبهه دیگری علیه امپریالیسم بکشاییم و هر چه بیشتر در خدمت جنبش های رهائی بخش از جمله السالوادور و فلسطین و تمام خلق های تحت ستم جهان قرار بگیریم. ما همواره بر اساس وثائق انترناسیونالیستی خود به حمایت فعالانه از جنبش السالوادور برخاسته ایم. ما پیروزی شما را پیروزی خود دانسته و شکست امپریالیسم این دشمن مشترک بشریت را هدف مشترک همه خلق ها میدانیم.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
کمیته خارج از کشور
۱۹۸۳

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا
پیروز بر انقلاب السالوادور به رهبری FMLN-FDR
مستحکم باد همبستگی خلق های السالوادور و ایران

دیدگاهها



بمنظور پدیدبرد امر مبارزه ایدئولوژیک و طرح مسائل مورد بحث در سطح جنبش انقلابی در هر شماره "جهان" مقاله یا مقالاتی در این رابطه درج خواهد شد. بدیهی است که مواضع اینگونه مقالات الزاماً با مواضع "جهان" یکی نخواهد بود.

نقدی بر تئوری "سوسیال امپریالیسم"

بخش سوم این مقاله در سه بخش ارائه گردیده است

منشویکها مشروعیت بدعده غبار رویزیونیست بودن را از دامان منشویکها پاک میکنند و آنها را تبرئه میکنند! نگاه کنید که اپورتونیسم چپ برای اثبات اندیشه های خام خود چگونه رویزیونیست های راست را تبرئه میکند. بیکار میگوید:

"ما رویزیونیسم را نگاه آج اپورتونیسم میدانیم... اپورتونیسم میتواند سیاست و یا به اصطلاح رایج زمان اینست "تاکتیکی" که منظور از آن تاکتیک است.

استراتژی پیام است و یا تاکتیکی و یا برنامه ای و یا ایدئولوژی. باید منشویسم و اپورتونیسم در تاکتیک و استراتژی

بوده زیرا سیاست اتحاد رولتاریسم با

نهقانان، سیاست اتحاد با بورژوازی -

لیبرال را در پیش میگرفت و بعلاوه شرایط

تشکیلاتی حزبی را برای عضویت در حزب

مقرر نمی داشت و هر پرسور و یا اعتصاب

کننده ای را عضو حزب قلمداد نمی کرد. با

اپورتونیسم در سیاست و تشکیلات هنوز

میتوان بعنوان یک عضو "منحرف" جنبش

کمونیستی به مبارزه ایدئولوژیک پرداخت

ولی هنگامی که به اپورتونیسم در ایدئو-

لوژی و یعنی به تجدید نظر در اصول

ایدئولوژیک بپیوندد بعد تبدیل به ارتداد

شده دیگر نمیتوان در چهارچوب جنبش

کمونیستی بگنجد... (بیکار تئوریک -

سیاسی ۲ - صفحه ۲۴۹) بقیه در صفحه ۲۴

تا بحال سازمان بیکار هرچند از "سوسیال امپریالیسم" در ایران بوده اما تا زمان موجودیت این سازمان هیچگاه تحلیلی مستدل بر این ادعای خود نگذاشت. بعد از سازمان بیکار امروز کومله (سازمان زحمتکشان کرستان) هنوز به این تئوری معتقد مانده است بی آنکه کوچکترین تحلیل منصف و علمی بر این موضع خود ارائه داده باشد. از آنجائیکه ما معتقدیم موضع گیری یک سازمان سیاسی در هر زمینه الزاماً باید بر مبنای تحلیل منصفی استوار شده باشد با نگاهی این مقاله از کلیه معتقدین به این تئوری دعوت میکنیم که نظرها خود را در این رابطه ارائه دهند. اگر چه این مقاله عمدتاً به نقطه نظرات سازمان بیکار اشاره میکند ولی بیشک شامل تمام نیروهای سیاسی موسوم به خط ۲ میشود.

در انحرافی بیکار از مسئله رویزیونیسم

همچنین در برخورد آن به مقام تاریخی

رویزیونیسم منصف میشود. آنها با تحریف

حقایق مسلم تاریخی جنبش کارگری جهان به

تألیف میکنند که این واقعیت را انکار کنند

که رویزیونیسم مقوله ای مربوط به جنبش

لیتیه کارگر است. آنها خیلی خود دارند

که آنها مقوله ای بورژوا و امپریالیستی

بدانند! از آنرا آنها اپورتونیسم مقوله ای

مربوط به جنبش لیتیه کارگر است اما

رویزیونیسم هرگز زیرا رویزیونیسم مساوی

با بورژوازی امپریالیستی است و با چنین

حکمی رفقای بیکار نتیجه میگیرند که -

کمونیستها را نباید سروکاری با رویزیو-

نیستها با عده اما با اپورتونیست های

تاکتیکی میتوان در چهارچوب جنبش کمونیستی

به مبارزه ایدئولوژیک پرداخت آنها برای

آنکه به مبارزه ایدئولوژیک بلفویکها با

مناظره در چاپ قسمت دوم مقاله "نقدی بر تئوری سوسیال امپریالیسم" اشتباهی رخ داد که بدینوسیله اصلاح میگردد. صفحات ۲۴ و ۲۵ در این شماره دنبال بخش اول مقاله بوده که میباشد قبل از بخش دوم (جهان شماره ۱۰) آورده میشود. صفحات ۲۴، ۲۵، ۲۶ و ۲۷ در این شماره دنبال بخش دوم یا قسمت سوم مقاله میباشد. *****

در اینجا لازم است که پرسیده شود که اینهمه تلاش بیکار برای یکسان جلوه دادن ماهیت لیتیه و ایدئولوژی رویزیونیسم و بورژوازی امپریالیستی برای چیست؟ بطور قبلی ساده رفقای بیکار میخواهند نتیجه گیری کنند که چون رویزیونیسم شکل خاصی از ایدئولوژی بورژوا - امپریالیستی است و بر استقرار رویزیونیسم خروجهایی بعد از مرگ استالین مساوی است با استقرار و - احیای سرمایه داری در شوروی!! خوب از نظر آثار غیبت ها شعار هر چه بهتر!

نقدی بر تئوری

بقیه از صفحه ۳۳

بینیم بیکار چگونه با زندگی خاصی
خط بحث میکند. واقعیت این است که
منشویکها رویزونیست هائی بودند که تا
توجه ایورتونیسم راست تکامل یافتند.
لنین در مقاله مارکسیسم و رویزونیسم
(صفحه ۳۳) که آنرا به سال ۱۹۰۸ نگاشت
به اجتناب ناپذیر بودن و بین المللی
بودن رویزونیسم اشاره میکند و از
رویزونیست ها در مقابل مارکسیست ها
در کنفرانس مختلف اروپا نام میبرد مثلا
اوتدکرا و پرنسپیشیا در آلمان،
اندراست و زرمست در ایتالیا
و بلشویک و منشویک در روسیه.

در این مقاله لنین از ایورتونیسم
اوتدکرا و پرنسپیشیا (منشویک) که خط
خود را از انحراف بیان در سال ۱۹۰۸
جدا کرده بود نام میبرد. البته بخلاف
بعدا در انترناسیونال دوم کاملا به طبقه
کارگر دست کرد و مارکسیسم را برای همیشه
و داغ گفت. منشویکها از همان ابتدای
میلاد خود در سال ۱۹۰۳ رویزونیست
بودند که انحرافات آنها بدرجه ایورتو-
نیسم راست تکامل پیدا کرده بود. بعد از
انتخاب نمریه، منشویکها از کتار بورژوازی
بعضی از سرکوب کلچا و دنیکن در روسیه
علیه بلشویکها و کارگران هدایت پستیانی
کردند. آیا تمام این انحرافات را باید
به ایورتونیسم در تاکتیک نسبت داد؟
لنین در مقاله "در اطراف شعارها" هدایت
به کسانی که حمایت منشویکها از گفتار
بلشویکها را به اشتباه آنها نسبت میدهند
حمله کند و آنرا ساده لوحی کودکانه
میداند. علیرغم خیانت منشویکها، لنین
باز مطرح میکند که آنها به حزب خرده -

بورژوازی هستند (منتخب آثار صفحه ۴۸۱).
واقعا بیکار مارکسیسم را بمسخره میبرد،
و حتی مطرح میکند که منشویکها ایورتونیست
در تاکتیک و سیاست بودند ولی به تجدید
نظر در اصول ایدئولوژیک تمهید ننشده

بودند! چیز بهتر از این واقعیت
که آنها یک حزب خرده بورژوازی بودند
میتواند ماهیت رویزونیستی منشویکها را
آشکار سازد؟ لنین در دولت و انقلاب
هدایت به کائوتسکی که "مهم ترین فرق -
بین مارکسیسم و ایورتونیسم را در مورد
مسئله وثایف انقلاب پرولتری ماست مالی
نموده است" (منتخب آثار صفحه ۵۵۰-۵۵۱)
حمله میکند. آیا منشویکها در مسئله انقلاب
پرولتری و دیکتاتوری پرولتاریا بمشابه
اساسی ترین اصل مارکسیسم، تجدید نظر
نکرده بودند؟

آنچه که بیکار میخواهد با تحریف
تاریخ نتیجه گیری کند این است که مبارزه
ایدئولوژیک بلشویکها تحت رهبری لنین با
منشویکها از سال ۱۹۰۳ تا سال ۱۹۱۲ در
حزب سوسیال دموکرات روسیه و بعد از آن
در خارج از حزب تا سال ۱۹۲۲ در حقیقت
با ایورتونیست های تاکتیکی بوده است نه
با رویزونیست ها! مضافا! چگونه
لنین میتواند با رویزونیست ها در چهار-
چوب جنبش طبقه کارگر مبارزه ایدئولوژیک
کند؟! لازم است که برای رفقای بیکار که
به آئین برستی خدا مفرانه دچار هستند
بگوئیم که حتی بعد از انتخاب پیروزمند
اکتبر در سال ۱۹۱۲ بلشویکها از منشویکها
که گذرگاه عوراهای کارگری را ترک کرده
به دند دعوت میکنند که در گذرگاه عوراهما
در سال ۱۹۱۸ شرکت کنند. لنین حزب -
منشویکهای رویزونیست را که به پرولتاریا
خیانت کرده بود و تجدید نظر در اصول

مارکسیسم بعمل آورده بوده، منحل اعلام نکرد
رهبران منشویکی مجددا در سامبر ۱۹۱۹ به
هفتمین گذرگاه عوراهای کارگری دعوت
میشوند. دان مارش رویزونیست در گذرگاه
محبت هم میکنند. حزب منشویک لی تابستان
سال ۱۹۲۰ در مسکو و ایالات دارای دفتر
است و جزوات گوناگونی منتشر میکند. در
انتخابات عوراهای محلی شرکت میکند و -
چارصد کرسی بدست میآورد (بقتلهایم مبارزه
ایقانی در شوروی). در اوت ۱۹۲۰ منشویکها
کنفرانس حزبی تشکیل میدهند. منشویکها در
هفتمین گذرگاه عوراهما هم شرکت میکنند.

تنها بعد از ورود گروهقات (۱) است که -
جلوی فعالیت منشویکها که در این عمل به
قوتی دست داشتند گرفته میشود. ولی با این
حال حزب منشویک منحل اعلام نمیگردد. لنین
هم محبت از منشویکهای که گفتار دوشوروازی
خود را کنار گذاشته اند میگوید: "ما نباید
آنها را کنار بزنیم، بلکه باید از آنها
دعوت کنیم و به آنها اجازه کار مشترک با
خودمان را بدهیم" (لنین مجموعه آثار جلد
۲۸ صفحه ۲۰۳). بنا بر این لنین منشویکها را
علیرغم انحرافات رویزونیستی شان در -
درون جنبش طبقه کارگر میداند و ضمن
مبارزه بی امان ایدئولوژیک بر علیه آنها
میخواهد رهبران آنها را منفرد سازد. البته
واقعیت این است که بخشی از منشویکها هم
به خدا انقلاب میبستند و برای همیشه
کستکی خود را از پرولتاریا و حتی خرده -
بورژوازی نشان ندادند. سوسیال خونمسم،
با بتول لنین ایورتونیسم کامل و بسیاری
از رهبران انترناسیونال دوم بعد از سال
۱۹۱۰ استحاله کامل یافته اند و امروزه -
نمایندگی ایقانی بخشی از سرمایه داری
امریالیستی را بعهده دارند. امروز

احزاب سوسیال دموکرات اروپای غربی از جمله حزب سوسیالیست فرانسه به رهبری میتران بخشی از جناح های مختلف امپریالیستی را از لحاظ طبقاتی نمایندگی میکنند بدون شک آنها دیگر هیچگونه جانی در درون جنبش کارگری ندارند و خود نیز دشمنی خود را با طبقه کارگر و اردوگاه سوسیالیسم علنا اعلام میدارند.

برخلاف برخورد انحرافی رشتانی بیکار ما معتقدیم که اگرچه حزب کمونیست شوروی دارای انحرافات رویزیونیستی اساسی است و تجدیدنظر در بسیاری از انقلابی - مارکسیسم - لنینیسم به آن آورده است و با اینحال باید در چهارچوب جنبش کمونیستی جهان به انحرافات آن برخورد نمود. همانطور که در مقدمه گفته شده متأسفانه ما در اینجا فرصت پرداختن به انحرافات رویزیونیستی آنها نداریم.

دورک انحرافی از سرمایه داری و امپریالیسم

حال بگذارید به بخش انحرافی بیکار در مورد احیای سرمایه داری در شوروی که خود از شناخت آنارشیستی آنها از مسئله رویزیونیسم ناشی میشود، بپردازیم. رفقای بیکار ادعا میکنند که استقرار رویزیونیسم باعث احیای سرمایه داری در شوروی گردید. عبارت دیگر دنباله از استقرار دیکتاتوری پرژوازی، یعنی رویزیونیسم غرونیخی، اقتصاد سوسیالیستی استحاله پیدا کرده و تغییر ماهیت میدهد و اقتصاد سرمایه داری بوجود میآید "زیرا با توجه به رابطه دیالکتیکی بین روبنا و زیربنای جامعه، تغییر ضدانقلابی در روبنا نمی تواند تاثیر مستقیم و قاطعی بر زیربنای جامعه نگذارد" (بیکار تئوریک - سیاسی

۲ صفحه ۱۴۳). بطور خلاصه بزرگ بیکار روبنا (رویزیونیسم) زیربنای اقتصادی سوسیالیستی را از بین برد! این است جان کلام بحث های بیکار. رفقای بیکار که مخالفان تئوری احیای سرمایه داری در شوروی را متهم می سازند که برای اثبات ساخت سوسیالیستی شوروی از "کشفیات جدید علمی" سخن میگویند، خود مهمترین اصل دیالکتیک مارکسیسم، یعنی نقش تعیین کننده زیربنای در رابطه دیالکتیکی بین روبنا و زیربنای انکار میکنند. در حقیقت این مدافعان تئوری سوسیال امپریالیسم هستند که از "کشفیات جدید علمی" و - ساختارهای ایدئولوژیکای پرژوازی اجازه گرفته می بیند تا دگماتیسم را بجان - مارکسیسم بنشانند. در نوآموز مارکسیست میداند که هر روند مبارزه ابتدائی و در روند تبدیل ناهای اقتصادی - اجتماعی به یکدیگر، عوامل زیربنایی نقش تعیین کننده دارند.

ایدئولوژیکای پرژوازی تاثیر ماکس ویر این جامعه، بناس زیر پرژوازی که تمام توان خود را مذبوحانه بیکار "رفست تا مارکسیسم را بی آبرو (!؟) کند - خیلی زودتر از بیکار به این کشف جدید علمی دست یافته اند! ماکس ویر تلاش میکرد که تحلیل جدیدی از نظام سرمایه داری و تکامل جوامع در مقابل تحلیل اقتصاد مارکس که حاکی از تسلسل ساخت زیربنای بر ساخت روبنا (ساخت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) است، ارائه دهد. ویر در کتاب "اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه داری" همان تئوری را ارائه میدهد که مدافعان تئوری "سوسیال امپریالیسم" تلاش دارند آنرا به رسم مارکسیسم - لنینیسم خالی! قالب کنند. او در این کتاب تاثیر روبنا یعنی

اخلاق پروتستانی (کالونیسیم) را در بوجود آوردن نظام سرمایه داری (زیربنای) تعیین کننده میداند. بیکار کیست نمی تواند منکر رابطه دیالکتیکی رو بنا و زیربنای نبوده ولی تنها ایده آلیست ها میتوانند نقش تعیین کننده و اساسی زیر بنا را در توسعه تکاملی جامعه انکار نمایند. انگلر در نامه خود به بلوخ (Block) در ۲۱ سپتامبر ۱۸۹۰ من انشتاد به دگماتیست هایی که در مارکسیسم از مارکس هم "مارکسیست تر" هستند و نقش مهم عوامل روبنایی را انکار میکنند، مجدداً بر نقش تعیین کننده زیربنای تاکید میکند:

"وضعیت اقتصادی اساسی و پایه است، هر چند عوامل گوناگون روبنایی تاثیر تئوری های سیاسی، حقوقی، فلسفی و ایده های مذهبی و تکوین بعدی آنها بصورت سیستمی اقتصادی دگماتیستی نیز اثرات خود را بر روند مبارزات تاریخی میدارند و در موارد بسیاری در تعیین عزم آنها نقش موثر دارند" (۱) (تاکید از ماست). بنا بر این انگلر از نقش ایده ای اقتصاد و نقش مهم و تازه تعیین کننده عوامل روبنایی تنها در تعیین فرم و شکل تکامل اجتماعی صحبت میکند. این تنها زیربنایست که میتواند محتوی تکامل اجتماعی را تعیین کند.

اتفاقات رفقای بیکار در مورد نقش تعیین کننده سیاست نیز از تئوریهای ماکس ویر پرژوا تبعیت میکنند. ماکس ویر بر آن بود که قدرت سیاسی و سیاست به مراتب بیشتر از عوامل اقتصادی در تعیین تحولات اجتماعی سهم هستند. رفقای بیکار نیز معتقدند که سیاست رویزیونیستی غرونیخف

قدی برتوری

باعث احیای سرمایه داری گردید. اما - مارکسیسم - لنینیسم ضمن انتقاد به اثرات مهم عامل سیاست و نقش آنرا ثانوی میدانند بقول لنین: "سیاست بازتاب فشرده اقتصاد است و سیاست ممکن نیست بر اقتصاد ولایت داشته باشد".
پایان بخش اول
آغاز بخش سوم

برخی از ویژگیهای

اقتصاد سوسیالیستی

در اینجا برای رد تئوری احیای سرمایه داری در شوروی و لازم است که مهم ترین ویژگی های اقتصادی این کشور را بر عمده و آنها را با ویژگی های جوامع سرمایه داری مقایسه کنیم:

۱) فقدان بحران اقتصادی دوره ای

مارکس و انگلس بحران دوره ای (سیکلی) و رکود را عوارض ذاتی سیستم سرمایه داری میدانند. برای مثال تولید ناخالص ملی آمریکا در سال ۱۹۵۸، ۱۹۵۷، ۱۹۵۸ و ۱۹۶۷ بطور متوسط سالانه ۷ درصد کاهش یافت. در سال ۱۹۷۴ تولید ناخالص ملی در آمریکا ۱۳/۴ درصد در ژان ۲۲/۸ درصد، در ایتالیا ۱۹/۳ درصد در فرانسه ۱۶/۳ درصد و در آلمان ۱۲/۳ درصد کاهش یافت. این در حالی است که هیچگونه بحرانی در اقتصاد شوروی بعد از جنگ مشاهده نمیشود و در هیچ سالی میزان رشد صنعتی کمتر از ۵ درصد نبوده است.

۲) برنامه ریزی متمرکز اقتصادی

یکی از مهمترین ویژگی های سیستم تولید سوسیالیستی، اجتماعی کردن وسایل تولیدی است. برای این کار، وجود

کالاهای مصرفی، یکی از مهمترین مشکلات مردم کشورهای سرمایه داری است و ثابت بودن قیمت مواد غذایی باعث رشد کیفی و کمی مصرف مواد غذایی در شوروی شده است. برای مثال قیمت گوشت در شوروی در ۱۸ سال گذشته

ثابت مانده است. البته در این مدت درآمد سرانه ۷۰ درصد رشد یافته است. افزایش درآمد و رشد مصرف مواد غذایی در چند سال گذشته باعث کمبود مواد غذایی شده است (۴)

Wiles در تحقیقاتی که در مورد توزیع درآمد در کشورهای غربی و شرقی انجام داده اذعان میدارد که هیچ کشوری تا بحال - مانند شوروی به طرف برابری حرکت نکرده است. لازم به تذکر است که مقامات حزبی و دولتی هنوز از امتیازات خاصی برخوردار هستند. البته تفاوت اساسی دولت سوسیالیستی شوروی و نظام های سرمایه داری در این است که در شوروی افرادی که دارای درآمدهای بالا هستند (حقوق و مزایای زیادی میگیرند) بهیچوجه نمیتوانند آنرا سرمایه گذاری کرده و از این راه سود کلانی به جیب آورند. به عبارت دیگر افراد نمیتوانند درآمدهای خود را بصورت سرمایه در تولید اجتماعی بکار اندازند و ارزش اضافی آنرا به جیب خود ببریزند.

ناگفته بهداست که اقتصاد سوسیالیستی در شوروی مشکلات خاص خود را داراست. امروز بازدهی بخش کفا و رزی بسیار پایین است و باری است بر دوش کل اقتصاد شوروی مزارع کوچک خصوصی، هرچند تعداد آن نسبت به مزارع دولتی و مزارع جمعی بسیار کم است و هنوز در بخش کفا و رزی وجود دارند. ولی واقعیت این است که از سال ۱۹۳۷ تا بحال دائماً از اهمیت آنها کاسته شده است.

حسابداری و کنترل واحد که به وسیله یک برنامه مرکزی اعمال شود، ضروری است. وجود برنامه ریزی متمرکز اقتصادی همچنین اجازه میدهد که اولویتهای اقتصادی در برنامه ریزی رعایت شود و از هرج و مرج در تولید که ذاتی سیستم سرمایه داری است جلوگیری شود. برای رشد نیروهای مولده و رشد اقتصادی هرچه بیشتر جامعه در شوروی الویت به تولید کالاهای تولیدی از قبیل صنایع سنگین، صنایع نظامی، مواد نفتی و برق داده میشود. برخلاف جوامع سرمایه داری که بخاطر سودآوری بیشتر بر تولید کالاهای مصرفی تأکید بیشتری میشود، در شوروی نسبت تولید کالاهای تولیدی به کالاهای مصرفی ۷۵ به ۲۵ است. تا آنجا که اولویتهای مطرح است، کارشناسان مسائل شوروی همگی معتقدند که اقتصاد شوروی کارائی بسیار دارد (۲). البته فقدان کارائی کافی در بخش های مصرفی یکی از مشکلات اقتصادی جامعه شوروی بوده است.

۳) رفاه مادی و برابری

میدانیم که بیکاری یکی از عمده ترین بحرانهای جوامع سرمایه داری است. امروز میزان بیکاری در اغلب کشورهای پیشرفته سرمایه داری بیش از ده درصد میباشد. درحالیکه در جامعه شوروی نه تنها بیکاری وجود ندارد، بلکه به خاطر پائین بودن میزان زاد و ولد، کمبود نیروی کار بخصوص در بخش کفا و رزی مطرح میباشد (۴). در بین سالهای ۱۹۵۱-۱۹۵۷، مصرف سرانه تمام کالاهای ۲/۱ برابر شده است (رشد سالانه ۴ درصد) در این مدت مصرف خدمات ۳ برابر، مصرف مواد غذایی ۲ برابر و درآمد بولی ۴ برابر شده است. در حالیکه تورم و افزایش قیمت

باروی کار آمدن رویزیونیم خرومچفسی، سیاست‌هایی از قبیل فروختن (Motorized Tractor Stations - MTS) به مزارع جمعی و بکارگیری سیستم Zeveno (تیم‌های کار کوچک خصوصی که مسئولیت کشت و برداشت محصول را در بعضی از مزارع جمعی به عهده داشتند) گام‌هایی بود در جهت تقویت بخش خصوصی در کشاورزی. بعد از خرومچف، مخالفت‌های بسیاری با سیاست‌های ارضی او انجام گرفت. بطوریکه امروز این سیاستها دیگر کاربرد چندانی ندارد. بطور خلاصه سوسیالیسم در شوروی امروز با مائیلی از قبیل عدم موازنه بین عرضه و تقاضای کالاهای مصرفی، فقدان تکنولوژی پیشرفته در بعضی از رشته‌های تولیدی، و فساد اداری و بوروکراسی روبه‌روست. اما این مشکلات ماهیتاً با مشکلاتی که کشورهای امپریالیستی با آن دست‌بگیرباندند، از زمین تا آسمان فرق دارد.

تجارت خارجی شوروی

در اینجا لازم است اشاره‌ای هرچند مختصر به تجارت خارجی شوروی بنمائیم. بطور کلی دولت شوروی با سه دسته از کشورها روابط تجاری دارد: (۱) تجارت با کشورهای سوسیالیستی و مترقی، (۲) تجارت با کشورهای توسعه نیافته تحت‌سلطه و (۳) تجارت با کشورهای امپریالیستی. در اینجا از بررسی تجارت خارجی با کشورهای امپریالیستی که بر اساس قوانین بازاریهای جهانی برگزار می‌شود، صرف‌نظر کرده و فقط به تجارت خارجی شوروی با کشورهای سوسیالیستی و کشورهای تحت‌سلطه که نشانگر ماهیت سیستم موجود در شوروی است، می‌پردازیم:

(۱) تجارت خارجی با کشورهای سوسیالیستی

امروز حتی محققان بورژوازی نیز تأیید میکنند که روابط تجاری بین شوروی و کشورهای سوسیالیستی و کشورهایی که از زیر سلطه امپریالیسم رها شده‌اند، بسیار عادلانه بوده است. مقایسه صادرات و واردات شوروی با کشورهای سوسیالیستی از سال ۱۹۵۸ به بعد نشان میدهد که در مجموع تعادل برقرار بوده است. واقعیت این است که روابط اقتصادی و تجاری بین شوروی و کشورهای عضو Comecon (شورا) برای کمک‌های اقتصادی چند جانبه (باعث تسریع رشد اقتصادی کشورهای کومکون و کندی رشد اقتصادی شوروی شده است. کشورهای اروپای شرقی تنها $\frac{1}{3}$ کل تجارت خود را با شوروی انجام میدهند و میزان تجارت بین شوروی و این کشورها در سال ۱۹۷۰ به بعد نسبت به سال ۱۹۶۰ کاهش یافته است. در حالیکه بیش از $\frac{2}{3}$ کل تجارت خارجی بسیاری از کشورهای تحت‌سلطه با امپریا-لیسم آمریکا انجام میگردد. در بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۲ کشورهای عضو کومکون به میزان ۴ درصد بیشتر از آنچه که از شوروی وارد کردند به آن کشور صادر نموده‌اند. این کشورها بیشتر صنایع ماشین و لوازم یدکی به شوروی صادر کرده و در عوض مواد خام و سوختی از آنجا وارد میکنند. (این مسئله در مورد رابطه بین کشورهای امپریالیستی و کشورهای تحت‌سلطه کاملاً برعکس است).

در مورد کمک اقتصادی شوروی به کشورهای مثل ویتنام و کوبا شاید کمتر جای بحثی باشد. تنها در ۵ سال بین ۱۹۶۵ و ۱۹۷۰، شوروی تنها ۸۰۰ میلیون دلار کمک اقتصادی به ویتنام نمود. بعد از پیروزی

انقلاب کوبا و بایکوت شدن محصولات شکر آن کشور از طرف امپریالیسم آمریکا، شوروی شکر کوبا را ۲۵ درصد گرانتر از قیمت بازاریهای جهانی خریداری نمود. برای کمک به اقتصاد کوبا، شوروی همچنین نیکل این کشور را با قیمتی معادل ۲ برابر قیمت بازاریهای جهانی خریداری میکند. به خاطر کمک‌های بی‌دریغ شوروی، صنایع سنگین کوبا بین سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۷۵، ۲/۹ برابر شده است. در سال ۱۹۶۳ بانک بین‌المللی برای همکاری اقتصادی بین کشورهای عضو کومکون بوجود آمد. این بانک کاملاً بصورت دموکراتیک اداره میشود و شوروی مانند دیگر کشورهای عضو در کمیته اجرایی بانک نماینده دارد. هدف این بانک انجام برنامه‌های اقتصادی و امور مالی کشورهای سوسیالیستی است. اعتباراتی که از جانب این بانک به کشورهای عضو داده میشود، اغلب بیش از ۵ سال و با بهره کمتر از ۲ درصد می‌باشد.

(۲) تجارت خارجی با کشورهای تحت‌سلطه

با تسلط یافتن نظریات رویزیونیستی بر حزب کمونیست شوروی بعد از سال ۱۹۵۶ هدف از روابط تجاری با کشورهای تحت‌سلطه تأثیر گذاری بر دولت آن کشورها و برقراری روابط دوستانه بوده است.

کری موازنه تجارت خارجی شوروی با بسیاری از کشورهای تحت‌سلطه کاملاً محسوس میباشد. برای مثال در سال ۱۹۷۵ شوروی ۲۴۵ میلیون دلار در آفریقا و ۴۷۰ میلیون دلار در آمریکای لاتین کری موازنه داشته است. همانطور که قبلاً گفتیم، صادرات شوروی به کشورهای تحت‌سلطه تنها ۹ درصد کل صادرات آنرا تشکیل میدهد (این رقم در مورد آمریکا ۲۵ درصد است). شوروی بقیه در صفحه ۳۹

به مناسبت ۳۰ آوریل، هشتمین سالگرد انقلاب شکوهمند ویتنام



شالیزار، باغ و جنگل در اثر بمباران و مواد شیمیایی از بین رفته بودند و امراضی چون مالاریا، تیفوئید و وبا خطری دائمی ایجاد کرده بود.

انقلاب می‌بایست با همه این مشکلات روبرو می‌شد و مسئله دیگر دست و پنجه نرم کرده و جامعه ویتنام را از درون این همه خرابی نجات می‌بخشد و ساختن سوسیالیسم هدایت نماید. خلق ویتنام تحت رهبری حزب کمونیست ویتنام، که طی رهبری نبردهای چندین ساله آبدیده شده بود، مصمم بود که با تمام این مشکلات مقابله کرده و با در هم شکستن آنها، راه خود را به سوی آینده به سوی صلح، دموکراسی و سوسیالیسم پیش ببرد.

یکی از مهم‌ترین وظایف انقلاب تجدید تربیت سربازان، پلیس و کارگزاران رژیم سابق بود. پیشبرد این وظیفه که کنترل و تربیت بیش از یک میلیون نفر متجمله ۴۰ هزار افسر را در بر میگرفت، بدون کمک و همکاری همه جانبه سازمانهای توده‌ای خاصه سازمانهای زنان و جوانان امکان پذیر نبود. انقلاب بسیاری از آنان را پس از رسیدگی به پرونده‌هایشان بدون قید و شرط آزاد نمود و تنها افسران و تعدادی عوامل بالای رژیم سابق را برای تجدید تربیت و پاکسازی در اردوگاه‌های مستقر ساخت که پس از طی دوره‌های تجدید تربیت ۳ ماهه، ۶ ماهه و ... و آزمایش‌های لازمه به جامعه باز گردانیده شدند.

انقلاب برای نابود کردن فرهنگ استعماری، فیلم‌های مبتذل، پوسترهای تبلیغاتی و مجلات منحرف را جمع‌آوری نمود. مراکز "احیای حیثیت زنان" برای آموزش - فاحشه‌ها و مراکز متعدد ترک اعتیاد، کمک

قابل تحسین و دست‌آوردهای درخشانی سوسیالیسم و احیای دیگر باره این واقعیت که فقط رهنمائی و در رأس آن طبقه کارگر است که میتواند رهبری یک حزب انقلابی و مارکسیست-لنینیست را عینی و از جنگال استعمار، استثمار فقر، جنم و استثمار و فساد و ... رها سازد. مطالعه مشکلات و پیچیدگی‌های موجود بر سر راه ساختمان سوسیالیسم در کشوری نظیر ویتنام میتواند تجربه آموخته‌ای باشد که جهت آموزش وایع بمانند هواداران کمونیسم که بسیاری اوقات سرداشتی تحلیلی و ایده‌آلستی از سوسیالیسم دارند.

مبتلا بودند بر جای گذاشت. ۱۰ میلیون نفر از سکنه روستاهای بمباران شده، آواره - گردیده بودند. بر روی زمینها و مزارع سراسر کشور دستکم صد و پنجاه هزار تن بمب منفجر نشده باقیمانده بود که هر روز فایعات جدیدی ایجاد میکرد. (بیش از ۸ میلیون تن بمب در زمان اشغال آمریکای جنایتکار بر سر مردم محروم ویتنام ریخته شده بود). رژیم وابسته تیو، چهار میلیون نفر بی سواد، یک میلیون بیوه، نیم میلیون معتاد به مواد مخدر و هزاران دزد و ولگرد به جای گذاشته بود. سیاست‌های وابسته این رژیم ۹/۵ میلیون نفر را بطور دائمی بیکار کرده بود. در آستانه پیروزی خلق ویتنام و ستاد رهبری کننده آن، حزب کمونیست ویتنام، اوضاع بسیار وخیم تر شده بود. بیش از یک میلیون پرسنل ارتش و یک میلیون کارمند دولت و مددا هزار تاجر کوچک که وابسته به رژیم تیو بودند با احتکار و انواع دغلکاریها قیمت اجناس را بالا برده و بحران را تشدید میکردند. علاوه بر همه اینها چندین میلیون هکتار

سویح
به مناسبت سالگرد پیروزی نهایی انقلاب در قهرمان ویتنام و شکست مقتضات استعماری آمریکا و در رأس آن امپریالیسم جنایتکار آمریکا در هندوچین، ملی سوسیالیسم کونامی موزی شکست بر مشکلات موجود بود. هنگام قدرت‌یابی خلق در ویتنام و سپس نگاه کونامی می‌افکنیم بر دست‌آوردهای مردم رهنمائی و مقاوم این سوزش بدلیل ریاست اختصار، مطالب عمده فهرست وار و نه صورت آمار و ارقام بیان شده است. بعدها به‌دور غرضی استوار پیروزی‌های

تجاوز سی ساله امپریالیستها به خاک ویتنام نتایج مغرب و وحشتناکی برای مردم این کشور به بار آورد. در اثر بمبارانهای متوالی ویتنام شمالی، مراکز ۱۲ استان و بیش از ۵۰ بخش کاملاً از بین رفتند. تمام خطوط راه آهن و پل‌ها غیر قابل استفاده شده بودند و سیستم حمل و نقل دریایی و روستاهای از هم پاشیده شده بود. در روستاها ۱۶۰۰ شبکه آبیاری آسیب دیده بودند و صدها هزار هکتار زمین‌های مزرعنی غیر قابل استفاده به جای مانده بود. ۳۰۰۰ مدرسه و ۳۵۰ بیمارستان بکلی ویران شده بودند. علاوه بر همه اینها اکثر شهرها به وسیله بمب‌دچار ویرانی شده بودند. در جنوب ویتنام وضع به مراتب بد تر بود. از ۱۵ هزار دهکده، ۹ هزار در اثر بمباران با خاک یکسان گردیده بود. تعداد معلولین و زخمی‌های جنگ به یک میلیون نفر میرسید. ۸۰۰۰۰۰ کودک بی سرپرست بر جای مانده بود. رواج فحشاء به وسیله آمریکا، نیم میلیون فاحشه که به انواع امراض

هستی بر تئوری

بقیه از صفحه ۳۷

اغلب اعتبارات طولانی به مدت بیش از ۱۲ سال در اختیار این کشورها میگذارد که با پولهای محلی نیز قابل پرداخت است. میزان بهره این اعتبارات ۲/۵ درصد است (۵) دولت شوروی همچنین به خاطر دیدگاه روهزبونیستی / اکونومیستی راه رشد غیر سرمایه داری، کمکهای زیادی را به کشورهای مثل مصر، عراق، سوریه، سومالی و... نموده است. اگرچه این کشورها با کمکهای شوروی راهی جز راه سرمایه داری نیپیموده اند با اینحال به جرأت میتوان گفت ماهیت روابط تجاری شوروی با این کشورها استثمارگرانه نبوده و به هیچوجه نمیتوان آنرا با روابط تجاری بین امپریالیست ها و کشورهای تحت سلطه مقایسه نمود.

درک انحرافی از سوسیالیسم

در اینجا لازم است که دید خود را از سوسیالیسم بیان داریم و تفاوتی آنرا با سوسیالیسم تخیلی و مدافعان تئوری "سوسیال امپریالیسم" برعمریم. ابتدا لازم است تفاوت سوسیالیسم و کمونیسم را روشن کنیم. آنچه را که امروز ما سوسیالیسم مینامیم، مارکس فاز نخستین یا پائینی جامعه کمونیستی مینامید. همچنین استنباطی که امروز در مورد کمونیسم یا جامعه بسی سابقه وجود دارد همان چیزی است که مارکس و لنین فاز بالائی کمونیستی میخوانند. خصوصیات نخستین فاز جامعه کمونیستی یا سوسیالیسم که یک مرحله خاص تاریخی از تکامل بشری است و فرماسیون اقتصادی اجتماعی کاراکتر مخصوص به خود را داراست بدین قرار است: (۱) تولید از تملک خصوصی افراد جداگانه خارج شده است و وسائل تولید متعلق به تمام جامعه است. (۲) هرکس به اندازه کارش از انبارهای

اجتماعی مواد مورد مصرفش را دریافت میدارد، (۳) "نخستین فاز کمونیسم هنوز نمیتواند عدالت و برابری را تأمین نماید: تفاوت در ثروت باقی خواهد ماند و این تفاوتی غیر عادلانه است ولی استثمار فرد از فرد غیر ممکن میگردد." (لنین دولت و انقلاب، منتخب آثار صفحه ۵۵۰-۴) سوسیالیسم از هر لحاظ مهر و نشان جامعه کهنه سرمایه داری را با خود دارد و - "حقوق بورژوازی فقط تا اندازه ای ملغی میشود نه بطور تام و تمام، فقط به میزانی که تحول اقتصادی جامعه اجازه میدهد یعنی تنها در مورد مسائل تولید" (لنین، همانجا صفحه ۵۵۰)، (۵) وجود دولت برای حراست مایملک همگانی بر مسائل تولید هنوز ضروری است.

خصوصیات فاز بالائی کمونیستی به قرار زیر است: (۱) تفکیک کار فکری و جسمی از بین میرود (۲) تکامل نیروهای مولده باید به حدی رشد یابد که جامعه بتواند شعار "هرکس طبق استعدادش و هرکس طبق نیازش" را عملی سازد، (۳) با از بین رفتن سابقه دولت نیز رو به زوال خواهد رفت و آزادی و برابری برای اولین بار تحقق مییابد، (۴) تنها میتوان از ناگزیری زوال دولت سخن گفت و بهیچوجه نمیتوان "موعد و شکل های منحص این زوال را پیش بینی نمود" زیرا برای حل اینگونه مسائل مدرکی وجود ندارد" (لنین همانجا ص ۵۵۱) بررسی دقیق تفاوتی جامعه سوسیالیستی با فاز اول کمونیسم و جامعه کمونیستی یا فاز بالائی کمونیسم نشان خواهد داد که در جوامع سوسیالیستی ما بناچار هنوز مهر و نشان جامعه سرمایه داری را با خود داریم و حقوق بورژوازی هنوز وجود دارد و معیارهای بورژوازی هنوز کاملاً از بین نرفته

است، منتها دیگر تولید همگانی است و استثمار فرد از فرد از بین میرود. بنا براین وجود پول و بانک دولتی در شوروی که معتقدان به تئوری سوسیال امپریالیسم بدان توسل میجویند تا سرمایه داری بودن شوروی را اثبات کنند، نمیتوانند به مفهوم احیاء سرمایه داری در شوروی باشد. حقایق نشان میدهد که به هیچ فردی در شوروی اجازه داده نمیشود که فرد دیگری را - استخدام نماید و از اینرو اساس کار مزدوری فردی از بین رفته است. رفقای بیکار به وجود نا برابری و تفاوت در ثروت در شوروی اشاره میکنند و آنرا دلیل ماهیت سرمایه داری شوروی میدانند. ما نیز معتقدیم که تفاوت در ثروت در شوروی وجود دارد و این تفاوتی غیر عادلانه است. اما مارکس و لنین به اجتناب ناپذیر بودن تفاوت در ثروت در جامعه سوسیالیستی اشاره مینمایند. در حقیقت برداشتی که بیکار از سوسیالیسم دارد همان فاز بالائی کمونیستی است که در آن عدالت و برابری کاملاً رعایت میگردد. این برداشت از آنجا تخیلی است که شرایط عینی جهان معاصر هنوز زمینه مادی پیدایش آنها را فراهم نیاورده است.

چرا جبهه خلق برای آزادی عمان، انقلاب - بیون آمریکای لاتین و انقلابیون سرتاسر جهان به فریادهای طرفداران "خط ۳" که آنها را از "عواقب نزدیک با "سوسیال امپریالیسم-شوروی" برحذر میدارد گوش فرا نمیدهند؟ جواب به این سئوالات خیلی ساده است. روند زندگی و روند واقعیات گوششان به حرفهای تخیلی و آنارشستی آنها بیکار نیست. آنچه که رفقای بیکار و هم نظران از سوسیالیسم میفهمند،

تقدی بر تئوری

نوعی سوسیالیسم تخیلی است که باید در -
ناکجا آبادها سراع آنها را گرفت. لنین
ضمن هشدار به "چپ" های آلمانی که به
بیماری رفقای بیکار دچار بودند، میگوید:
"ما میتوانیم (و موظفیم) ساختمان
سوسیالیسم را نه با مصالح پندار آمیز و
نه با آن مصالح انسانی که خود ماموصوما
ایجاد نموده ایم، بلکه با آن مصالحی
آغاز کنیم که سرمایه داری برای ما به -
میراث نهاده است. بدون شك این کار بسیار
"شوار" است ولی هر نوع شیوه برخورد
دیگری نسبت به این وظیفه بعدی سبکترانه
است که حتی قابل بحث هم نیست" (بیماری
کودکی چپ روی در کمونیسم، منتخب آثار
ص ۷۶).

ما امروز اعتقاد داریم که علیرغم
سلطه رویزیونیسم بر حزب کمونیست شوروی
و کوتاهی های آن در دفاع از مبارزات -
خلق های تحت ستم، دولت سوسیالیستی شوروی
جزودستان خلق های جهان محسوب میشود و
واقعیات نیز این را نشان میدهد. چگونه
رفقای بیکار که نام مارکسیست بر خود
میگذارند میتوانند ماهیت انقلابی رژیم های
مثل کوبا و ویتنام را انکار کنند و
خلق های تحت ستم جهان را به جای مبارزه
بر علیه امپریالیسم جهانی بسرگردگی
امپریالیسم آمریکا بر علیه آنها و اصولاً
بر علیه کشورهای سوسیالیستی دعوت کنند؟
از مدافعان تئوری سوسیال امپریالیسم باید
پرسید که اگر دولت سوسیالیستی کوبا يك
دولت بورژوا کمبرادور است پس چرا به
عوض حمایت از هواداران رژیم ساموزا و
رژیم السالوادور که منطقی باید از لحاظ
طبقاتی با آنها همبستگی بیشتری داشته
باشد از رژیم انقلابی نیکاراگوئه و از
کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی

السالوادور دفاع میکند؟

تنها يك آثار چیست میتوانستند
چشم های خود را بر واقعیات ببندد و دولت
انقلابی کوبا را بورژوا کمبرادور بدانند.
بیکار با خوشحالی زاید الوصفی بیان میکند
که "توده ها در جریان تجربه روزمره خود
و همراه با پرورش روحیه ضد رویزیونیستی
و ضد سوسیال امپریالیستی واقعیت استثمار
گران و امپریالیستی شوروی را به خوبی
درک کرده اند و هیچ احتیاجی به کتب و
رسالت علمی آقایان آگامیست ها ندارند"
(بیکار تئوریک سیاسی ۲، صفحه ۲۴۲). بلکه
حق با شماست! سردمداران رژیم جمهوری
اسلامی و لیبرالها خیلی بهتر از شما به
ماهیت سوسیال امپریالیستی شوروی (!) پی
برده اند و خیلی بهتر از شما روحیه ضد
سوسیال امپریالیستی را در آنها پرورده اند
این توده ها ئی که شما از آن صحبت میکنید
یا توده های نا آگاهی هستند که از رژیم
ضد انقلابی جمهوری اسلامی شدیداً دفاع
میکند و یا فالتو ها و نوکران سرمایه دار
داری هستند که "مرگ بر کمونیسم" را شعار
خود قرار داده اند. اینجاست که عمیق
انحراف شما پدیدار میشود و خویشاوندی -
تان با تز ورشکسته و ارتجاعی "سه جهان"
آشکار میگردد.

البته ما نیز میدانیم که بیکار و
برخی دیگر از مدافعان تئوری سوسیال
امپریالیسم مانند کومله به این تئوریز
ورشکسته دیگر معتقد نیستند اما بخوبی
نیز واقفیم که انتقاد آنها به تز "سه
جهان" بسیار سطحی است و تنها بر اثر حجاب
حقیقت صورت گرفته است. امروز دیگر این
تئوری برای توده های مردم کاملاً افشا شده
است. تا زمانی که آنها دلایل بوجود آمدن
تز سه جهان را نشکافند و ببوند تئوریک
آنها با تئوری ارتجاعی سوسیال امپریالیسم

که منشأ تمام خیانت های حزب کمونیست
چین است، نمیبندند تا زمانی که بی نبرند
که تئوری سه جهان يك تئوری معلق در هوا
نیست که يك دفعه به وجود آمده باشد بلکه
ادامه منطقی انحرافات چپ روانه حزب
کمونیست چین تحت رهبری ماو است. خلاصه
تا زمانی که با ریشه های تئوریک وایدشو -
لویك تئوری سه جهان مبارزه قاطعانه
نکنند سر نوشت پل پوت های کامبوجی در
انتظار آنهاست. ممکن است که این رفقا
برافروخته شوند و بگویند که "ما خط کشی
خود را با تئوری سه جهان بارها اعلام
کرده ایم" اما این کافی نیست. تاریخ
جنبش کمونیستی جهان نشان داده است که
انحرافات رویزیونیستی و خیانت همیشه در
در شرایط تاریخی تعیین کننده به وجود
میآیند. سوسیال یونیسم انترناسیونال
دوم نتیجه بروز جنگ جهانی اول است.
پیچیدگی مبارزات طبقاتی جهان ما، رفقای
همفکر شما را در افغانستان به موضع کاملاً
ارتجاعی انداخته است. فردا از کجا معلوم
است که در پیچیدگی مبارزه ضد امپریالیستی
دموکراتیک خلق های ایران، شما به این
انحراف دچار نشوید؟ البته در آن زمان
بسیاری از نیروهای اصولی با روشن شدن
واقعیات راه را از چاه تشخیص خواهند داد
دچار شدن به سر نوشت پل پوتها نه لزوماً در
انتظار شك كسانی که از تئوری سوسیال
امپریالیسم دفاع میکنند، بلکه سر نوشت
محتوم و ناگزیر دیدگاه ارتجاعی سوسیال
امپریالیسم است که تا به حال بارها تحق
یافته است.

امروز مبارزات ضد امپریالیستی
دموکراتیک در ایران شرایط بس دشواری
را میگذراند و جنبش کمونیستی در پراکندگی
سر میبرد. بدون هیچگونه شکی پیوستن

به مناسبت ۲۰ آوریل،

بقیه از صفحه ۲۸

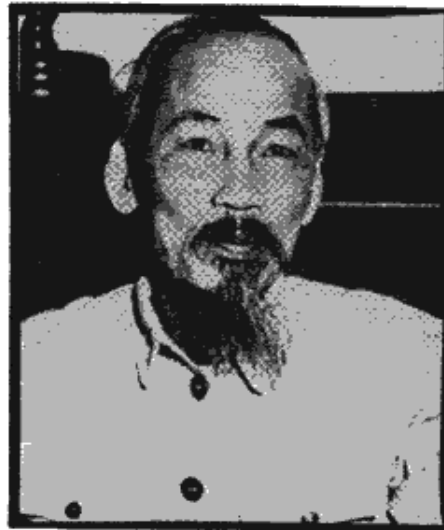
به ناتوان‌ها، یتیم‌ها، و غیره در سراسر جنوب برپا شد. فرهنگ انقلابی در سراسر کشور گسترش یافت. با استفاده از روش‌های آزمایشی شده انقلابی در شمال، انقلاب بلافاصله به مسئله بی‌سوادی در جنوب پرداخت. (در شمال تا سال ۱۹۵۸ مسئله بی‌سوادی حل شده بود). در جنوب در عرض یک سال، نیم میلیون نفر خواندن و نوشتن آموختند. در عرض یک سال ۱۰ هزار مؤسسه آموزشی، چهار میلیون دانش‌آموز را در جنوب در خود جای داد. کار ترک اعتیاد مدتها هزار معتاد به سرعت پیش رفت و مبارزه با سایر امراض به دستاوردهای بزرگی نائل آمد. جنبش وسیعی برای ایجاد مناطق اقتصادی جدید، سراسر کشور را در بر گرفت. به هر خانواده قطعه‌ای زمین داده میشد و با کمک دولت کثوبراتی‌های (تعاونی‌ها) کشاورزی شروع به شکل‌گیری نمودند. در عرض یک سال و نیم بیش از نیم میلیون نفر از سایکون به مناطق جدید اقتصادی پیوستند. روشنفکران انقلابی و دانش‌جویان و دانش‌آموزان، دست‌یاری به سوی دهقانان دراز کرده و به کمک آنان شتافتند. در ظرف یک سال ۱/۸ میلیون مترمکعب شبکه‌های آبیاری و ساختمان‌های مربوط به کشاورزی در اطراف سایکون ایجاد گردید. ۵ هزار کیلومتر کانال‌آبی ساخته و یا تجدید ساختمان شد. همچنین ۹۵۰ کیلومتر رودخانه و دریاچه مصنوعی ساخته و یا تجدید ساختمان شد. ۱۵ هزار کانال و سدهای کوچک ساخته و ۲۰ هزار حلقه چاه آبی حفر گردید.

قیمت‌برنج (غذای اصلی مردم)، در سراسر کشور تثبیت شده و به خانواده‌هایی که محتاج بودند، برنج مجانی داده میشد. سازمان زنان نقش بسیار مهمی در اکثر این برنامه‌ها ایفا نمود و زنان ویتنام همانطوریکه قبل از پیروزی در سراسر کشور همپا با مردان، مبارزه میکردند، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای را در موفقیت برنامه‌های بعد از پیروزی انقلاب به عهده داشته‌اند.

سیاست حزب در برابر مشکلات

پیرون راندن نیروهای اشرارالیسم‌پایان مشکلات خلق ویتنام نبود. نالیامسات طبیعت و سیاست ارتجاعی حکام چین فصل جدیدی از

سالگرد تولد رفیق هوشی مین گرامی باد!



"هیچ چیز گران‌بها تر از آزادی و استقلال نیست" هوشی مین

۲۹ اردیبهشت برابر با ۱۹ مه مصادف است با تولد و سومین سالروز تولد یکی از انقلابیون بزرگ عصر ما، رفیق هوشی مین. نقش ارزنده این انسان بزرگ در پیشبرد انقلاب عظیم ویتنام بر کسی پوشیده نیست. ما در سالروز تولد او یاد پرافتخارش را گرامی میداریم و از آنجائیکه ۲۷ اردیبهشت مصادف با سالروز تولد لنین، آموزگار بزرگ پرولتاریای جهان است، تنها به باز نویسی جملات کوتاهی از هوشی مین در باره خودش و در باره لنین که خود گویاتر و رساتر از توصیف و توضیح است بسنده میکنیم باشد تا خاطره این دو یار زحمتکشان جهان در دلها زنده گردد.

مشکلات را پیش روی خلق ویتنام نهاد. دوسال پس از به خاک نشاندن نهایی پست امپریا - لیسم آمریکا، یعنی در سال ۱۹۷۷ و نیز در سال ۱۹۷۸، دو طوفان سهمگین گریبان خلق ویتنام را گرفت که خسارت‌های بسیار جانی و اقتصادی از خود بجای گذاشت. در اوایل

بقیه در صفحه ۲۹

"پس از جنگ جهانی اول، من در پاریس به امرار معاش مشغول بودم، گاهی به عنوان رتوش‌کننده در یک مغازه عکاسی و گاهی به عنوان نقاش عتیقه‌جات چینی (که در فرانسه ساخته میشد!) در این میان به پخش اعلامیه‌هایی که جنایات استعمارگران فرانسوی را در ویتنام افشا مینمود، اشتغال داشتم. در آن زمان بطور غریزی از انقلاب اکتربر هواداری مینمودم، و هنوز همه اهمیت تاریخی آنرا درک نکرده بودم. لنین را دوست میداشتم و ستایش میکردم، چون او میهن پرست بزرگی بود که همه هم‌میهنان خویش را آزاد ساخته بود، ولی تا آن زمان هنوز هیچکس از آثار او را نخوانده بودم. دلیل برای پیوستن به حزب سوسیالیست فرانسه این بود که این "قاپان و خانمهای محتسرم" (من رفقای خود را اینگونه صدا می‌زدم) نسبت به من و نسبت به خلقهای ستمدیده همدردی ابراز میداشتند. لیکن من هنوز نفهمیده بودم که حزب، اتحادیه کارگری یا سوسیالیسم و کمونیسم چیست.

...

در آغاز میهن پرستی (پاتریوتیسم)، و نه هنوز کمونیسم، مرا به ست‌اعتماد به لنین و بین الملل سوم هدایت نمود. قدم به قدم، در راه مبارزه، با مطالعه مارکسیسم - لنینیسم، با شرکت در فعالیت‌های علمی، تدریجا به این واقعیت دست‌یافتم که تنها سوسیالیسم و کمونیسم میتواند خلقهای دریند و زحمتکشان را در سراسر جهان از اسارت نجات بخشد.

در کشور ما و کشور چین افسانه‌ای در باره "کتاب‌فرزانگان" معجزه‌آسا وجود دارد. به هنگام رودروشی با دشواریها باید این کتاب را گشود و راه نجات را در آن یافت. لنینیسم تنها آن "کتاب‌فرزانگان" معجزه‌آسا، یعنی قطب‌نمای انقلابیون و خلق ویتنام نیست، بلکه به منزله آن - خورشید روشنی بخشی است که راه ما را به پیروزی، سوسیالیسم و کمونیسم مینمایاند.

از کتاب:

منتخبی از آثار هوشی مین

به مناسبت ۳۰ آوریل، هشتمین سالگرد انقلاب شکوهمند ویتنام



بقیه از صفحه ۱۱

برگزاری مراسم مذهبی در ویتنام آزاد میباشد ولی به دلیل تعلیمات صحیح حزب، در حال حاضر از ۵۷ میلیون جمعیت ویتنام (طبق منابع امپریالیستی که همواره خواهان کثیرالتعداد نشان دادن مذهبیون در کشورهای سوسیالیستی میباشد)، تنها اندکی بیش از پنج میلیون کاتولیک در ویتنام وجود دارند که در حدود ۱۲۰۰۰ نفر آنان به کلیسا میروند. این خود نشانگر طریقه صحیح و مؤثر مبارزه حزب با مذهب میباشد.

علیرغم همه این دستاوردها، خلق ویتنام هنوز با انبوهی از مشکلات مواجه است. مبارزه با بازار سیاه و قاچاق، ریشه کن کردن بیکاری (مسئله ای که امروزه در اغلب کشورهای سوسیالیستی از جمله در اتحاد شوروی حل شده به حساب میآید)، بهبود تغذیه (مصرف گوشت یک کارگر متوسط در ماه حدود ۲ کیلو گرم میباشد که با وجود اینکه این رقم در مقایسه با کشورهای نظیر ایران که تنها یکمقد و پنجاه گرم در ماه است رقم بالایی به نظر میرسد، هنوز در سطح یک کشور سوسیالیستی پیشرفته نیست) از جمله اهدافی هستند که پیش روی خلق ویتنام قرار گرفته اند. در رابطه با چگونگی پیش بردن این اهداف در حال حاضر سه نظرگاه در حزب کمونیست ویتنام موجود میباشد. دیدگاهی که از طرف رفیق فوانگ نمایشده می شود معنقد به دادن امتیازات بیشتر به بورژوازی ویتنام میباشد. نظریه ای که محور آن رفیق ترون شین میباشد معتقد به کنترل بیشتر دولت بر امر تولید و توزیع و ایجاد محدودیتهای بیشتری برای بورژوازی میباشد. دیدگاهی که بین این دو نظریه قرار گرفته و در عین حال دیدگاه اکثریت حزب کمونیست ویتنام به رهبری رفیق له دوان میباشد، معتقد به قبول موقت و محدود وجه تولیدی سرمایه داری بوده و وجه توزیعی و تجارت خارجی آنرا کاملاً رد میکند. شکی نیست که ادامه مبارزه ایدئولوژیک در درون حزب کمونیست ویتنام منجر به انتخاب صحیح ترین راه شده و خلق قهرمان این کشور با موفقیت در راه ساختمان سوسیالیسم به پیش خواهد رفت.



رفرم که شباهت بسیاری به برنامه نخب "سیاست اقتصادی نوین" در روسیه که طراح اصلی آن رفیق لنین بود، دارد تا کنون اثرات چشمگیری در زمینه سازی ساختمان سوسیالیسم در ویتنام داشته است. حزب کمونیست ویتنام موفق شد تا بار دیگر با تحلیل از شرایط مشخص ویتنام، خلق ویتنام را از یکی دیگر از تندبچه های تاریخ عبور دهد. پنجمین کنگره این حزب پنجاه و سه ساله که سال گذشته در هانوی برگزار شد، دستاوردهای ساختمان سوسیالیسم طی دوره گذشته را به قرار زیر برمی شمارد: در زمینه کشاورزی در طی دوره گذشته (۸۲-۱۹۷۶) مقدار زمین زیر کشت بیش از ۲ میلیون هکتار افزایش یافت و همچنین بیش از ۱۸۰۰۰ تراکتور به تعداد قبلی اضافه شد که خود کمک هایانی به پروسه مکانیزه کردن کشاورزی کرده است. در حال حاضر حدود ۵۸۰۰۰ هکتار مراتع جنگلی در ویتنام به وجود آمده است. در زمینه صنعت بیش از ۱۰۰۰۰۰ کیلو وات به نیروی برق اضافه شده است. همچنین میزان تولید سیمان ۲ میلیون تن افزایش یافته است. در زمینه ارتباطات با وجود خسارات بسیار زیاد وارده در نتیجه حمله چین، در حال حاضر حدود ۱۷۰۰۰ کیلومتر راه آهن، ۲۸۰۰ کیلومتر جاده، ۳۰۰۰ متر پل در ویتنام وجود دارد. ریشه کن کردن بیسوادی در جنوب نیز یکی دیگر از دستاوردهای این دوره محسوب میشود. در حال حاضر بیش از ۱۶ میلیون نفر مشغول تحصیل در ویتنام میباشد.

سال ۱۹۷۹ نیز حکومت چین دست به یک حرکت ارتجاعی زده و حدود شصدهزار سرباز خود را به درون خاک ویتنام فرستاد. حاکمیت چین به دلیل اینکه خلق ویتنام به وظائف انترناسیونالیستی خود ارج نهاده و به کمک خلق کامبوج شتافته بود تا آنان را از شر حاکمیت خونخوار پل پات عیلامی کند، تصمیم به "تنبيه" خلق ویتنام گرفته و بیش از شش شهر در شمال ویتنام را منهدم کرده و بسیاری از راه های ارتباطی را از بین برد. ولی اینبار نیز خلق ویتنام از جنگ مقاومت سر بلند و بیروز برون آمد و چون گذشته پوزه متجاوزین را به خاک مالید.

باری این وقایع اثرات مغرب خود را بر اقتصاد ویتنام به جای نهاد و باعث گردید که تولید کشور در سال ۱۹۷۹ بمیزان ۴/۵ درصد تنزل یابد. با توجه به مشکلات فوق، کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام در ششمین پلنوم خود در ژوئیه ۱۹۷۹ قطع نامه ای معروف به "قطعنامه شن" تصویب نمود که بر طبق آن بنا شد که پروسه ملی کردن سرمایه های کوچک کندتر شده و برای واحدهای تولیدی، بهشتاً انگیزه های مادی مقرر شود. برای مثال برای زارعین برنج حجم مشخصی متعادل با ظرفیت مزرعه آنان از طرف برنامه ریزان مرکزی تعیین میشود که قیمت برنج تا آن حجم در حدود کیلوئی ۲۶ سنت میباشد و اگر چنانچه زارعین موفق شوند اضافه بر حجم تعیین شده تولید نمایند، میتوانند آنرا اضافه تا کیلوئی ۷۴ سنت به خود دولت به فروش رسانند. این

بگذار سخن بگویم!

"بگذار سخن بگویم" گزارشی است از دمیتیلای هاریوس دوچونگارا Domitila Barrios de Chungara از معادن قلع بولیوی در باره مردمش، زندگی و مبارزه مردان و زنان معدنچی و افت و خیزهای جنبش کارگری و ضد - امپریالیستی بولیوی. این کتاب مجموعه‌ای است از گفت و گوهای که خانم موئسا ویززر (Moema Viezzer) روز نامه نگار و مردم شناس مترقی برزیلی با دمیتیلای بولیوی و همچنین طی اقامت دمیتیلای در - مکزیک (برای شرکت در "دادگاه سال جهانی زن") با وی داشته است. این گفتگوها توسط خانم ویززر تنظیم شده و پس از تجدیدنظر در آن که به پاریس دمیتیلای صورت پذیرفت در سال ۱۹۷۸ بصورت کتاب توسط بنگاه انتشاراتی Monthly Review منتشر گردید. ترجمه فارسی این اثر که توسط احمد شاملو و ع. باغابی و به شیوه ترجمه آزاد انجام گرفته، بدون آنکه به محتوای اثر لطمه ای وارد کند، با استفاده از لغات و اصطلاحات رایج در محاورات توده‌ای هر شیوایی و - گهرایی این اثر افزوده است.

"بگذار سخن بگویم" گزارش تجربه شخصی دمیتیلای است در باره زنان و مردان زحمتکشی که در زیر وحشیانه ترین دیکتاتوری‌ها رنج می‌برند و برای آزادی - شان پیکار میکنند. آنچه که این کتاب را از آثار مشابه متمایز می‌سازد آنست که نویسنده آن نه فردی تحصیلکرده، بلکه زنی است خانه دار و از طبقه زحمتکش، مادر هفت فرزند، زنی که نه تنها مورد استثمار و بهره کشی سیستم سرمایه داری قرار میگیرد، بلکه مجبور است مستم مفاعفی را در جامعه تحمل کند. دمیتیلای بدون آنکه ادعای ارائه تحلیل تاریخی جنبش کارگری و توده‌ای در بولیوی را داشته باشد، راوی آنچه که بر او، خانواده‌اش، "کمیته زنان خانه دار سیگلو ۲۰" و جنبش اتحادیه‌ای معدنچیان گذشته است، می‌باشد. با این حال گزارش او که به زبان توده‌ها و با استفاده از کلمات و عبارات رایج محل -

زندگی خودش انجام گرفته، دلایل شکستها و پیروزی‌های مردمش و درسهایی که باید از آن گرفت را به آشکونه که محرومترین اقشار مردم از آن چیزی سردر بیاورند، بیان میکند. در این مورد خود دمیتیلای در مقدمه کتاب میگوید: "... می‌خواهم که این گزارش به دست فقیرترین مردم برسد، مردمی که آه در بساطشان نیست، اما به راهنمایی نیاز دارند، محتاج سرمشقی هستند که بتواند در زندگی آینده‌دستان را بگیرد. به خاطر آن‌هاست که قبول کردم حرفهایم نوشته شود. مهم نیست روی چه جور کاغذی به چاپ برسد، آنچه خیلی مهم است این است که برای طبقه زحمتکش مفید باشد، نه این که فقط فایده‌اش به روشنفکر برسد یا به کسانی که این جور



"بگذار سخن بگویم"
را میتوانیید با ارسال ۵/۵ دلار
به آدرس "جهان" تهیه‌نمائید

چیزها کسب و کار آن‌هاست. کتاب "بگذار سخن بگویم" نمونه ارزنده ای است از ادبیات کارگری و غنای زبان توده‌ها. به جرئت میتوان گفت پس از کتاب "مادر" گورکی، کمتر نوشته‌ای توانسته است به اندازه این کتاب به توصیف واقعیت زندگی و مبارزه کارگران و زنان زحمتکش پرداخته باشد. دمیتیلای با اینکه ازدانش و آگاهی روشنفکران برخوردار نیست، به دلیل دید عینی از مسائل و مشکلات جامعه طبقاتی، اثری از خود بجای میگذارد که خیلی بیشتر از بهترین داستان‌ها به تصویر محیطی که در آن زندگی میکند پرداخته و خواننده را مدام به دنبال خود میکشاند.

کتاب "بگذار سخن بگویم" را میتوان به سه بخش تقسیم کرد: ۱) توصیف زندگی - طاقت فرمای معدنچیان، ۲) مشکلات و مبارزات زنان، ۳) تجربیات جنبش اتحادیه‌های معدنچیان.

زندگی در معدن

بولیوی کشوری است در قلب آمریکای جنوبی با ۵ میلیون جمعیت که حدود نیمی در آمد آن از منابع زیرزمینی و معادن تامین میشود. حدود ۷۰ هزار نفر در معادن آن کار میکنند. معادن "ملی شده" بولیوی به وسیله شرکت معدن بولیوی (Comibol) اداره میشود. سیگلو ۲۰ (کاتای) بزرگترین مرکز معدنکاری بولیوی محسوب میشود. در اینجا است که طبقه کارگر بولیوی بزرگترین تجارب انقلابی را بدست آورده و در اینجا است که حکومت‌های بولیوی به فجیع‌ترین قتل عام‌های معدنچیان دست زده‌اند. در حقیقت دمیتیلای در "بگذار سخن بگویم" زندگی و مبارزه را در اردوگاه معدنکاری سیگلو ۲۰ تصویر میکند.

در سیگلو ۲۰ تنها معدودی از معدنچیان دارای خانه سازمانی هستند و اکثر معدن - چیان مجبورند که در یکی از دهکده‌های مجاور آلونگی کرایه کنند. خانه‌های معدنچیان بسیار محقر است. قفسی پنج یا شش متری که باید یکجا کار اطاق نشیمن و آشپزخانه و اطاق خواب خانواده را انجام بدهد. دمیتیلای و شوهرش هفت تا بچه قدونیم قدشان در چنین قفسی می‌خوابند. در آنجا بچه‌ها به درس و مشقشان می‌رسند و در آنجا بازی میکنند. برای تهیه آب آشامیدنی، هر خانواده باید در صف‌های عمومی مدتی معطل شود. یک حمام عمومی وجود دارد با ده دوازده تا دوش برای همه اردو، که یک روز زنانه است و یک روز مردانه، در حالیکه در خانه‌های مخصوص کارمندان غنی شرکت تسهیلات بهداشتی وجود دارد، در - آلونک‌های کارگران اطلاعات از این چیزها نیست مثلا در محوطه‌ای که خانواده دمیتیلای در آن زندگی میکنند، یک مستراح عمومی وجود دارد با ده تا چاهک برای همه همسایه‌ها. کار معدن تعطیل بردار نیست و شب و روز ندارد. هر روز به دسته نوبت‌کاری میکنند. بدتر و سخت‌تر از همه نوبت‌کاری شب است. معدنچی تمام شب را جان میکند و به خانه می‌آید تا در طول روز بخوابد.

بگذار سخن بگویم!



کارگران معادن بولیوی

اما مگر میشود در خانه قد قوطی کبریت که باید هفت هشت تا بچه قد و نیم قد در آن بازی کنند، استراحت کرد؟ از ایفروس که همه کارگران از نوبت کاری شب منتظرند، اما بهر حال چاره‌ای ندارند. مقررات شرکت است و باید بارش را بکشند. طول متوسط صریک معدنی تقریباً ۳۵ سال است و موقعی که به این سن میرسد "سلی کوز"، بیماری معدن درست و حسابی کارش را می‌سازد. ذرات گرد و غبار که از راه تنفس به ریه‌ها می‌رود داخل ریه را درمی‌آورد. شرکت برای آنکه کارگران را در وضع فلاکت باری که هستند، نگهدارد، یک حقوق بخور نمیری به آنها میدهد. از دستمزد یک معدنی اگر وجوه مختلفی را که شرکت به بیانه‌های مختلف از سروتش می‌زند، کم کنیم چیزی کمتر از یک دلار در روز باقی نمی‌ماند. بدینگونه است که کارگران در آخر ماه یک چیزی هم به شرکت بدهکار میشوند.

زندگی فلاکت‌بار معدنیان بولیوی تا بحال آنها را بارها به مبارزه بر علیه دولت کشانده است. آری گرسنگی می‌آموزد، گرسنگی نبرد می‌آموزد.

کمیته زنان خانه‌دار سیگلو ۲۰

برای آنکه بدبختی‌ها و مشقاتی که زنان معدنیان باید تحمل کنند، بهتر لمس شوند، دمیتلا به توصیف کارهای روزانه خود می‌پردازد. ساعت چهار صبح باید بیدار شود تا برای شوهرش صبحانه آماده کند. بعد باید شروع کند به درست کردن سالتن بیلا (Saltena نوعی کلوچه) برای فروش در خیابان. فروش کلوچه کمکی است به خرج خانه. قبل از آنکه بچه‌ها بیدار شوند دمیتلا باید لباسهایی را که شب قبلاً خیسانده، بشوید. ساعت ۸ برای فروختن کلوچه بیرون میرود، ولی در ضمن نباید از تهیه آذوقه غافل بماند. برای تهیه آذوقه باید در صف طولانی گوشت، سبزی، شفت و... بایستد. ظهر باید برای بچه‌ها شاهر حاضر کند. بعد از ظهر باید چند ساعتی در "کمیته زنان خانه‌دار" به کارهای مربوطه برسد و با زنانی که برای راهنمایی به آنجا می‌آیند، کپ بزند. شب باید برای شوهر که خسته و کوفته از معدن برمیگردد و بچه‌ها که از مدرسه برگشته‌اند، غذا

درست کند و به درس و مشق بچه‌ها بپردازد. از ایفروس ناگزیر است اغلب نیمه شب به رختخواب برود.

دمیتلا با زبانی که برای زنان زحمتکش ملموس میباشد، استعمار متفاوت زنان را شرح میدهد. او توضیح میدهد که اگر زنان در مقابل کارشان پول نمیگیرند، ولی واقعا کار میکنند و به اقتصاد خانوادگی کمک می‌رسانند. او برای آنان تشریح میکند که چگونه سیستم سرمایه‌داری با استثمار کارگران و دستمزد کمی که به آنها میدهد، همسرانشان را مجبور میکند که در خانه مثل سگ‌جان بکنند.

بخش مربوط به چگونگی تشکیل کمیته زنان خانه‌دار بسیار خواندنی است. این کمیته به وسیله ۷۰ نفر از زنان معدنی که در طی یک مبارزه درخشان که زنان به حمایت فعال از شوهران دستگیر شده خود پرداخته بودند، در سال ۱۹۶۱ بوجود آمد. تشکیل چنین کمیته‌ای کار آسانی نبود. بغیر از دولت که سنگ می‌انداخت، متأسفانه مردها نیز به خاطر عقب ماندگی فرهنگی، مانع کار میشدند. مردها که عادت نداشتند زنان را در صحنه مبارزه سیاسی ببینند، بنا کردن داد زن که: "آجی برگرد خونه! برو آشپزخونه آشوبهز همشیره رختا تو تشت منتظر تن بابا! برگرد سر خشتک شوریت آجی! خیلی از آنها نیز فکر میکردند که برای آن ساخته شده‌اند که کنج خانه بنشینند، بچه‌داری کنند و به پخت و پز و بشور و مال و رفت و روبشان برسند و باید فعالیت‌های اجتماعی، اتحادیه‌ای و سیاسی را به مردان واگذار کنند. اما واقعیت‌های

سخت زندگی "کمیته زنان خانه‌دار سیگلو ۲۰" را مجبور کرد که به هر قیمتی که شده سازمان پیدا کنند. به همت زنان استخوان‌داری مثل دمیتلا، کمیته زنان خانه‌دار در تمام مناطق معدنی ملی شده بولیوی مشغول به فعالیت شد. کمیته زنان خانه‌دار تشکیلات رزمنده‌ای شد نه تنها برای زنان، بلکه برای کل طبقه کارگر.

طبیعی است که برای تشکیل چنین کمیته رزمنده‌ای، دمیتلا و دیگر رهبران زن - دشواری‌های بسیاری را از سر گذراندند. دمیتلا خود دوبار به زندان افتاد و یک بار به منطقه بد آب و هوای لوس یونگاس تبعید شد. بار اولی که دمیتلا به بند افتاد، بعد از کشتار "سان خوان" بود. بعد از شروع مبارزه چریکی چه‌گوارا و زلفایش در ژوئن سال ۱۹۶۷، حکومت نظامی بولیوی دمیتلا را به اتهام رابط چریک‌ها بازداشت نمود. ولی در مدتی که در زندان بود شکنجه‌ها و مرارت بسیاری را تحمل نمود ولی هیچگاه به زحمتکشانش پشت نکرد. بالاخره با حمایتی که کارگران و دانشجویان از وی میکنند، دولت مجبور میشود او را رها کند. ولی دمیتلا از آن کسانی نبود که بعد از رهایی از زندان، سکوت اختیار کند. وی با تمام انرژی خود به افشای دولت نظامی بولیوی می‌پردازد و زحمتکشانش را به اتحاد و مبارزه دعوت میکند. در نتیجه مجدداً به زندان می‌افتد. این بار او را - چنان شکنجه و آزار می‌کشند که بچه چندی ماهه‌اش را سقط میکند.

بقیه در صفحه ۲۵

بگذار سخن بگویم!

در سال ۱۹۷۲، یک زن فیلمساز برزیلی از طرف سازمان ملل برای تحقیق در مورد موقعیت زنان به بولیوی می‌آید. وی با دمیتیلای که بخاطر مبارزات خود مشهور شده بود، ملاقات کرده و او را به دادگاه سال جهانی زن که قرار بود در سال ۱۹۷۵ در مکزیک برگزار شود، دعوت می‌کند. دولت بولیوی به خاطر فشارهای بین‌المللی با سفر دمیتیلای به مکزیک موافقت می‌کند. اما بشرطی که او شرط عقل بجای آورد و لب فروبندد.

در کنفرانس سال جهانی زن که پیشتر با شرکت زنان مرفه و فمینیست برگزار شده بود، تنها به مسائل فرعی زنان اشاره می‌شد و آنچه که اساساً مطرح نبوده مشکلات اساسی زنان زحمتکش آمریکای لاتین بود. از اینرو دمیتیلای شجاعانه به طرح مسائل و مشکلات واقعی زنان زحمتکش می‌پردازد. رشادیت دمیتیلای، آرامش زنان بورژوازی را که بجز بزرگ دوزک، آرایش و دلباس به چیز دیگری فکر نمی‌کردند، بهم می‌زند. آنها به او - اعتراض می‌کنند که چرا مرتب راجع به مردمنش دیکتاتوری و کشتار حرف می‌زند و از مسائل مشترک زنان سخن نمی‌گوید. اما دمیتیلای برای دردل کردن با این زنان نیامده بود. او آمده بود که از این تریبون مسائل واقعی زنان زحمتکش را مطرح کند تا رژیم دیکتاتوری بولیوی در نزد افکار عمومی جهان افشا شود. زندگی در میان زحمتکشان به او آموخته بود که: "رک و راست سخن بگو. بی بزرگو و بی پیروایه سخن بگو. برای آن - بگو که مفهوم گردد، نه مفهوم گروهی ظریف و نکته سنج، بلکه مفهوم ساده ترین فقیرترین مردم" (رومن رولان - زن کریستف).

زندگی سخت در معادن به او آموخته بود که هیچ گونه مسائل مشترکی بین زنان زحمتکش و زنانی که در قشرهای مجلل می - نشینند نمی‌تواند وجود داشته باشد. او آموخته بود که مسائل زنان نیز طبقاتی است. از این رو در جواب اعتراض زنان مرفه می‌گوید: "من و شما از کدام "تساوی" از کدام "مسائل و مشکلات مشترک" می‌توانیم حرف بزنیم؟ ... وقتی می‌بینی این همه اختلاف زندگی، اختلاف فکر، اختلاف سطح هست چی داریم که به هم بگوئیم؟"



Students set up barricades in futile resistance.

بزئیل ۱۹۸۰ - دانشجویان سنگرهای مقاومت برپا میدارند

کارگر بولیوی و بخصوص کارگران معدن دولت نتوانسته است اتحادیه ها را به خدمت خود درآورد.

در این کتاب خواننده میتواند از طریق مطالعه تجربه شخصی دمیتیلای به نکات قوت و ضعف جنبش اتحادیه های بولیوی پی ببرد. اتحادیه معدنچیان بولیوی توانسته است در روند مبارزه طبقه کارگر، رهبران بسیار خوب و ارزنده ای را در میان کارگران - تربیت کند. گذشته از این رابطه تنگاتنگی با کارگران و خانواده های آنها برقرار نموده و همه آنها در مبارزات سیاسی به حرکت درآورد، نکته جالب توجه اینک - اتحادیه های بولیوی تشکلی که صرفاً برای خواسته های صنفی و اقتصادی کارگران مبارزه کند نبوده و اغلب با طرح خواسته های سیاسی، مبارزه کارگران را ارتقاء داده است. برای مثال اتحادیه کارگران بولیوی (COB) در سال ۱۹۷۰ در کنگره خود تصویب نمود که "بولیوی فقط وقتی آزاد خواهد بود که یک کشور سوسیالیستی بشود".

در بخشی از کتاب که مربوط به خاطرات دمیتیلای از جنگ چریکی چه گوارا و رفقایش در بولیوی میشود، عدم توجه چریکهای بولیوی به جنبش اتحادیه ای و مبارزات بالفعل کارگران معدن مشخص میشود. دمیتیلای ضمن تجلیل از مبارزات چه گوارا و رفقایان به اشتباهات آنها می‌پردازد. وی با استناد به "یادداشت های روزانه" چه نتیجه می‌گیرد که در بولیوی تصویری غیرواقعی برای چه گوارا رسم کرده بودند. اشتباه دیگر "چه"

بقیه در صفحه ۲۶

شرکت در "دادگاه جهانی زن" دمیتیلای را به عنوان چهره ای مبارز از زنان زحمتکش به جهانیان معرفی نمود. به نظر دمیتیلای راه حل مشکلات زنان نه در مبارزه برعلیه مردان، بلکه در مبارزه مشترک زنان و مردان بر علیه سلطه سرمایه داری است. بگذارید این مسئله را از زبان او بشنوم: "موضع ما با موضع فمینیست ها (Feminists) یکی نیست. ما فکر می‌کنیم که آزادی مان در درجه اول منوط به این است که کشور ما برای همیشه از یوغ امپریالیسم رهبا شود. ما می‌خواهیم کارگری مثل ما صاحب قدرت باشد و توانین، تعلیم و تربیت و همه چیز در کنترل او قرار بگیرد. بعد، حال و روز بهتری پیدا خواهیم کرد و آزادی کاملی خواهیم داشت که خوب دیگر، آزادی ما زن ها را هم شامل خواهد شد."

جنبش اتحادیه های معدنچیان

بخش قابل ملاحظه ای از کتاب بگذار سخن بگویم "اختصاص به مبارزات کارگران معدن، دستاوردها و شکست های آن دارد. اصولاً معدنچیان و سایر کارگران بولیوی در اتحادیه ها متشکل شده اند. اتحادیه های معدنچیان بولیوی در سطح ملی در فدراسیون اتحادیه های کارگران معدن بولیوی (FSTMB) متحد شده اند. این فدراسیون با فدراسیون اتحادیه های کارگران ساختمانی، منعقدی، راه آهن، رانندگان کامیون و غیره در اتحادیه کارگران بولیوی (COB) متمرکز شده و از طریق کنگره ها و توافق های مشترک مبارزه برعلیه دولت بولیوی را به پیش می‌برند. به خاطر سخت مبارزاتی طبقه

بگذار سخن بگویم!

شماره نداشتن با سازمانهای واقعی مردم یعنی سازمانهای طبقه زحمتکش بود "تا بتواند عقاید صمیمانه و بی شیله پيله آنها را بشنود".

را دیكاليزم معدنچیان تا آن حد بود که بدون اینکه هیچگونه ارتباط ارگانیک با چریکها داشته باشند، بیانیه گروه چریکی "چه" را از رادیو "صدای معدنچی" پخش نمودند و به خاطر این کار هم رژیم کشتار وحشیانه "سان خوان" را براه انداخت.

البته جنبش اتحادیه‌ای نیز اغکالات خودش را داشت که مهمتر از همه رهبری نشدن آن از جانب یک حزب انقلابی بود که بتواند سیاست‌های انقلابی را در شرایط دشوار اتخاذ کند. اگرچه این کتاب گزارش تجربه‌های شخصی دمیتیل است و نباید از آن موضع تشویر صرف‌مورد ارزیابی قرار گیرد، با اینحال همانطور که خود دمیتیل میگوید برای غنی کردن تجربه خلق‌های کشورهای مختلف، میباید مورد تحلیل انتقادی قرار گیرد. مهم‌ترین انتقادی را که میتوان در این کتاب متوجه دمیتیل دانست، کم توجهی وی نسبت به نقش احزاب و سازمانهای انقلابی است. البته بعداً در سال ۱۹۷۸ در گفتگویی که موففا، تنظیم‌کننده کتاب با وی داشته است، دمیتیل بر اثر

جمع بندی تجربیات شخصی خود این نظر خود را تصحیح میکند: "... اگرچه من غالباً حرف اتحادیه را پیش کشیده‌ام اما اعتقاد بر این است که مبارزه رهایی بخش مردم باید از طریق حزبی رهبری شود که به راستی حزب ستم‌دیدگان و استثمار شدگان باشد. حزب کارگران و زحمتکشان. به عبارت دیگر ما باید حزب خود را داشته باشیم و آن را هدایت کنیم. با آن مختصر اطلاعاتی که از واقعیات بولیوی دارم ... معتقد شده‌ام که روشنفکر ما باید با ما کار کند. این فکر که حزب کارگران و دهقانان آرمان‌های خودشان را دارند، مبارزه‌شان را ادامه میدهند و به پیروزی میرسند، فکر بیخودی است ... کبرم روشنفکرها باید به واقعیت زحمتکشان نزدیک باشند و آن را لمس کنند تا بتوانند نظریات سوسیالیسم را به درستی و با شرایط واقعی این محیط تطبیق بدهند".

بعد از سال ۱۹۷۵، شرایط خفقان و دیکتاتوری در بولیوی بسیار تشدید شد و

فعالیت اتحادیه‌ها غیرقانونی اعلام گردید. موج سرکوب و زور موقتاً موجب فرو نشستن مبارزات کارگران گردید. امروز رژیم دیکتاتوری علیه مردم کودتاها و فعلوانفعالات سیاسی بسیار، هنوز سلطه خویش را بر خلق بولیوی حفظ نموده است. اما دمیتیل حالا دیگر رهبری آبدیده و استخواندار است که این شکست‌ها نمیتواند در اراده و ایمان او نسبت به پیروزی - نهایی کارگران و زحمتکشان خللی وارد کند. او با توجه به دستاوردهای کشور های سوسیالیستی و کشورهای که از زیر سلطه امپریالیسم رها شده‌اند، پیروزی کارگران دهقانان و زحمتکشان را اجتناب ناپذیر میدانند. او حالا دیگر یک انترناسیونالیست بزرگ است که مبارزه و همبستگی بین‌المللی را برای کارگران و زحمتکشان همه کشورها که مانند بولیوی در زیر شدیدترین سرکوبها و خشونت‌ها بیکار میکنند، ضروری میداند: "میدانیم که مبارزه‌ای طولانی در پیش است اما این، بهرحال چیزی است که ما همه با آن درگیریم، نه تنها ما، که خلق‌های فراوانی در سرتاسر جهان در سنگر همین مبارزه‌اند و چرا این را نگوئیم؟ هرملتی به همبستگی ملل دیگر نیاز دارد، درست مثل ما، چون جنگ ما جنگ بزرگ، جنگ جهانی است. پس ما هم باید انترناسیونالیسم پرولتاریائی را که بسیاری از ملت‌ها در باره‌اش سرود خوانده‌اند و بسیاری از کشورها را هنر را دنبال کرده‌اند، تمرین کنیم".

تلفن‌های خبری

"سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران"

لوس آنجلس

غرب لوس آنجلس

شیکاگو

نیویورک

هوستون (تکزاس)

واشنگتن

برکلی

میامی

بتن روژ (لوشیوانا)

ساندیاگو

اکلها

دالاس - آرلینگتون

دنشون (تکزاس)

سیاتل (واشنگتن)

تمپی (آریزونا)

مونتreal (کانادا)

تورنتو (کانادا)

هواداران

در آمریکا و کانادا

۲۸۹-۹۹۰ (۲۱۲)

۲۹۱-۷۴۱۸ (۲۱۲)

۲۴۸-۷۸۹۳ (۳۱۲)

۲۵۲-۹۲۵۲ (۲۱۲)

۹۲۱-۶۲۲۱ (۷۱۲)

۸۲۰-۱۹۰۲ (۷۰۲)

۵۴۸-۶۱۰۰ (۴۱۵)

۸۹۱-۰۳۹۹ (۳۰۵)

۹۲۵-۲۲۴۱ (۵۰۴)

۴۶۳-۴۹۰۷ (۶۱۹)

۳۶۰-۶۵۲۶ (۴۰۵)

۲۶۱-۲۰۲۰ (۸۱۷)

۳۸۲-۴۷۴۲ (۸۱۷)

۵۲۲-۴۴۴۴ (۲۰۶)

۸۹۴-۱۰۰۲ (۶۰۲)

۹۳۲-۱۲۲۲ (۵۱۴)

۶۵۲-۴۲۸۲ (۴۱۶)

تقدیر بر تئوری سوسیال امپریالیسم" بقیه از صفحه ۲۰

"اکثریتی‌های" خاشاک به حزب توده و تقویت امپورتونیسیم راست، لطامات شدیدی به مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلق‌های ایران و تشکیل صف مستقل طبقه کارگر و ایجاد حزب طبقه کارگر وارد آورده است. اما سلطه امپورتونیسیم راست برای مدت نسبتاً طولانی، درها را برای رشد امپورتونیسیم چپ و آنارشیزم کاملاً زگذاشته است. همانطور که لنین میگوید "آنارشیزم اغلب یک نوع کیفری در مقابل معاصی امپورتو -

نیستی جنبش کارگری بوده است. هر دوی این پدیده‌ها ی‌زشت، مکمل یکدیگر نیستند" (بیماری کودکی "چپ‌روی" در کمونیسیم منتخب آثار صفحه ۲۳۹). امروز تمام کسانی که به آینده جنبش کارگری و تأمین صف مستقل طبقه کارگر، سرنگونی قهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی، پیروزی انقلاب دموکراتیک توده‌ای و استقرار سوسیالیسم می‌اندیشند باید مبارزه قاطعی بر علیه کاپله انحرافات درون جنبش کمونیستی از جمله تئوری - ارتجاعی سوسیال امپریالیسم بعمل آورند. هرگونه سهل‌انگاری در این مورد ضربات سنگینی را بر جنبش کمونیستی ایران وارد ساخته و در تحلیل نهائی خیانت به آرمانهای طبقه کارگر ایران خواهد بود.

1. Marx and Engels, Selected Correspondence, 1846-1895. Greenwood Press Publishing, 1975, P47E

2. Alec Nove. The Soviet Economy: Problems and Prospects.

3. Alec Nove. New Left Review, No. 119 (Jan-Feb) 1980, P. 3-19.

4. Michael Goldfield and Melvin Rothenberg. The Myth of Capitalism Reborn. Line of March Publications, 1980.

5. John B. Quigley. The Soviet Foreign Trade Monopoly, Institutions and Laws. Columbus: Ohio State University, 1974.



مقاومت

برگهای کتابتان را
از دانشی سرخ رنگین کرده‌اید
رفقا!

سبزه شفق گونه‌ی سینماها تان
آن پایداری توفندمایست
که دیروز

کاخ شاه
و امروز

جمجمه‌ی سالوسان را
ویران کرده است.

خلق

دانشتان را

درخشکار جهالت

و هجوم طاعون

مثل آب زلال

می‌نوشد.

خلق

پیراهنتان را

برچم می‌کند.

بگذار

بتازد

بگذار

ویران کند

دانش را

دانشگاه را.

در خیابان انقلاب
توفان

ولوله می‌کند.

در خیابان انقلاب

چونان تمام معبرهای جهان

سرنوشت توده‌ها

رژه می‌رود

و "پیشگامان"

برچم سرخ دانش را

بر دوش توده‌ها

می‌نهند.

جنگ!

جنگ!

جنگ سرمایه با کار

جنگ جهالت با دانایی.

برگهای کتابتان را

از دانشی سرخ رنگین کرده‌اید

برگهای کتابتان را

از عشق به خلق

دور می‌زنید

رفقا!

شلیک مقاومت

باروی ارتجاع را

فرو می‌ریزد.

هر روز اول اردیبهشت

آنک به صف

فوج فوج

زنجیر بسته و آهن عزم

هزاران جوان دانشجو

میدمند پادهان

شیپور پر غروش انقلاب را:

"اتحاد..."

مبارزه...

پیروزی...

فریاد گرم و مصمم و امیدوارشان

درمی‌آمیزد

با ازدهام مفیر گلوله

و قهقهه سرمستی از غرور

و تشنگی قدرت

روز حاکمیت "قانون"

- قانون پلید سرمایه - را.

چشم می‌گیرد.

سرود "بهاران خیمه‌ساز"

چه رنجور و غمگانه است اینک

در غرض دیوانه رگبارها و باد

.....

آه...

ای فقیر مانده بلوچستان!

ای سر سبز جنگل کیلان!

ای دشت سوخته کویر، ای لوت!

ای تلخ تر از اشک مادران، عمان!

ای قلعه سربه مهر، کردستان!

میدانید

روزی که جوانه زند

پیوند علم و پیشتان کارگر

و به گل بنشیند

نهال باروریهای داس و پتک

هر روز اول اردیبهشت

هر روز آخر خرداد ماه

هر روز هشت تیر

هر روز ۱۷ شهریور

هر روز شانزدهم آذر

هر روز نوزده بهمن

هر روز روز خون و جوغه اعدام بهشمار

هر روز

روز تنگ و مرگ

بر امپریالیسم جهانی

و جیره بگیران داخلی است.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

بهار

با جشنواره‌ای از عطر یاس‌ها

به اردیبهشت - ماه گرمی و سبزه -

پای مینهاد

باد تواندهند "بیژن" و همزمان

بند حماسه پایداری را

به گل نشسته بود

بهار بود

داسن کشان و جلوه کشان

بهار آمده بود

همراه نغمه امید مرغکان

.....

آنک به خشم

دستها، مشت

مشتها گره خورده

و هزاران دهان سرخ

غران - به عشق - میخوانند:

"آمریکا تو خالیست، ویتنام گواهیت"

.....

آنک به دین

گروه گروه مرد و زن

هر یک نظاره گر،

ناباور، پریان،

با چشمهای دریده از حیرت:

"این پیا مبران دروغین عدل و داد

آوخ چگونه، چه زود

به درو آلاله‌های سرخ شکوفایی

به میراندن چراغ فرا راه خلق

کمر بستند"

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

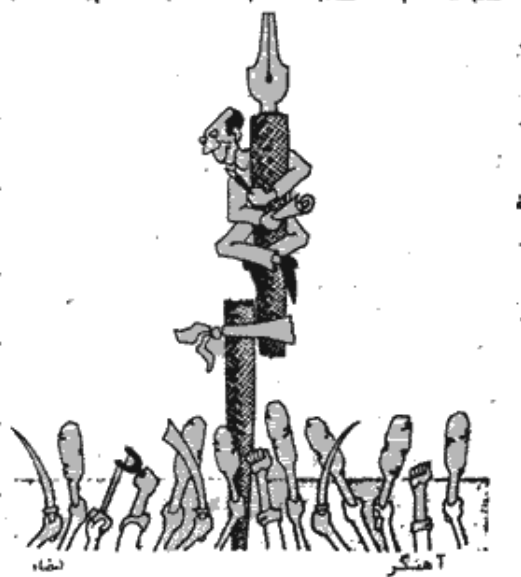
.....

.....

.....

.....

.....



لیست کتابهای موجود برای فروش

الف - از انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و ...



— میخواستم ببینم کتاب تازه چی اومده... ۲۰۰ هزار

ه - جنبشهای رها شیبخ

قیمت به دلار	نام کتاب
۱/۷۵	۳۴- نیکاراکونه
۱/۰۰	۳۵- بیانیه بین المللی ارتش چریکی فقرا (گواتمالا)
۱/۰۰	۳۶- مقدمه‌های بر انقلاب کوبا
۱/۲۵	۳۷- انقلاب در آنگولا
۱/۷۵	۳۸- انقلاب در آمریکای لاتین (۱)
۱/۲۵	۳۹- درباره جنبش چپ شمالی (مصر)
۱/۷۵	۴۰- فلسطین
۱/۵۰	۴۱- نیروهای سیاسی در لبنان
۱/۷۵	۴۲- بحران در لهستان
۱/۵۰	۴۳- نقش طبقه کارگر در انقلاب ویتنام
۱/۷۵	۴۴- تحلیل طبقاتی جامعه فلسطین (حرج حبت)
۱/۰۰	۴۵- چگونه حزب ما مارکسیسم - لنینیسم را بنگار برد (تورن شینا)
و - کتابهای از لنین	
۱/۲۵	۴۶- میرترین و تلانت جنبش ما و چند مقاله دیگر
۱/۰۰	۴۷- بزرگ برده‌ی دروفین
۲/۰۰	۴۸- مقالات سیاسی
۱/۲۵	۴۹- برگزیده‌ای از آثار لنین
۱/۰۰	۵۰- موقعیت انقلابی (چند مقاله)
۱/۲۵	۵۱- قیام سلحانه
۱/۵۰	۵۲- ارزیابی از انقلاب روسیه ۱۹۰۵
۱/۲۵	۵۳- آوانتوریزم انقلابی
۰/۵۰	۵۴- طبقه کارگر و دیکراسی بورژوازی
۱/۲۵	۵۵- بحران انقلابی و دوخط مشی در انقلاب
۱/۰۰	۵۶- وظیفه سازمانهای جوانان
۱/۲۵	۵۷- چهارمقاله از لنین
۱/۰۰	۵۸- درباره جزوه یونیوس
۱/۰۰	۵۹- کفرانس شهر پتروگراد
۰/۵۰	۶۰- جنگ پارتیزانی
۱/۰۰	۶۱- کاریکاتوری از مارکسیسم و درباره اکتونوسیم
۰/۵۰	۶۲- احزاب سیاسی در روسیه و تکالیف پرولتاریا
۱/۲۵	۶۳- جنگ و انقلاب

قیمت به دلار

نام کتاب

۰/۵۰	۱- برنامه عمل
۲/۲۵	۲- نبرد خلق (۱)
۲/۲۵	۳- نبرد خلق (۲)
۰/۲۵	۴- نبرد خلق (۳)
۰/۷۵	۵- کاریکاتوری از برنامه حزب کمونیست
۰/۵۰	۶- یادنامه شهیدای کردستان
۱/۰۰	۷- لنینیسم یا تروتسکیسم
۱/۲۵	۸- شناخت دولت
۰/۵۰	۹- عسکه‌های سرخ گاردخانه
۱/۲۵	۱۰- پرولتاریا و آزاد یمنی در رانتیک
۰/۵۰	۱۱- جبهه واحد ضد دیکتاتوری و در اوردسته حزب توده
۱/۵۰	۱۲- تاریخچه جنبش کارگری
۲/۵۰	۱۳- نبرد با دیکتاتوری - رفیق حزقی
۲/۵۰	۱۴- طرح جامعه شناسی و جهانی استراتژیک جنبش انقلابی خلق ایران (تاریخ سی ساله)

ب - کتابهای صمد بهرنگی

۱/۲۵	۱۵- یک علو و هزار علو - پسرک لبو فروش
۱/۰۰	۱۶- کچل کترباز
۱/۰۰	۱۷- ماهی سیاه کوچولو
۱/۰۰	۱۸- ۲۴ ساعت در خواب و بیداری
۱/۰۰	۱۹- حماسه کوراوغلو
۲/۵۰	۲۰- کدو کاو در مسائل تربیتی ایران
۲/۷۵	۲۱- تلخون

ج - کتابهای اسعیدسلطانپور

۱/۲۵	۲۲- از گفتارهای (شعر)
۱/۲۵	۲۳- آوازه‌های بند (شعر)
۱/۲۵	۲۴- نوعی از هنر نوعی از اندیشه

د - کتابهای مربوط به مسائل زنان

۱/۲۵	۲۵- خانواده در جامعه سوسیالیستی - لنین
۱/۷۵	۲۶- خانواده مقدس (مارکس - انگلس)
۱/۲۵	۲۷- زنان و جنبشهای آزاد بخش
۱/۵۰	۲۸- زن و مبارزه (مجموعه مقالات)
۱/۵۰	۲۹- درباره مسئله زن (لنین)
۲/۵۰	۳۰- رعایتی زن
۱/۵۰	۳۱- مادر سالاری
۴/۵۰	۳۲- مشاه خانواده مالکیت خصوصی و دولت (انگلس)
۵/۰۰	۳۳- بگذر از سخن بگویم (دیتیل - زنی از معادن بولیوی)

لیست کتابهای موجود

نام کتاب

قیمت به دلار

ز - اقتصاد سیاسی

- ۶۴ - علم اقتصاد (۱) پ - نیکی تین ۲/۲۵
 ۶۵ - علم اقتصاد (۲) " " ۲/۲۵
 ۶۶ - اقتصاد سیاسی (۲) (آکادمی نویسندگان شوروی) ۴/۵۰
 ۶۷ - اقتصاد سیاسی (۳) (اسپالیسم) ۳/۰۰
 ۶۸ - آنتی دورینگ (انگلس) ۵/۰۰
 ۶۹ - نظریه وابستگی و نقد آن ۲ - خرد بورژوازی در دولت (دو مقاله از جان ویکز) ۱/۵۰
 ۷۰ - فقر فلسفه (مارکس) ۴/۰۰

ح - فلسفه علمی

- ۷۱ - نظریه شناخت (موریس کونفورت) ۳/۵۰
 ۷۲ - ماتریالیسم دیالکتیک " " ۳/۰۰
 ۷۳ - اصول مادی فلسفه (ژرژ پولیتسر) ۲/۵۰
 ۷۴ - لودویک فویرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان ۱/۵۰
 ۷۵ - تکامل سوسیالیسم از تخیل تا به علم (انگلس) ۱/۲۵
 ۷۶ - آنتی دورینگ (انگلس) ۵/۰۰
 ۷۷ - ایدئولوژی و دستگاههای ایدئولوژیک دولت (لونی آلتوسر) ۱/۲۵

ط - سوسیالیسم علمی

- ۷۸ - مقدمه‌های بر تاریخ (حمید موزی) ۱/۲۵
 ۷۹ - مارکس انگلس انقلابهای ۴۹-۱۸۴۸ (سیاهنگ ۱۱) ۲/۵۰
 ۸۰ - اصول کمونیسم ۱/۵۰
 ۸۱ - مارکس و انگلس (اتحادیه کمونیستها) (سیاهنگ ۱۰) ۲/۵۰
 ۸۲ - حزب و طبقه ۱/۵۰
 ۸۳ - همبستگی بین المللی ... (لودوان) ۱/۵۰
 ۸۴ - میرترین و تأیید جنبش ما ۱/۵۰
 ۸۵ - درباره روزیونسم مدرن (ترجمه) ۲/۰۰
 ۸۶ - زندگی و آثار فعالیتهای مارکس و انگلس ۲/۵۰
 ۸۷ - مبارزه طبقاتی در فرانسه (مارکس) ۲/۵۰
 ۸۸ - هیچکدام هم برور لونی بنابارت (مارکس) ۲/۰۰
 ۸۹ - طبقه کارگر و دموکراس بورژوازی ۰/۵۰
 ۹۰ - سازماندهی هیئت های مطالعاتی (پیشگام) ۱/۰۰
 ۹۱ - درباره دیکاتوری پرولتاریا (مارکس) ۰/۵۰
 ۹۲ - درباره بورژوازی و خرد بورژوازی (انگلس) ۱/۲۵
 ۹۳ - هدف ادبیات (ماکسیم گورکی) ۱/۲۵

ی - کتابهای "جبهه همبستگی بین المللی در دفاع از حقوق دمکراتیک مردم ایران"

- ۱ - حنا یاکویم خیمینی (انگلیسی) ۷/۰۰
 ۲ - گزارش رسمی و هفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل (انگلیسی) ۴/۰۰
 ۳ - هرگز نمیرد آنکه لاشه زنده شد بهشتی (اساسی و مشخصات ۲۵۹۶ شهید راه آزادی از ژوئن ۱۹۸۱ تا دسامبر ۱۹۸۱) ۱/۵۰



نام نوارهای ضبط شده

- ۱ - موسیقی خلق لر (گروه عاری) ۳/۰۰
 ۲ - حماسه سیاهگل (سازمان آمریکا) ۳/۰۰
 ۳ - ترانه سرودهای خلق لر (کارگاه هنر ایران) ۳/۰۰
 ۴ - از کشتارگاه (صدای رفیق سلطانیور) ۳/۰۰
 ۵ - رستاخیز سیاهگل (بهمن ۱) کارگاه هنر ۳/۰۰
 ۶ - سرزمین شورآغا (بهمن ۲) کارگاه هنر ۳/۰۰
 ۷ - پایانی عایی از آذربایجان کارگاه هنر ۳/۰۰
 ۸ - موسیقی شرقی ایرانی (۱) ۳/۵۰
 ۹ - موسیقی شرقی ایرانی (۲) ۳/۵۰
 ۱۰ - موسیقی آذربایجان (رشید بهبودوف) ۴/۰۰
 ۱۱ - شب شعر سعید سلطانیور ۴/۰۰
 ۱۲ - بنیاد گلبنهای خون ۴/۰۰
 ۱۳ - بهار ۵۰ - تابستان ۵۶ از کشتارگاه ۳/۰۰
 ۱۴ - آهنگ های انقلابی فلسطین ۴/۰۰
 ۱۵ - دفاعیات خسرو گل سرخی ۴/۰۰
 ۱۶ - نوار بیسیم ارتش در کردستان ۴/۰۰
 ۱۷ - زندگی لنین (انتشارات پیشگام کن) ۴/۰۰
 ۱۸ - کون یاریس (" " ") ۴/۰۰

فهرست پوستر

- ۱ - پوستر سعید سلطانیور ۳۰۷۵
 ۲ - اسکندر (سیاهنگ اسدیان) ۰/۷۵
 ۳ - ترکمن صحرا ۴ رنگ ۱/۰۰
 ۴ - پوستر صد بهرنگی ۰/۵۰
 ۵ - حمید اشرف ۰/۵۰
 ۶ - محمود احمدزاده ۰/۵۰
 ۷ - علی اکبر صفائی فراهانی ۰/۵۰
 ۸ - خسرو گل سرخی ۰/۷۵
 ۹ - بیون جزئی ۰/۵۰
 ۱۰ - طرح آزادی (رنگ) (جبهه همبستگی) ۱/۰۰
 ۱۱ - طرح شکجه " " ۱/۰۰
 ۱۲ - اعدام " " ۱/۰۰

دگمه سینه

- ۱ - زندانی سیاسی ۰/۵۰
 ۲ - سعید سلطانیور ۰/۵۰
 ۳ - آرم سازمان چ صخ ۰/۵۰
 ۴ - پیراهن با تصویر رفیق اسکندر و رفیق سعید ۷/۰۰
 ۵ - تقویم دیواری ۳ رنگ فارسی - انگلیسی سال ۱۳۶۲ ۳/۰۰
 ۶ - تصویر برجسته صد بهرنگی روی شیشه قاب شده ۵/۰۰
 ۷ - نوساخ روی کاغذی ۵/۰۰

پتک است خون من درد دست کارگر
داس است خون من درد دست بزرگر



گرامی باد خاطره فدائی شهید محمد سلیمانی - "اصغر"

رفیق در ۱۳۳۸ در یک خانواده زحمتکش و کارگری در شهرستان اراک به دنیا آمد. تمام دوران کودکی اش را در محیط سخت و توانفرسای کار بدنی گذراند، به نحوی که روزها به مدرسه میرفت و شبها که گاهی تا به صبح میکشید، را در کارگاههای قاب سازی و ... به کار میپرداخت. او به دلیل شرایط دشوار مالی خانواده اش، ناگزیر از کار شبانه بود. ولی همین امر در عین حال به رفیق "اصغر" امکان داد تا از نزدیک ستم و استثمار را لمس کند و کینه طبقاتی در وجودش ریشه دواند.

در جریان قیام و کمی قبل از آن که مبارزات آشکار توده های گسترش می یافت، رفیق با مسائل سیاسی آشنا گردید و به علت استعداد و شرایط زندگی اش خیلی زود با مواضع فدائیان خلق و راه سرخشان آشنا شده و به صفوف آنان پیوست. هنگام اشغال خائنین "اکثریت"، رفیق قاطعانه با مواضع رفرمیستی آنان برخورد نموده و در موضع جناح انقلابی سازمان قرار گرفت. شور انقلابی و عزم آهنین او در راه پیکار کارگران و زحمتکشان باعث شده بود که مسئولیت های زیادی برعهده رفیق قرار گیرد. مسئولیت توزیع تشریه در سطح منطقه برعهده رفیق بود.

با آغاز شهادت سراسری رژیم در ۳ خرداد و بورژوازی امان ارتجاع به انقلابیون حرفه ای رفیق "اصغر" نیز مورد شناسایی مزدوران قرار گرفت و به همین علت برای ادامۀ فعالیت هایش به شهر بروجرد رفت. در همین ماه ۱۳۶۰، به علت یک اشتباه، توسط پاسداران در اراک دستگیر گردید. رفیق که از بیماری زخم معده نیز رنج میبرد، به مدت ۷ ماه توسط دزخیمان شکنجه گردید، و در این مدت به خاطر وخامت اوضاع جسمی اش بارها به بیمارستان انتقال یافت، ولی کینه طبقاتی اش نسبت به خمقوی تر از آن

تقویم تاریخ

خرداد

MAY - JUNE

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
۲۸	۲۹	۳۰	۳۱			

۱۳۴۹	خرداد	شهادت رفیق فدائی حسن نیک داوودی
۱۳۵۱		شهادت رفیق فدائی بهروز دهقانی (نویسنده و مترجم) زیر شکنجه عمال شاه
۱۳۵۰	۲ خرداد	شهادت رفقای فدائی امیر پرویز بیویان، رحمت الله پیرو، نذیری و اسکندر مادی نژاد
۱۳۵۱	۴ خرداد	شهادت رهبران سازمان مجاهدین خلق، محمد حنیف نژاد، سعید محسن، علی اصغر بدیع زادگان، محمود عسگری و عبدالرسول مشکین فام
۱۳۱۰	۱۰ خرداد	تصویب قانون ضد کمونیستی معروف به "قانون سیاه" توسط رژیم رضا شاه
۱۳۹۹	۱۲ خرداد	اعلام جمهوری کیلان
۱۹۶۵	۹ ژوئن	آغاز انقلاب عمان
۱۳۴۲	۱۵ خرداد	قیام خونین ۱۵ خرداد
۱۳۳۸	۲۳ خرداد	اعتصاب ۴۰۰۰۰ کارگر کوره پزخانه های تهران
۱۹۲۸	۱۶ ژوئن	تولد انقلابی بزرگ رفیق ارستو چه گوارا
۱۳۳۰	۲۹ خرداد	خلع ید امیرالایم انگلیس از منابع نفتی ایران
۱۳۶۰	۳۰ خرداد	شبه خونین "۳۰ خرداد"
۱۳۶۰	۳۱ خرداد	کشتار دسته جمعی ۲۳ تن از فرزندان راستین خلق از جمله سعید سلطان پور، محسن فاضل و ...

بمناسبت

سده درگذشت مارکس

سلسله بحث های آموزشی

درک مادی از تاریخ

را در شماره آینده "جهان" بخوانید

بود که کلمه ای از اسرار خلق را بازگو کند.

بالاخره در آبان ماه ۱۳۶۱، دزخیمان که از شکنجه وی برای کسب اطلاعات ناامید شده بودند، رفیق "اصغر" را همراه ۷ تن دیگر از همزمانش به جوخه اعدام سپردند.

یادش گرامی و راهش جاودان باد

